



رسول اکرم صلی الله علیه وآله:

الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ هُمْ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ وَ
آخِرُهُمُ الْقَائِمُ. فَهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَأَوْلِيَائِي وَحُجَجُ
اللَّهِ عَلَى أُمَّتِي بَعْدِي الْمُقَرَّبِينَ مُؤْمِنٌ وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ

امامان بعد از من دوازده نفرند؛ اولشان علی بن ابی طالب علیه السلام
است و آخرشان قائم علیه السلام. آنان جانشینان و اوصیا و
حجت های خدا بر امتم بعد از من هستند. اقرارکننده به آنها
مؤمن است و منکر آنها کافر.

کمال الدین و تمام النعمة، جلد ۱، صفحه ۲۵۹





نشریه ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
مرداد تا آبان ۱۳۹۴ / ۹۶ صفحه / ۵۰۰۰ تومان
• همراه با هدایای رایگان ویژه کودکان و نوجوانان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

مدیر مسئول: دکتر محمد صابر جعفری

سردبیر: حسن ملایی

دبیر تحریریه: محمدرضا عابدی شاهرودی

دبیر هنری: وحید هماتاش، سیدعلی حسینی (صفحه آرا)

دبیر اجرایی: زهره رجبی شیزری

همکاران این شماره: محمد جواد روح اللهی، محمدعلی اخلاقی، زهرا مرتضایی، سیدعلی حسینی لیلوری، عبدالامیر

مطیع الرسول، سیداحمد فنونی. رضا مورساقیان، سیدعلی حسینی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، تقاطع قدس و ایتالیا، پلاک ۹۸

تلفن: ۸-۸۸۹۹۸۶۰۱-۲۱

صندوق پستی: info@mahdaviat.ir

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری که دارای تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد، به منظور ترویج و معرفی فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه - به ویژه نسل جوان - با شخصیت امام مهدی علیه السلام و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب موافقت مقام معظم رهبری از سوی حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی، در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۳ تأسیس گردید.





۶۶

بصیرت آخر الزمانی

۶۸ / در محضر استاد اخلاق
۷۰ / دیپلماسی منتظرانه
۷۴ / عروج در آخر الزمانی زمینی
۷۸ / اسلام در هالیوود
۸۰ / تاروت و فرقه‌های جادوگری ...



۳۶

در امتداد غدیر

۳۸ / غدیر و وقف فرهنگی و هنری و ...
۴۰ / غدیر، هویت تشییع است.
۴۲ / مهدویت در آینه غدیر
۴۶ / علی رمزیک انقلاب جهانی ...



۸

زندگی به رنگ انتظار

۱۰ / چگونگی یک خانواده مهدوی؟
۱۴ / باورسازی، درونی سازی، ملکه سازی
۱۸ / دردهای آخر الزمانی من ...
۲۰ / فرمانده واقعی



۸۴

مهدویت در شهر مقاومت

۸۶ / انتظار جاری
۹۰ / سال ۱۳۹۳ در یک نگاه ...
۹۴ / همراهان امان



۵۰

قیام اشک ها

۵۲ / ما مسئول اشک های امام زمانیم!
۵۶ / از دل ما
۵۸ / محرم و مهدویت
۶۲ / آداب حضور در مجلس عزاداری
۶۴ / شعر (حی علی غم و صاحب عزا)



۲۲

واژه های بی قرار

۲۴ / شعر (بدون تو و اشعار نورانی)
۲۶ / می ماند بین من، تو، آقا
۳۰ / بهانه بودن
۳۲ / ساخت و اداره یک فرقه، در یک دقیقه

ایران، کشور امام زمان

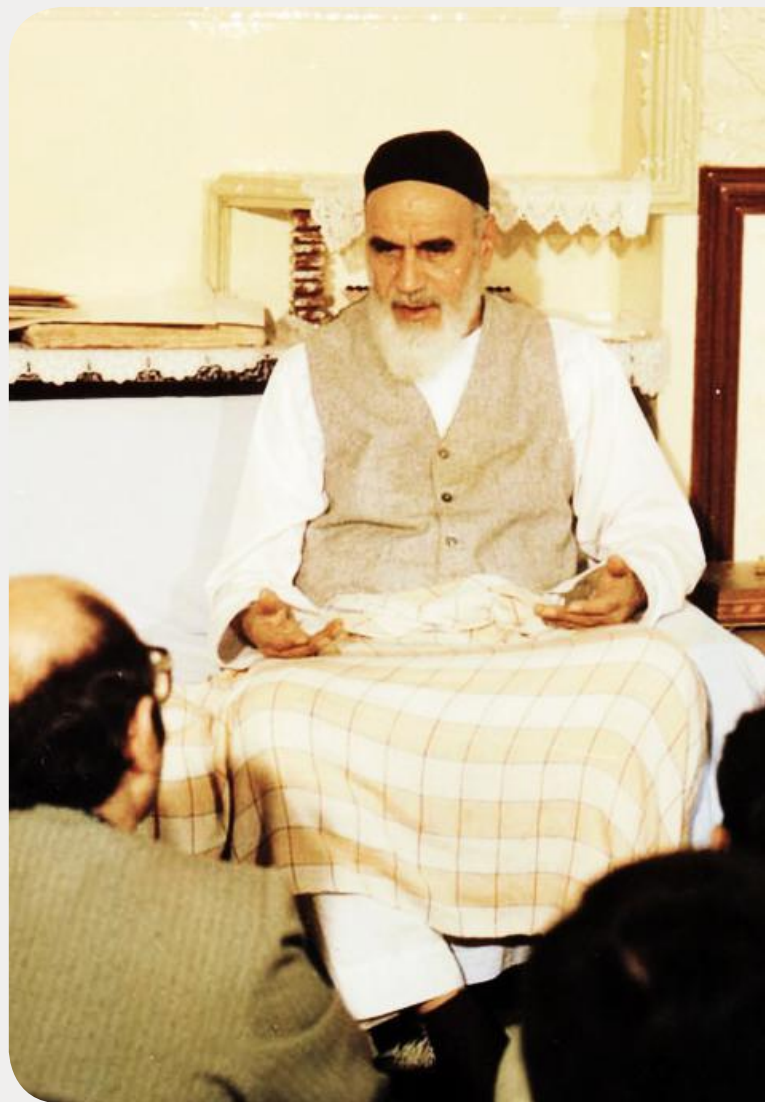
این کشوری که کشورائمه هدی و کشور صاحب الزمان - سلام الله - است، کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان شاء الله به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد، جلوگیری کند.

• صحیفه امام، جلد ۱۴، صفحه ۳۰۹

حضرت امیر سرمنشأ غدیر

مسئله غدیر، مسئله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسئله‌ای پیش بیاورد؛ حضرت امیر مسئله غدیر را ایجاد کرده است. آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد؛ آنکه ارزش دارد، خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غدیر آمده است. خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست که [آنچه] دلخواه است انجام بدهد، مأمور می‌کند رسول الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد، این را نصب کن.

• صحیفه امام، جلد ۲۰، صفحه ۱۱۲





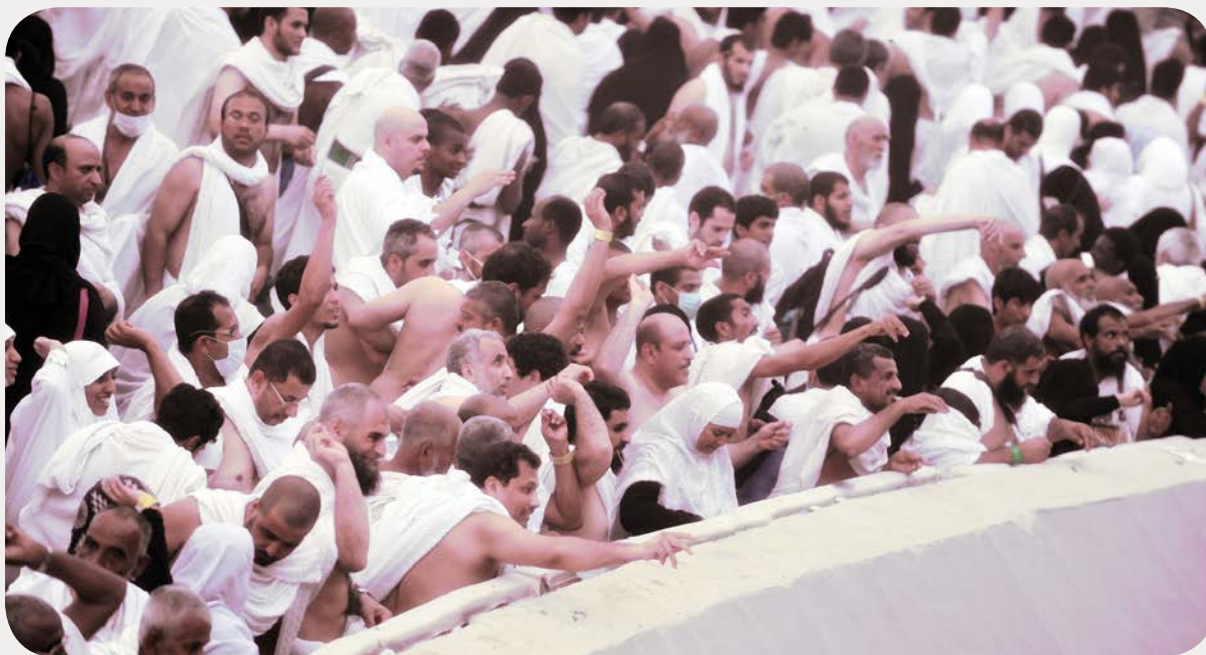
راه غدیر، راهی به سوی ظهور

مردم عزیزمان و به خصوص جوان‌ها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، يك راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه مستحکمی ترسیم شده و رونندگان بسیار بزرگ و عظیم‌المنزلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگرما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجه مردم جهان به خصوص کشورهای اسلامی هستیم. راه، راه خوش‌عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسئولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که إن شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود -صلوات الله علیه و عجل الله فرجه- را فراهم خواهد کرد.

• بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم ۱۳۷۹/۱۲/۲۴

روز عید غدیر که به نام عید ولایت نامیده می‌شود،...؛ روزی است که مفهوم ولایت اسلامی، به وسیله پیامبر اکرم یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد. برای کسانی که می‌خواهند از اسلام نمونه‌ای ذکر بکنند، بهترین نمونه، همان کسی است که نبی مکرم اسلام -صلی الله علیه و آله- او را به الهام الهی و به دستور پروردگار عالم، برای منصب عظیم ولایت آن روز معین فرمود...

• بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۷/۰۱/۲۷



رویارویی

• مدیر مسئول

• ایادی دیگر خود را می خواند، آنانی که بنده فراعنه اند، اعوان ظلمه، تا راه را بر حجاج و صفوف الهی، مسدود کنند، برای رضایت فراعنه، حاجی را از طی مسیر متوقف کنند، رمی یا قربانی را به تأخیر اندازند و «يُضْذَوْنَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ». • در گام بعدی، وقتی فشار و ازدحام جمعیت، کمی هوا و سختی تنفس، به دلیل مسدودی راه، حادثه آفرید ایادیش را که هیچ قدر و منزلت انسان و اسلام را نمی فهمند، می خواند تا مرده و زنده را با هم و به روی هم تلنبار کنند، از کشته ها پشته سازند و نگذارند کمکی به آنان شود. دل های مسلمانان را در روز شاد قربانی و انجام تکلیف الهی

شیطان با همه وجود به جنگ آمده است، رویارویی سخت تر شده است:

• فراعنه و فرزندان فراعنه ای را برخلاف جهت جمعیت، به تبختر و تکبر می خواند تا ریاکارانه خودی نشان دهند، مثلاً ادای حج گزاران درآورند؛ حج گزارند یا فی الواقع با صدها خَدَم و حَشَم، در مقابل توحید خدا، «إِنَّا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» گویند.

و رمی شیطان و شادی پس از انجام فرائض الهی، به غم و اندوه و اگر بتواند به ناشکری کشاند.

• قاتلان دین و حجاج، برای توجیه عملکرد خود، جبرگرایانه مانند بنی امیه که شهادت امام حسین (ع) را قضاء و قدر الهی و جبر و القاء می کرد، قتل عام حاجیان در منا را قضاء و قدر الهی تفسیر کرده و از مسئولیت خود شانه خالی می کنند.

حال نوبت و سوسه هاست، نوبت دل نگرانی هاست:

• حاجی مضطرب همسر و فرزند و برادر و همسفر از دست داده و یا مفقود شده و بلا تکلیف را از آرامش مناجات و اتمام مناسک مانع می شود. با همه وجود می کوشد تا حاجی «رضاً برضائک» سر ندهد و آرامش نداشته باشد.

• بستگان حاجی، در شهرها و مناطق، نگران تراز حاجی مکه و مدینه، مضطرب به اخبار و آمار رسیده و نرسیده؛ تحلیل ها و احتمال ها، درست و غلط، واقعی یا شایعه، راست یا دروغ، توسط شبکه های مختلف ایادی شیطان گوش فرا می دهد.

• گاه حاجی و غیر حاجی به تردید می افتند. کاش حج نرفته بودیم. کاش پدر و مادر و یا برادر و خواهر ما نزد ما می ماند، کاش مانع رفتن او شده بودیم. مانند کسانی که پس از شهادت بستگان خود در جنگ ها می گفتند: «لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا».

• برخی در اعتراض به عملکرد فرعون های حجاز؛ به تعطیلی حج می اندیشند. برخی هزینه های حج را بزرگ نمایی می کنند و با این دلیل، عدم حج را ارجح می پندارند.

• برخی را جاهلانه یا عامدانه، به رویارویی فریضه ای مقابل

فریضه ای دیگر می کشاند. واجب و یا مستحبی را به جنگ واجب دیگر می کشاند، رسیدگی به محرومین و فقراء نه انجام حج. رعایت اشک یتیم، نه حج. گویا حاجی که سختی سفر و هزینه های مختلف را به جان خریده تا فریضه ای الهی را انجام دهد، لزوماً فرائضی و واجبات دیگر را ترک و تعطیل کرده است. در حالی که آنکه به دنبال انجام وظیفه و تعبد و فریضه است؛ نسبت به فرائض دیگری تفاوت نیست.

• جلوه دیگر شیطان، جنودی اند که جز تمسخر و طنز مسیری نمی روند، به مهمان الهی، آنکه آخرین کار او، دل کندن از دنیا بوده، همو که با لباس احرام و وجودی لبیک گویان رخت از دنیا بر بسته، به طنز و تمسخر می پردازند.

مبارزه و آینده:

• حاجی مسجد الحرام و منا دیده می داند که شیطان و ایادی او دست در دست هم به دنبال حذف توحید و اسلام و مسلمان اند و اعتماد به آنان و اعتماد به وعده ها و سخنان آنان جز جهالت و تهازل نیست و نتیجه ای جز ذلت و شکست ندارد.

• اینجاست که حاجی در می یابد، توحید و اخلاص، قربانی می خواهد، نجات حرمین از شرک و شیطان پرستی قربانی می طلبد و یقیناً غربت قربانیان مسیر توحید را خواهد گشود.

• و البته یقیناً زمان آن خواهد رسید که ولی خدا حرم را امن کند، نه منا و نه رمی جمرات؛ هیچ کجا برای کسی قُرُق نخواهد شد، حتی نماز پشت مقام حضرت ابراهیم (ع) عادلانه خواهد بود و آنکه نماز واجب خود را بپا داشت، از جا برمی خیزد و برای نماز مستحب حق ندارد جای حاجی دیگر و نماز واجب او را اشغال کند.



زندگی به رنگ انتظار

منتظر امام زمان،
فقط به زبان، منتظر نیست،
طوری است که اگر دیگران او را ببینند،
از طرز رفتار و گفتار و عملش،
در واقع از طرز زندگی اش او را خواهند شناخت.
منتظر امام زمان، زندگی اش با یک کلید واژه
همراه است.
آن کلید واژه مهم، انتظار است.
زندگی منتظران، باید نشان دهنده
حقیقت انتظار باشد. در پرونده این شماره، به
موضوعات مرتبط با آن خواهیم پرداخت.

گفتگو

• چگونه یک خانواده مهدوی می شود؟

یادداشت

• باورسازی، درونی سازی، ملکه سازی

دل نوشته

• دردهای آخرالزمانی من • سلام بر تو که دستانم را رویاندی

یادداشت

• فرمانده واقعی

چگونه یک خانواده، مهدوی می‌شود؟

• روش‌های دستیابی به خانواده مهدوی در گفتگو با
حجت الاسلام محمدعلی اخوان



حجت‌الاسلام محمدعلی اخوان متولد سال ۱۳۵۷ در شهر مقدس قم می‌باشد. ایشان دارای کارشناسی ارشد در علوم قرآنی بوده و هم‌اکنون نیز در حال تحصیل دروس خارج فقه در حوزه علمیه قم هستند. از جمله سمت‌ها و فعالیت‌های ایشان می‌توان به مدیریت مؤسسه فرهنگی تربیتی رویش، مشاوره در امور تربیتی، کارشناسی مرکز ملی پاسخگویی و تألیف ۱۲ عنوان کتاب در همین راستا اشاره نمود. ایشان مدتی است که در برنامه پرتعداد خانه مهر که از رادیو سراسری معارف، پخش می‌شود به عنوان کارشناس، حضور داشته و به تبیین مسائل مربوط به خانواده می‌پردازند. آنچه در ذیل می‌آید حاصل گفتگو با ایشان درباره بخشی از مسائل مربوط به خانواده مهدوی است.

• جناب آقای اخوان، به عنوان اولین سؤال بفرمایید خانواده مهدوی چه فرقی با خانواده اسلامی دارد؟

به عنوان مقدمه باید بدانیم همان‌گونه که قرآن کریم در سوره نساء به ما می‌آموزد که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» یعنی «ای کسانی که ظاهراً به خدا و رسولش ایمان آورده‌اید حقیقتاً ایمان بیاورید». برطبق این آیه شریفه ما در دایره اسلام، دو گروه مسلمان و مؤمن داریم. بین دو خانواده مسلمان و مؤمن نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. بنابراین همان‌طور که یک اسلام داریم و یک ایمان، گاهی ما یک خانواده اسلامی داریم و یک خانواده ایمانی. فرق این دو به آن است که خانواده اسلامی، یک خانواده متعادل است اما خانواده ایمانی پا را فراتر گذاشته و یک خانواده متعالی است. با این مقدمه می‌گوییم که خانواده مهدوی همان خانواده ایمانی و متعالی است که به دنبال آرمان‌های بلندی است و از سطح فعالیت‌های عمومی اسلامی فراتر رفته است. در خانواده مهدوی نه تنها اعضای خانواده خوب هستند بلکه برای همه مؤمنان نیز برنامه دارند کما اینکه قرآن کریم از زبان آنها در سوره فرقان می‌فرماید: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛ پروردگارا! از میان همسران و فرزندان ما روشنی چشمانمان قرار بده و ما را پیشوای متقین مقرر نما». خانواده مهدوی، خانواده‌ای است که ازدواج و بچه‌دار شدن و تربیت آنها و دیگر رفتارهایش برای آن است که غیبت هزار و چند ساله امام زمان را با پرورش افرادی که شایستگی سربازی وی برای قیام و حکومت جهانی او را دارند، تمام نماید و به غربت حضرت مهدی و اجداد معصومین خاتمه دهد.



• آیا چنین خانواده‌ای مخصوص دوران غیبت امام عصر است یا در دوره‌های قبل مانند زمان پیامبران و سایر ائمه نیز چنین خانواده‌هایی داریم؟

اساس حرف آن است که دو جبهه حق و باطل و به تبع، دو جریان ولایت الهی و شیطانی در جامعه انسانی وجود دارد و خانواده‌ها نیز به عنوان سلول‌های جامعه به دو بخش خانواده‌های ولایی و شیطانی که هر کدام در صدد تثبیت ولایت خدا یا طاغوت هستند، تقسیم می‌شوند به همین جهت ما در متون دینی هم از آل ابراهیم و آل فرعون، سخن می‌شنویم و هم از اهل بیت رسول الله و آل ابوسفیان. منظور از خانواده مهدوی نیز خانواده‌ای است که به دنبال حاکمیت ولایت حق در جهان است که منتهی این امر به وسیله حضرت مهدی برداشته می‌شود. خانواده اسلامی خانواده‌ای است که به دنبال انجام واجبات و ترک محرمات و داشتن محبت به اهل بیت است، اما خانواده مهدوی علاوه بر این موارد به دنبال حاکمیت و ولایت اهل بیت پیامبر در عالم که همانا ادامه ولایت خداست، می‌باشد و این مهم‌ترین اولویت اوست که در تمام انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و حتی بر روابط عاطفی در خانواده هم مقدم است؛ بنابراین در این خانواده فقط به محبت به اهل بیت اکتفا نمی‌شود.

• با این حساب ویژگی مخصوص خانواده مهدوی چیست؟

خلاصه آن چه تاکنون بیان کردیم آن است که طرز تفکر خانواده مهدوی با خانواده‌های دیگر فرق داشته و در واقع یک خانواده مهدوی، آرمان‌گرا است که در انتظار حاکمیت



حق در هستی به وسیله ولی خدا و امام دوازدهم، به سر می‌برد. به همین جهت معرفت خانواده مهدوی به امام زمان و معارف مهدوی از خانواده‌های دیگر کامل‌تر است. علاوه بر آن یک خانواده مهدوی همیشه امام زمان را ناظر بر تمام فعالیت‌های خود می‌بیند نه اینکه او را از خانواده خویش غایب بدانند.

• اگر خانواده‌ای دوست داشته باشد که خانواده‌ای مهدوی شود باید از کجا شروع کند؟

باید از عشق و محبت به امام زمان -عجل الله تعالی فرجه الشریف- آغاز کرد تا آن‌گاه همه گرایش‌ها و تلاش‌های ما و خانواده ما بر محور ایشان سامان یابد. اما این را هم بدانیم که این کشش و محبت، اول از ناحیه خود حضرت نسبت به ما صورت می‌گیرد. مهم این است که ما بدانیم که چگونه به این رابطه عاشقانه دو طرفه دست یابیم.

• چگونه یک خانواده مهدوی می‌تواند به این رابطه محبت آمیز با امام زمان دست یابد؟

نکته اول آن است که باید طرز تفکر خود را اصلاح کنیم و به آنچه در فرق بین خانواده اسلامی و مهدوی و برکاتی که یک خانواده مهدوی به آن می‌رسد، معرفت یابیم. علاوه بر آن، یک خانواده مهدوی به طور دائم به این فرمایش امام زمان توجه دارد که فرمود: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَانَا سَبَبٌ لِيَذْكُرَكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمْ الْأَعْدَاءُ»؛ همانا، ما از رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم، چه در غیر این صورت، سختی‌ها و گرفتاری‌ها بر شما فرو می‌آید و دشمنان شما را ریشه‌کن

کرده و از بین می‌برند». پس باید چنین حس صمیمانه‌ای را که ایشان به ما دارند در خود نیز به وجود آوریم. در ادامه این فرمایش، حضرت می‌فرماید که ما را پشتیبانی نمایید. یعنی باید به این فکر باشیم که در مقابل این همه لطف و مهربانی حضرت، کاری انجام دهیم که مورد رضایت ایشان باشد نه اینکه فقط در هنگام سختی‌ها به حضرت پناه ببریم بلکه در همه حال باید به فکر امام زمان باشیم و به او

مُذَاكَرَتِكُمْ إِحْيَاءٌ لِّأَمْرِنَا وَخَيْرُ النَّاسِ مَنْ بَعْدَنَا مَنْ ذَاكَرَ بِأَمْرِنَا وَ عَادَ إِلَيَّ ذِكْرِنَا؛ ای داود به دوستانم سلام مرا برسان و اینکه من می‌گویم: رحمت کند خدا بنده‌ای را که با دیگری همراه شود، و امر ما را گفتگو کنند که سومی آنان فرشته‌ای است که برای هر دو آمرزش خواهد، و هر جا گرد آئید و به یاد ما مشغول شوید، گرد آمدن و گفتگوی شما امر ما را زنده می‌دارد، و بهتر مردم پس از ما کسی است که مذاکره کند در امر ما و بازگردد به یاد کردن ما». خانواده ما یکی از بهترین اجتماعاتی است که در آن اعضای خانواده می‌توانند با گفتگو درباره امام زمان و یاد او محبت ایشان را در دل‌ها افزایش دهند.

• دعا برای امام زمان در میان اعضای خانواده چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

ببینید مهم‌ترین چیزی که یک خانواده را به رنگ امام زمان در می‌آورد ترک انواع گناهانی است که موجب رنجش حضرت می‌شود. در همین راستا دعا برای فرج ایشان تأثیر فراوانی دارد. البته گاهی دعا برای شخص امام عصر است و گاهی برای جایگاه ولایت ایشان. خاصیت مهم این ادعیه دو چیز است؛ اول باعث انس و رفاقت با حضرت مهدی علیه‌السلام می‌شود و دوم آنکه وظایفی را که ما باید در قبال زمینه‌سازی برای ظهور وی انجام دهیم، به ما گوشزد می‌کند و این هر دو سبب رشد خانواده ما و تبدیل شدن آن به یک خانواده آرمانی و مورد پسند امام زمان می‌شود.



توجه کنیم. یک خانواده مهدوی چنین است. اصولاً ائمه بزرگوار ما به یاد و توجه به اهل بیت در مجالس خود توجه داده‌اند. امام صادق علیه‌السلام به داود بن سرحان فرمود: «يَا دَاوُدُ أُنَبِّئُكَ مَوْلِيَ مِثْلِي السَّلَامَ وَأُنَبِّئُكَ رَجَمَ اللَّهِ عَبْدًا اجْتَمَعَ مَعَ آخَرٍ فَتَذَاكَرَ أَمْرِنَا فَإِنَّ ثَالِثَهُمَا مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُمَا وَمَا اجْتَمَعْتُمْ فَاسْتَعْلُوا بِالذِّكْرِ فَإِنَّ فِي اجْتِمَاعِكُمْ وَ



باورسازی، درونی سازی، ملکه سازی

درآمدی بر بایسته های انتقال معارف مهدوی به کودکان

• ابراهیم عبداللّهی

فارغ التحصیل کارشناس ارشد مهدویت

مقدمه

مهدویت، اندیشه انتظار موعودی الهی است که افزون برشمولیت نسبت به تمام اعتقادات و باورهای اسلامی، نویدبخش آموزه هایی است که عامل حرکت، امید، تعالی و پیشرفت در جامعه بشری به ویژه جامعه بزرگ اسلامی

می گردد. در عصر غیبت کبری و دوری ظاهری از مرّی و حجت الهی، جامعه شیعی بیش از هر زمان دیگر، به منظور ارتقا و رشد علمی، عملی و معنوی افراد جهت زمینه سازی ظهور، نیازمند دانش افزایی و تقویت باورها نسبت به آموزه های مهدوی است. براین اساس، یکی از مهم ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت نیز گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه سازی برای ظهور امام زمان به معنای آمادگی معرفتی، اخلاقی و رفتاری برای ظهور و پذیرش امر معصوم است. این آرمان ارزشمند با پرورش نسلی مهدوی تحقق می یابد. از این رو، باید بهترین سن برای تربیت پذیری و تأثیرپذیری، یعنی دوران کودکی را - بر طبق روایات - انتخاب نمود. باز هم کم کاری متأسفانه در جامعه معاصر، والدین

و مربیان و به‌طورکلی افراد و نهادهای تأثیرگذار، در زمینه ایجاد و تقویت روحیه مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری میان افراد جامعه بسیار کم‌توجه بوده‌اند و افزون بر آن، پیرامون آغاز پرورش چنین روحیه رشددهنده‌ای از سنین کودکی، اقدامات سازنده و تحقیقات علمی قابل استنادی صورت نگرفته است. در مراکز آموزشی که عهده‌دار آموزش و تربیت کودکان هستند مانند مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌های موجود نیز این امر مورد غفلت واقع شده و تنها موضوعات بهداشتی و اجتماعی تکراری در لیست آموزشی قرار گرفته‌اند.

علت غفلت از مهدویت در جریان تربیت کودکان

به نظر می‌رسد این کاستی، به‌خاطر فقدان معرفتی و انگیزشی نسبت به دو امر است؛ یکی، جایگاه آموزه‌های مهدوی در تربیت انسان به‌ویژه در دوره طلایی کودکی و دیگری، نقش تربیت و روش‌های صحیح آن در نهادینه‌سازی معارف مهدویت می‌باشد. لازم به ذکر است که گروهک‌ها و جریان‌ات ضد دیانت و مهدویت در زمینه انتقال مفاهیم و گزاره‌های انحرافی یا به‌ظاهر دینی به کودکان، فعالیت‌های گسترده‌ای دارند. آن‌ها از طریق تلقین و تکرار آموزه‌های انحرافی خود و همچنین ارائه الگوهای نامناسب، قصد تغییر و سوق دادن اندیشه و گرایش‌های کودکان از معارف ناب اسلامی و مهدوی به سوی اهداف باطل دارند. البته بدیهی است که صرف اطلاع‌رسانی، کافی نیست و علاوه بر انتقال، باید به فکر نهادینه‌سازی، درونی‌شدن و تبدیل آن معارف به باور و ایمان نیز باشیم تا اثر تربیتی ماندگار داشته باشد و در نتیجه افعال خیر با میل درونی صادر گردد که

دوره کودکی بهترین زمان برای این امر است.

انتقال آموزه‌های مهدوی پس از بازشناسی شخصیتی کودک

بنابراین، ابتدا باید به بازشناسی و توصیف حیطه‌های شخصیتی کودکان از جهت آموزه‌پذیری و تربیت‌پذیری بپردازیم. سپس با در نظر گرفتن آنها آموزه‌های مهدوی، گونه‌شناسی و همچنین معیارهای گزینش آن آموزه‌ها برای کودکان بررسی شود. یعنی با توجه به ویژگی‌های خاص شخصیتی کودکان، آموزه‌های مهدوی به لحاظ قرار گرفتن در سامانه انتقال به کودک به‌گونه‌ای روشمند، دسته‌بندی و گزینش شوند. پس از آن، جهت نهادینه‌سازی آن آموزه‌ها در کودکان، با تکیه بر مبانی و اصول تربیت اسلامی، در پی شناسایی و یافتن راه‌کارها و روش‌های تربیتی مناسب، همگام با رشد و تحول شخصیتی کودکان باشیم. مثلاً از بین آن‌ها، روش‌های تربیتی مانند تلقین و الگونمایی مهدوی انتخاب و با بحث پیرامون اموری همچون معناشناسی، جایگاه‌شناسی در تربیت کودکان، مبانی و اصول، شیوه‌ها و قالب‌های اجرایی به تبیین آن دو بپردازیم. چون در غیر این صورت، کودکان در معرض تهدید آسیب‌های جدی معرفتی و عاطفی نسبت به آن آموزه‌ها قرار خواهند گرفت و هیچ بهره معرفتی و معنوی از آن‌ها نخواهند برد. با بهره‌گیری از این روش‌ها، می‌توان استعدادها و نهفته در کودکان را با جهت‌دهی به سوی آموزه‌های مهدوی رشد و شکوفایی بخشید. از این طریق، نه تنها کودکان با این آموزه‌ها آشنا می‌شوند بلکه زمینه نهادینه‌سازی و درونی‌شدن آن‌ها فراهم و به صورت باور و ایمان درمی‌آید. این امر، افزون بر خودمراقبتی حاصل



منتظر از طریق نهادهای سازی آموزه‌های مهدوی استفاده کنند، مربیان مهد کودک‌ها و پیش دبستانی‌هایی که قصد اجرای برنامه آموزش معارف مهدوی دارند به ویژه اگر آن برنامه در یک فرآیند تربیتی بلندمدت باشد، قصه‌نویسان و قصه‌گویان، شاعران، فیلم‌نامه‌نویسان و فیلم‌سازان عرصه کودک و همچنین طراحان بازی‌های کودکانه.

مقصود از نهادهای سازی

برای نهادهای سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان دو جنبه فردی و اجتماعی قابل تصور است. الف) جنبه فردی: جهت نهادهای سازی آموزه‌های مهدوی در هر شخص، باید از بهترین سن تأثیرپذیری و تربیت‌پذیری یعنی دوره کودکی آغاز کرد و پس از آموزش و انتقال صحیح آن آموزه‌ها به کودکان، سه مرحله طی شود؛ مرحله اول، باورسازی است یعنی باید کاری کنیم (روش‌هایی اتخاذ کنیم) تا

از درک حضور حضرت مهدی علیه السلام، باعث استحکام اعتقادات، انجام رفتارهای پسندیده با میل و رغبت درونی و همچنین موجب آمادگی برای عصر ظهور می‌گردد.

نهادهای سازی معارف مهدوی از طریق شیوه‌های مناسب

انسان در دوره کودکی، ظرفیت و توانایی زیادی در پذیرش آموزه‌های دینی به ویژه معارف مهدویت دارد. براین اساس، پژوهش درباره یافتن راهکار تربیتی برای نهادهای سازی آموزه‌های مهدوی می‌تواند در زمینه هدف مهمی همچون بازنمایی جامعی از ظرفیت‌ها و استعدادهای کودکان در زمینه پذیرش آموزه‌های مهدوی کمک کند. دیگر اینکه مدخل نوینی در کاوش پیرامون آموزه‌های مهدوی ایجاد کند و آن عبارت است از پیوند و ارتباط متقابل روش‌های تربیتی و معارف مهدویت. هدف دیگر این است که روش‌های تربیتی تأثیرگذاری همچون تلقین و الگودهی، از مباحث صرفاً نظری عبور کرده و بتوان به شیوه‌ها و قالب‌های اجرایی آن‌ها با توجه به ویژگی‌های روحی و شخصیتی دوران کودکی دست یافت و به صورت یک دستورالعمل قابل اجرا جهت نهادهای سازی و درونی شدن آموزه‌های مهدوی در کودکان ارائه کرد. هدف نهایی، آن است که با تربیت نسلی مهدی‌باور و مهدی‌یاور بتوان زمینه‌های سازندگی انسان‌ها برای زندگی مهدوی و آمادگی برای ظهور، فراهم گردد. نتایج پژوهش مذکور می‌تواند مفید باشد برای هر شخص و نهادی که در جایگاه انتقال و نهادهای سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان فعالیت می‌کند. مانند والدین به ویژه مادرانی که قصد دارند از تمام ظرفیت هم‌جواری با کودک، جهت تربیت نسل

کودک، آسان و بی‌تکلف می‌شود. همچنین، به صورت خودکار و بدون درنگ در جای مناسب از او صادر می‌گردد. بنابراین اگر آن رفتار در کودک نهادینه شود، همیشه از او سر می‌زند، گویی جزئی از شخصیت او شده است. (ب) جنبه اجتماعی: برای اینکه آموزه‌های مهدوی در متن و عمق جوامع کوچک کودکانه مثل مهد کودک، پیش دبستانی و مدرسه نهادینه شود، می‌توان یک برنامه بلندمدت سازمان‌یافته، نظام‌مند و ثابت تنظیم نمود که حاوی اصول، شرایط و راه‌کارهای اجرایی باشد. مثلاً یکی از آن اصول این است که به‌گونه‌ای عمل شود تا آثار و کارکردهای باور به آموزه‌های مهدوی هر چه بیشتر برای کودکان، نمایان و مشهود باشد. افزون بر آن، باید باورهای مهدوی، التزام و وفاداری دائمی نسبت به آن‌ها، توجه به شاهد و ناظر محترمی همچون امام مهدی -عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف- استمرار و تکرار رفتارهای مهدوی در بین کودکان به صورت ارزش درآید. چون نهادینه‌شدن آموزه‌های مهدوی، ارتباط تنگاتنگی با نوع نگرش به آن‌ها دارد. براین اساس، زمانی در مدرسه، فرهنگ معارف مهدوی نهادینه می‌گردد که آن‌ها به عنوان یک ارزش تلقی شوند. یکی از راه‌کارهای تحقق چنین امری، این است که آن امور، ملاک و معیار توجه ویژه و تشویق علنی مربیان قرار گیرد. لازم به ذکر است که در بحث نهادینه‌سازی، باید تمام عوامل و نهادهای تأثیرگذار مانند خانواده، نظام آموزش و پرورش، مدرسه و پیش دبستانی، محیط زندگی، رسانه‌ها، مکان‌های مذهبی مثل مسجد، بررسی شوند. همچنین با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آنها، میزان تأثیرگذاری هر یک مشخص شود و راهکار و روش‌هایی متناسب با آن نهادها طراحی گردد.



آن آموزه‌ها در کودک به صورت باوری محکم و استوار درآید و به تمام معنا، اعتقادی محکم و راسخ نسبت به آن‌ها پیدا کند به‌گونه‌ای که حتی در دلش ذره‌ای شک و تردید، نسبت به درستی آن‌ها پیش نیاید. مرحله دوم، درونی‌سازی است یعنی ذهن (حیطه‌ی شناختی) و عاطفه (حیطه‌ی گرایشی) کودک چنان نسبت به باورهای مهدوی تحریک گردد تا از درون ملتزم به انجام اعمالی متناسب با آن‌ها بوده و هیچ احتیاجی به ناظر بیرونی نداشته باشد و نوعی خودکنترلی حاصل از درک حضور امام مهدی -عج‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف- در او به وجود آید. مرحله سوم، ملکه‌سازی است یعنی از طریق کثرت تکرار حالات و رفتارهای مهدوی توسط کودک، صفات نیکوی مهدوی در روح و جان وی نفوذ کرده و پس از استواری، پایداری و راسخ‌شدن به صورت ملکه درآید. از آثار چنین حالتی آن است که انجام رفتارهای مهدوی متناسب با آن ملکه برای

دردهای آخرالزمانی من

• سکینه فتحی

می‌گویند تا درد به استخوان نرسد و اضطرار، بند بند وجودمان را از هم نگسلد نمی‌آیی آقا !
آقا جانم! قوت قلب خسته ام! من دردهایم را برایت شرح می‌دهم. خودت بگو آمدنت اضطراری است یا نه؟!
این روزها انسان به فکر خودش نیست، به فکر ارزش و مقام خلیفه اللهی اش نیست. یادش رفته چه عهدی در روز الست بسته.

حتی لختی فکر نمی‌کند که از کجا آمده و به کجا خواهد رفت.

شیطان، چنان انسان را مشغول و مغفول کرده که همت و تلاشی برای شناخت خویشتن خویش نمی‌کند.
امروز انسان به جای اینکه از شوق دیدن لبخند آن نگار بی‌همتا ذوق کند و قدم در راه بگذارد، ایستاده به تماشای ویرترین‌های رنگارنگ دنیا .

دردم گرفته آقا جان که چون انسان، سفره اش را از شیطان جدا نکرده با طعام و دست‌پخت او دارد مسموم و هلاک می‌شود.

آینه شفاف فطرت انسان را چنان زنگار گرفته که دیگر خدا را در خود نمی‌بیند و نمی‌بیند که چگونه آرام آرام از انسانیت به حیوانیت، تنزل می‌کند.

درد می‌کند استخوان‌هایم آقا که من هم دارم با این انسان‌ها در مرداب فرو می‌روم و همواره به جای فراز در فرودم .



مریضی دل انسان سخت شده آقا! ای مهربان تراز همه! آیا با دم مسیحایی‌ات به شفایمان نمی‌شتابی؟!
گرچه حالا هم اگر برای دل حیاتی هست صدقه سری محبت توست و بس ، قربان محبت آقای مهربانم !
...

می‌گویند ...

اما من که می‌دانم تو نرفته‌ای، تو همین جایی ...
قرار بود دنبالت بیایم. رد پاهایت را برایم یادگار گذاشتی و
گفتی هر وقت ردّ پایم را پوشیدی اندازه‌ات می‌شود. گفتی
یادت نرود که بیایی. گفتی شب را اینجا نمان خطرناک
است .

گفتی هر وقت چشمانت تاریک شد به آسمان نگاه کن، مرا
خواهی دید که از پشت شب برایت دست تکان می‌دهم .
هنوز دم در ایستاده بودی. دوباره برگشتی. نگاهت در
نگاهم لنگر انداخت .

نمی‌توانستم! طاقتش را نداشتم. نگاهت بزرگ بود و وسیع.
تپش‌های قلبم به شماره افتاده بود .

خودم را می‌دیدم در چشمانت. با ستاره‌ها احوال‌پرسی
می‌کردم. انگار رفته بودم اما نه به نگاه تو. صدای قلبم
را که شنیدی رفتی. نمی‌خواستی در عظمتت ذوب شوم.
رفتی و گفتی یادت نرود. منتظرت هستم!

رفتی و من فکر کردم رفته‌ای. چادر شب را به سرم کردم
و شروع کردم به شمردن کوچه‌های بن بست. دیگر حتی
نشانی نگاهت را هم نمی‌دانستم. فکر کردم رفته‌ای اما
نمی‌دانستم پشت روزهایم ایستاده‌ای و ثانیه‌هایم را از زیر
قرآن عبور می‌دهی و سلام می‌کنی به نگاه گمشده‌ام ...
فکرمی کردم تو رفته‌ای ...

راستی ردّ پایت را حالا در قلبم نگه داشته‌ام تا تو را گم نکنم.
همه می‌گویند تو رفته‌ای اما من که می‌دانم تو اینجایی،
همین جا، کنار سلام‌های بی جواب و پشت اشک‌های
پنهان. تو همین جایی من می‌دانم تو هیچ جا نرفته‌ای.
فقط این دستان من است که جلوی تو را گرفته‌اند .



سلام بر تو که دستانم را رویاندی

• مرجان رزمی بهرغانی

می‌گویند تو رفته‌ای، می‌گویند می‌آیی، برمی‌گرددی یک روز،

فرمانده واقعی

• امید درویشی

کارشناس ارشد مهدویت

شویم و سبک زندگیمان را زیباتر از گذشته، قرار دهیم. یکی از این گوه‌رهای درخشنده که در بینش رزمنده‌ها و مخصوصاً فرماندهان جنگ، متجلی بود، این است که آنان امام زمان - عجل‌الله تعالی فرجه الشریف - را «فرمانده اصلی جبهه‌ها» می‌دانستند. این بینش و نگاه زیبا، نشأت گرفته از اعتقاد قلبی آنان نسبت به امام زمانشان بود و در راستای این اعتقاد، همه کسانی که در جبهه‌ها فعالیت می‌کردند خود را سرباز امام زمان علیه السلام می‌دانستند. آنان اعتقاد داشتند که فرمانده دسته از فرمانده گروهان، فرمانده گروهان از فرمانده گردان، فرمانده گردان از فرمانده تیپ، فرمانده تیپ از فرمانده لشکر و فرمانده لشکر از فرمانده قرارگاه باید تبعیت کنند و در نهایت این سلسله مراتب را به امام خمینی که او را نایب عام امام زمان علیه السلام می‌دانستند، می‌رساندند و برای عملی کردن دستورات نایب امام زمانشان با تمام وجود، تلاش می‌کردند. با این نگاه زیبا، دیگر پست و مقام فرماندهی برای فرماندهان معنایی نداشت و رابطه بین آنها و رزمنده‌ها، رابطه سرباز و سرداری و فرماندهی نبود بلکه در این رابطه، صمیمیت، معنویت و مودتی که بر اساس آن در بسیاری از مواقع، مشخص نمی‌شد که کدام یک فرمانده و کدام یک سرباز هستند.

با این نوع نگاهی که فرماندهان جنگ داشتند، پاک‌ترین دوستی‌ها و رفاقت‌ها در خاطرات آنان منعکس شده است که در اینجا به گوشه‌هایی از این رابطه زیبا اشاره می‌شود:

• اطاعت از فرمانده، اطاعت از امام زمان علیه السلام

سردار علیجان میرشکار درباره فرمانده شجاع و دلیر



«دفاع مقدس» همچون گنجینه‌ای پایان‌ناپذیر است که سرشار از دُرهای درخشنده می‌باشد. گوه‌رهایی که هر کدامشان را می‌توانیم در گوشه‌ای از آسمان دلمان بیاویزیم و از درخشندگی‌شان در تاریکستان‌های روزگار، بهره‌مند

• نگوید فرمانده نداریم

فرماندهان جنگ، همواره این نکته را به نیروهایشان گوش زد می کردند که فرماندهی جنگ برعهده آنها نیست، بلکه فرمانده اصلی در میدان های نبرد، خود امام زمان است. بیان این موضوع، آن هم از زبان فرماندهان جنگ، نگاه رزمنده ها را به سمت و سویی دیگر سوق می داد و دوست داران امام زمان با عشق و علاقه خاصی، وظایف خود را انجام می دادند. به عنوان نمونه «شهید باکری» پیش از عملیات بدر، خطاب به نیروهایش می گوید: اگر فرمانده شما شهید شد، نگوید فرمانده نداریم و نجنجید، که این وسوسه شیطان است؛ فرمانده اصلی ما خدا و امام زمان است. اصل، آن ها هستند و ما موقت هستیم. • برگرفته از کتاب هنر اهل بیت، صفحه ۴۰۱

• سؤال همه یکی بود.

در مورد «شهید عبدالحسین برونسی» نقل شده است: شهید عبدالحسین برونسی و یارانش در عملیاتی، توانسته بودند با دلاوری بالایی، تعداد زیادی از «تانک های ۷۲t» عراقی را منهدم کنند. خبر این عملیات مثل توپ در منطقه صدا کرد. خیلی زود خبرش به پشت جبهه هم رسید. همان روز، چند خبرنگار و چند فرمانده رده بالا سراغ عبدالحسین آمدند توی سنگر فرماندهی گردان. سؤال همه یکی بود: «آقای برونسی! شما چطور این همه تانک و نیرو رو منهدم کردید؛ اون هم با کمترین تلفات؟» خون سرد و راحت پاسخ داد: برید از بسیجی ها و فرمانده اصلی آن ها، امام زمان سؤال کنید.

• برگرفته از کتاب خاک های نرم کوشک، صفحه ۱۲۳

جبهه ها «حاج حسین بصیر» و اعتقادش به پیروی از فرماندهان می گوید: «وقتی فرماندهان بالادست خود را می دید، علی رغم سن بالا، توانایی های فراوان و فرماندهی لایق بودن، مثل یک رزمنده ساده، آماده می ایستاد و اعتقاد داشت اطاعت از فرماندهان، اطاعت از امام خمینی و اطاعت از امام خمینی اطاعت از امام زمان است. می گفت: «باید از فرماندهان خود اطاعت کنیم، چراکه در رأس این سلسله مراتب فرماندهی، فرماندهی امام زمان است».

• برگرفته از کتاب سردار خوبان، ص ۱۴۰

• صل علی محمد، سرباز مهدی آمد.

در خاطرات فرمانده دلاور لشکر ۴۱ ثارالله «حاج قاسم میرحسینی» این چنین نقل شده است که به بسیجی ها عشق می ورزید، همانند آنان لباس می پوشید، با آن ها سر یک سفره می نشست و کنار آن ها می جنجید. یکی از همزمانش نقل می کند که «تازه به جبهه آمده بودیم که گفتند: حاج قاسم میرحسینی می خواهد برای رزمندگان صحبت کند. با شنیدن این مژده، همه در میدان گاه مقرر، جمع شدیم. دقایقی بعد حاج قاسم به جمع ما پیوست. بچه ها با دیدن ایشان با شعار: «صل علی محمد، سرباز مهدی آمد» از او استقبال کردند. ایشان با چهره ای برافروخته اما مهربان و عاشق گفت: «سرباز مهدی - عج الله تعالی فرجه الشریف - شما بسیجیان هستید که همه جوانی و جان خود را وقف رضایت امام زمان کرده اید. من لیاقت این شعار مقدس را ندارم».

• برگرفته از کتاب از هیرمند تا اروند، صفحه ۱۴۱



واژه‌های بی‌قرار

ادبیات، سرچشمه جوشان خلاقیت
و نوآوری است. ادبیات مهدوی،
روایتی متفاوت از معارف و مفاهیم عالی به
زبانی نو و جدید را بیان می‌کند. زبانی که
بازگوکننده نیازهای انسان معاصر در جهان
است. در پرونده این شماره،
از اشعار مهدوی تا داستان مهدوی حرکت
می‌کنیم و شاید برای اولین بار، سری به
دنیای ادبیات طنز در این حوزه خواهیم زد.

شعر

• بدون تو • اشعار نورانی

داستان

• می‌ماند بین من، تو، آقا

معرفی کتاب

• بهانه بودن

یادداشت

• ساخت و اداره یک فرقه، در یک دقیقه



شعر مهدوی

• بدون تو... •

محمد حسین مهدویان

روح اصیل کعبه و مشعر وجود توست
این کعبه چیست غیر مکعب بدون تو

ذکر مدام ماست «وایاک نستعین»
در کنج جمکران تو هر شب بدون تو

در هفته های غفلت ما سال های سال
این روزها گذشت مرتب بدون تو

ای معنی تکامل انسان ظهور کن
ناقص شده است پازل مذهب بدون تو

می سوزم از حرارت یک تب بدون تو
جان جهان هم آمده بر لب بدون تو

ترکیب بی بدیل دو مفهوم عقل و عشق
ماندم میان جهل مرکب بدون تو



• اشعار نورانی...

علی گلی حسین آبادی

در حصاری محکم از اعمال بد کردارها
لحظه‌های بودندت انگار زندانی شدند

بر دلم الهام شد آقا که از من دلخوری
چشم‌هایم را ببین چون ابر بارانی شدند

شیعیان گل‌های خوش بویند از باغت ولی
غصه‌ام این است بر بیگانه‌ارزانی شدند

ای گوار آب نازل شو دگر از آسمان
روزهای غیبتت بسیار طولانی شدند

نامت آمد بر قلم اشعار نورانی شدند
واژه‌ها در شعر من امواج طوفانی شدند

می‌سرایم از تو آقا شعر نابی سبز رنگ
کل اییاتم ببین آیات عرفانی شدند

نور یادت در دلم تا بید قلبم جان گرفت
کوچه‌های سینه‌ام آقا چراغانی شدند

می ماند بین من، تو، آقا

• فاطمه بگزاده

از طرف پادگان به سربازهایی که در طول خدمت سربازی غیبت نداشتند ۵ روز مرخصی تشویقی می دادند؛ اسم من هم در لیست تشویقی ها بود. تصمیم گرفتم مرخصی را با مادر و خواهرانم که مدت ها بود ندیده بودمشان، بگذرانم. مادر با دیدنم سراز پا نمی شناخت و مثل پروانه دورم می چرخید و قربان صدقه ام می رفت. خوشحال بودم که با خط زدن گذشته ام دوباره لبخند رضایت را روی صورت مادرم می دیدم. دو-سه روزی از مرخصی گذشت. قرار بود با مادرم به خانه آبجی سمیه برویم.

یک جعبه شیرینی گرفتم و راهی خانه شدم. پایم را که داخل کوچه گذاشتم اقدس خانم - همسایه دیوار به دیوارمان را دیدم که با چند تا از خانم های همسایه، مشغول حرف زدن بود. مرا که دیدند نگاهی به سرتاپایم انداختند و صدای پیچ کردنشان بلند شد. اقدس خانم همیشه عادت داشت تا مرا می دید یک ساعت احوال پرسی اش طول می کشید؛ از عمو و دایی و عمه، احوال می پرسید تا هفت جد آن طرف تر. اما این بار سلامم را هم رغبت نکرد جواب بدهد. شیرینی تعارفشان کردم، اقدس خانم اخمی کرد و گفت که این چیزها از گلولی ما پایین نمی رود! گیج و متعجب از حرف اقدس خانم داخل خانه شدم. مادرم مشغول نماز بود. همیشه آخرین دانه تسبیح را که می انداخت صلواتش را بلندتر می گفت. لبخندی زدم و گفتم قبول باشد مادر.

آهی کشید و چیزی نگفت. دوباره گفتم، پاشو برویم دیگر. دلم برای وروجک های آبجی سمیه یک ذره شده. مادر که تا آن لحظه سرش پایین بود و خودش را با تسبیحش سرگرم کرده بود. نگاهم کرد و گفت: دستت درد نکند عباس!



صدایم کرد و گفت: چند سالی را که از خدا عمر گرفتم با مادرت با آبرو زندگی کردیم، عباس تو را قسمت می‌دهم به آقا امام زمان - عجل‌الله تعالی فرجه الشریف - دستت را از جیب مردم بیرون بکش، بگذار راحت سرم را روی زمین بگذارم. اسم امام زمان که آمد دلم لرزید، آقا جانم تا از من قول نگرفت آرام نشد. سر قولی که به پدرم داده بودم با کاظم رابطه ام را کم رنگ کردم. بعد هم دفترچه سربازی گرفتم و راهی شدم.

ماجرای آن که از زبان مادرم شنیدم به یک نفر شک کردم، کاظم. پادگان که بودم زنگ زد، گفت که پول لازم دارد و ۳ میلیون تومان قرض می‌خواست برای کسب و کار. با شوخی گفتم هیچکس نه آن هم تو، نکند پدرت دارد غزل خوان می‌شود و گفته آدم شوی؟ جدی به نظر می‌رسید، می‌گفت که می‌خواهد ازدواج کند و به خانواده دختر قول کسب و کار حلال داده. برنامه‌اش این بود که با دامادشان که در جاده قم تعمیرگاه دارد، مکانیکی را گسترش دهند و بعد از ازدواج خانه‌اش را هم ببرد قم. همین مسئله شکم را به طرف کاظم برد.

از خانه زدم بیرون و مستقیم رفتم در خانه کاظم، مادرش از دیدنم خوشحال شد و لبخند زنان گفت: - دست شما درد نکند عباس آقا، باز هم رفیق‌های قدیمی. چقدر دعا کردم کاظم هم مثل شما سرش به سنگ بخورد که خدا را شکر دعایم مستجاب شد.

تشکر کردم و سراغ کاظم را گرفتم. گفت: خانه نیست و دو روزی هست که برای کار رفته قم خانه خواهرش. می‌خواهد با پولی که از شما قرض گرفته، نان حلال دربیاورد، ان‌شاءالله کار می‌کند و پول شما را پس می‌دهد.

جعبه شیرینی را کنار دستش گذاشتم و گفتم: خواهش می‌کنم، کاری نکردم که! تازه پولش را هم که خودت دادی. این بار نگاهش را به چشمانم دوخت؛ نگاهش مثل همیشه، مهربان نبود. پرسیدم چیزی شده؟ سرش را با حالت تأسف تکان داد و دست روی دست کشید زیر لب گفت: دلم خوش بود پسر سربزه زیر شده و قرار است بعد از سربازی بشود نان‌آور خانه.

دیگر طاقت حرف‌های مادر را نداشتم، گفتم: نمی‌خواهی بگی چی شده؟ چون به لب شدم!

بدون اینکه نگاهم کند شروع کرد به صحبت: دیروز کیف پول اکبر آقا بقال رو دزدیدن. پولی که با بدبختی و روانداختن به این و آن برای جراحی قلب دخترش، جور شده بود. ربط حرف‌هایش به خودم را نمی‌فهمیدم. زیر لب هنوز حرف می‌زد: چرا این اتفاق باید هم‌زمان با مرخصی تو اتفاق بیافتد؟ آن هم شبی که تو گفتی با دوست می‌خواهی بروی بیرون.

عرق سردی روی پیشانی‌ام نشست. مادرم که این را بگوید دیگر چه انتظاری از اقدس خانم می‌شد داشت. البته حق هم داشت که به من شک کند. گذشته خوبی که نداشته باشی گاهی افکار بد به سمت آنتن می‌شود.

تا دو سال، قبل از اینکه به سربازی بروم با کاظم دوست و هم محلی دوران بچگی جیب مردم را می‌زدیم. هر چه خدا بیا مرز آقا جانم می‌گفت: «پسر جان این کار آخر و عاقبت ندارد. بالاخره یک روز می‌گیرند و حق را می‌گذارند کف دستت. اما کو گوش شنوایک گوش شده بود درو آن یکی دروازه.

آقا جان که در بستر بیماری افتاد حتی یک دانه از آبمیوه‌هایی که من برایش می‌خریدم را لب نزد دم آخری

مادر کاظم هنوز حرفش تمام نشده بود که خدا حافظی کردم.

قرار بود یک میلیون تومان به کاظم قرض بدهم، آن هم یک ماه دیگر. داغ کرده بودم، مستقیم رفتم ترمینال و با اولین اتوبوس راهی قم شدم. خانه خواهرش را بلد بودم چند باری با هم رفته بودیم. دم دم های صبح بود که رسیدم، منتظر شدم آفتاب در بیاد همین که خورشید طلوع کرد زنگ خانه را زدم. شوهر خواهرش در را باز کرد، بله بفرمایید؟

خودم را معرفی کردم، چند ثانیه به صورتم خیره شد و گفت: بله شناختمتان، حال شما، خوب هستید؟ اتفاقی افتاده؟

گفتم نه راستش تو قم کاری برایم پیش آمده بود. بین کلامم خیلی سریع و دلسوزانه پرسید: کار، چه کاری؟ گفتم کار که نه راستش یک سر آمده بودم زیارت، دلم خیلی هوای جمکران را کرده بود، شنیدم کاظم اینجاست گفتم یک سری هم به او بزنم.

گفت: قرار بود بیاید اما نیامد، هر چقدر هم همراهش را می گیرم یا خاموش است یا در دسترس نیست. گفتم: راستش مادرش گفت آمده آن هم دو روز پیش؟ من هم همراهش را گرفتم خاموش بود.

از چارچوب در بیرون آمد و آرام گفت: چی دو روز پیش؟ نکند برایش اتفاقی افتاده باشد، تعارف کرد که واردخانه شود و از من خواست که چیزی به خواهرش نگویم.

داخل خانه شدیم با اصرار خواهر کاظم صبحانه را با هم خوردیم و با ماشین احمد آقا راه افتادیم. احمد آقا می گفت که قرار بود کاظم مستقیم بیاید تعمیرگاه.

تا نزدیک های غروب هم منتظرش شده بود. وقتی دیده بود خبری ازش نیست با خودم گفته شاید کاظم نتوانسته پول را جور کند و دیگری بگیرش نشده.

به تعمیرگاه که رسیدیم از مغازه های دور و اطراف پرس و جو کردیم و مشخصات ظاهری کاظم را دادیم، کسی ندیده بودش، فقط پیرمردی که چند متر آن طرف تر از تعمیرگاه دکه کوچکی داشت گفت: دو روز پیش یک موتوری همین حوالی تصادف کرد و پسز موتورسوار را با آمبولانس بردند.

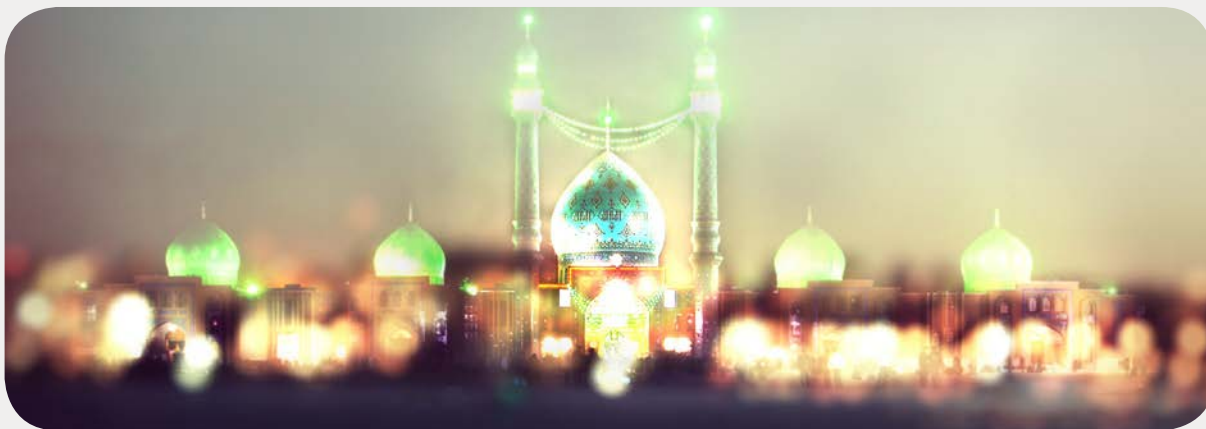
ته دلم خالی شد، بیمارستان ها را تقسیم کردیم و هر کدام جداگانه به راه افتادیم، کم کم داشتم امیدوار می شدم که کاظم نبوده. فقط یک بیمارستان مانده بود. به سمت پذیرش رفتم و پرسیدم: ببخشید خانم شما بیماری به نام کاظم فرجی دارید؟ گویا تصادفی بوده.

پرستار به لیستی را که زیر دستش بود نگاهی انداخت و گفت: بله انتهای راهرو سمت راست آخرین اتاق. حالش را پرسیدم و گفت که خطر از بیخ گوشش گذشته.

خودش بود، سرش را چرخانده بود رو به پنجره، آرام آرام نزدیکش شدم، دستم را گذاشتم روی شانه اش سریع به طرفم برگشت، کم مانده بود از دیدنم چشمانش از حدقه بیرون بزند.

پرسیدم: با خودت چکار کردی کاظم؟ این را که گفتم دست هایش را گذاشت روی چشمانش و شروع کرد به گریه کردن، دست هایش را از روی چشمانش برداشتم و در دست فشردم.

گفتم مرد که گریه نمی کند، در ضمن دزدی هم نمی کند. طلبکارانه پرسیدم: راستی ما کی به تو پول قرض دادیم که خودمان خبر نداریم؟ بغضش را به سختی فرو برد و گفت:



آقا با کسب و کار حرام ماشین‌هایشان را تعمیر کنم؛ چطور دلم آمد سرم رو به گنبد مسجدی بچرخد که خانه آقا است. گفتم: خدا را شکر که به خیر گذشته و توهم به اشتباهت پی بردی. پول‌ها را هم برمی‌گردانیم به اکبر آقا غصه‌ات نباشد. صدای اذان بلند شد، دلم گرفت و هوای جمکران کرد، رو به کاظم کردم و گفتم: دکترت گفته فردا مرخصی؛ حال خودت هم که خوب است، اجازه‌ات را بگیرم می‌آیی برویم جمکران؟ چشم‌هایش برق زد و گفت: چرا که نه یک گلو حرف دارم. تلفنی به دامادشان خبر دادم که ناراحت نباشد، بعد آژانس گرفتم و هر دو راهی شدیم. توی حیاط مسجد نشسته بودیم که کاظم دستم را گرفت و گفت: قول می‌دهی بین خودمان بماند. نگاهش کردم، چشمانش پر از اشک بود، گفتم: خیالت راحت، بین خودمان می‌ماند بین من و تو و آقا امام زمان- عجل الله تعالی فرجه الشریف-.

به هر کسی که رواندا ختم گفت ندارم، حتی آنهایی که می‌دانستم این پول برایشان ناچیز است. حق هم داشتند ترسیدند پولشان را به دست یک آدم خلافکار بدهند. رفتم مغازه اکبر آقا تا خریدهایی که مادرم سفارش داده بود را بگیرم.

سرش پایین بود و داشت پول می‌شمرد چشمم که به پول‌ها افتاد دلم هری ریخت، اصلاً متوجه حضورم نشد، دوباره داخل مغازه شدم و گفتم: اکبر آقا! هراسان از پشت صندوق بلند شد و پول‌ها را چپاند توی کیف دستی که روی ترازوی مغازه اش بود. با خودم گفتم پسر کسب و کارت که گرفت، پول‌ها را برمی‌گردانی. آن وقت دیگر حرام نیست. منتظر شدم تا شب شد، داشت در مغازه اش را می‌بست که توی یک چشم بهم زدن سوار بر موتور کیف دستی اش را زدم و در رفتم. پشیمان به نظر می‌رسید، گفت: عباس از خودم متنفرم. آخر چطور قبول کردم با پول‌هایی که مال من نیست و دزدی است، توی شهر به این مقدسی برای زائران

بهانه بودن

• معرفی کتابهای ادبی مهدوی



محسن عباسی ولدی، سال ۱۳۵۵ در تهران به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در همین شهر گذراند. سپس تحصیلات خود را در شهر کرج ادامه داد و دیپلم ریاضی خود را اخذ نمود. پس از اتمام این مقطع در سال ۱۳۷۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و برای ادامه تحصیل حوزوی از سال ۱۳۷۷ به خیل عظیم طلاب حوزه علمیه قم پیوست تا از محضر بزرگان و مراجع، بهره بگیرد. وی هم اکنون نیز مشغول فراگیری درس خارج فقه و اصول می باشد.



اشاره:

این روزها همه کسانی که مباحث مربوط به خانواده را از دو برنامه گلبرگ در شبکه سه سیما و پرسمان تربیتی خانواده از رادیو معارف، دنبال می کنند حجت الاسلام والمسلمین «محسن عباسی ولدی» را به خوبی می شناسند اما شاید کمتر کسی فکر کند که ایشان با طبع ادبی خود دارای آثار ادبی نیز هستند.

وقتی صفحه ورودی سایت استاد عباسی را باز می کنید در کنار تصویر ایشان این جمله را می بینید: «وقتی بیایی، تاریخ جهان را از نو ورق خواهیم زد. دلدادگانت تاریخ ظهور

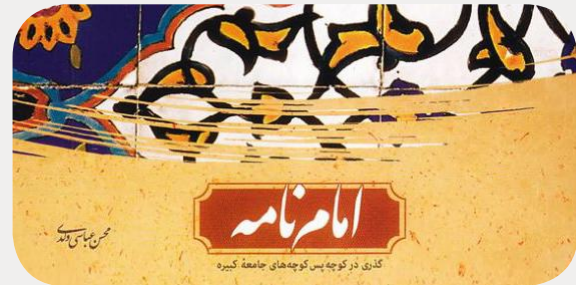
تو را مبدأ تاریخ می کنند. آقا می شود بگویی ۱/۱ کی فرا می رسد؟». این جمله خود نشان از دلدادگی آقای عباسی به امام زمان علیه السلام دارد اما مطلب به همین جا ختم نمی شود. وقتی به آثار نوشتاری ایشان مراجعه می کنیم، دو کتاب ادبی از ایشان درباره امام زمان علیه السلام می بینیم. اما معرفی این دو کتاب در سایت رسمی خودشان:



اول. بهانه بودن (دلوشته هایی به رنگ انتظار)؛

موضوع این کتاب مفهوم متعالی انتظار است. مؤلف در این کتاب سعی دارد در متونی ادبی، متناسب با ذائقه نسل امروز در عین سادگی و روانی میان مخاطب و امام زمان -عج الله تعالی فرجه الشریف-، رابطه معرفتی و محبتی برقرار کرده و او را با وظایف خود در زمان غیبت آشنا کند. بخش اول این کتاب «سریال ظهور» نام دارد که به بهانه نجوای یک انسان منتظر با امام خویش، از ابتدای خلقت تا شهادت امام زمان -عج الله تعالی فرجه الشریف- را در شش پرده به تصویر کشیده است. «کاش نامه»، «واژه های منقلب» و «دل نوشته های کوتاه» از دیگر بخش های این کتاب است.

بخشی از مقدمه کتاب: «هر بار که نفس بالا می‌آید بویی از حضور می‌گیرد و وقتی برمی‌گردد جانم را معطر می‌کند تا هنوز دلیلی برای زنده ماندن داشته باشم و شوقی برای تداوم حیات. آقا! من تو را نمی‌خواهم که بیایی و دنیا را آباد کنی. من می‌خواهم تو باشی تا بهانه‌ای برای بودنم داشته باشم. آبادی دنیای من، نه به ظهورت که به حضور تو در این عالم است.»



دوم. امام‌نامه؛

زیارت جامعۀ کبیره یکی از اصلی‌ترین متون زیارتی مکتب تشیع است که به اذعان علمای ربانی یک دوره عمیق امام‌شناسی است. شناساندن مفاهیم بلند این زیارت به جوانان از طریق ترجمه، چندان نتیجه‌بخش نیست؛ زیرا ترجمه، قابلیت کافی برای انتقال مفاهیم عمیق این نوع متون را ندارد. از سوی دیگر شرح‌هایی که برای این زیارت، نوشته شده به جهت طولانی بودن و یا داشتن قلمی سنگین و رسمی، مورد اقبال بسیاری از اқشار جامعۀ قرار نمی‌گیرد. مؤلف در «امام‌نامه» بنا دارد با برگردانی ادبی و روان، در عین اختصار، مخاطب را یک قدم به مفاهیم

زیارت جامعۀ کبیره نزدیک کند.

بخشی از مقدمه کتاب: «واژه‌هایی را که در این اوراق پشت سر هم صف کشیده‌اند نه ترجمه آن بدانید و نه شرح آن. این واژه‌ها از کوچه پس‌کوچه‌های جامعۀ کبیره رد شده و رایج‌های از جامعۀ کبیره به تنشان خورده است، همین؛... این جملات را تقدیم می‌کنم به آن که آرزو می‌کنم روزی بیاید و برای ما درس تفسیر بگذارد؛ تفسیر جامعۀ کبیره.»

راهنمای خرید کتب:

انتشارات جامعۀ الزهرا-علیها السلام- تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۲۲۳۶

آدرس سایت محسن عباسی ولدی:

www.abbasivaladi.ir





ساخت و اداره یک فرقه، در یک دقیقه!

•فرشاد محبتی

به ویتترین اولین کتاب فروشی که می‌شناسید، مراجعه کنید. البته قبول دارم که مراجعه به اولین

فست فودی که می‌شناسید، خیلی راحت‌تر است ولی با این حال به ویتترین اولین کتاب فروشی که ممکن است سرراحتان وجود داشته باشد، مراجعه کنید و به کتاب‌های داخل ویتترین نگاه کنید. امروزه بیشترین کتابی که در ویتترین‌ها و کتابخانه‌ها جلوه می‌کنند با این عبارات، آراسته شده‌اند: مدیریت

در یک دقیقه، ثروتمند شدن در یک دقیقه، مدیریت زمان در یک دقیقه، آشپزی در یک دقیقه، نوشتن در یک دقیقه. در میان این همه خلاقیت و استعداد‌های یک دقیقه‌ای، جای ساختن فرقه در یک دقیقه خالی است.

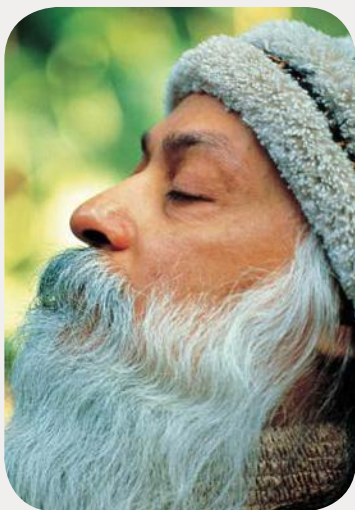
هر روز از هر گوشه و کنار خبر می‌رسد که مردی یا زنی، ادعای پیامبری،



دین جدید، امام زمان بودن، رابطه داشتن با امام زمان علیه‌السلام و حتی خدایی می‌کند. تا اینجا مسئله، چندان عجیب نیست، عجیب اینجاست که عده‌ای هم به آنان ایمان می‌آورند. از آنجایی که هر روز بر تعداد این مدعیان دروغین افزوده می‌شود، بر ماست که طریقه یادگیری ساخت

این فرقه‌ها و همین‌طور ادعای کاذب و دروغ را آموزش بدهیم تا از این نظر هم به خودکفایی برسیم. حواستان باشد که مهم‌ترین مسئله در ایمان آوردن پیروان شما به شما، در ظاهر و حرکات شما نهفته است. بنابراین اولین درس شما این است که یک ظاهر عجیب و غریب برای خودتان دست و پا کنید که

تا به حال به فکر کسی نرسیده باشد. مهم نیست این ظاهر، به آدمیزاد شبیه نباشد، مهم در اینجا همان‌طور که گفته شد، این است که به فکر کسی نرسیده باشد. مثلاً محاسن را بلند کنید و موی سر را از ته بتراشید، و یا حتی بالعکس و یا هر دو کار را با هم انجام بدهید. سعی کنید یک خرقة کهنه و به درد



هم سبقت می‌گیرند. حالا باید مریدان بیشتری داشته باشید که هنگام سخن گفتن شما، یا نعره بزنند و بی‌هوش شوند، یا به گریه افتند و از حال بروند. بعد هم مریدانی داشته باشید که کمی در اینترنت جستجو کنند و چند جمله‌ای از افراد دیگر را از قول شما مدام به اشتراک بگذارند و مدام هم بگویند که وای چه کلامی، وای چه سخنی. از اینجا به بعد، شما باید یک راه را انتخاب کنید. راه اول می‌گوید که خودتان را ادامه‌دهنده سلسله



هیچ معنایی ندارند، مهم در اینجا این است که این کارها اثر خواهند داشت. مرید داشته باشید، حتی اگر یک نفر باشد. به یک بنده خدایی که از همه جا بی‌خبر است، هزینه زندگی‌اش را بدهید تا در ماشین را برایتان باز کند و به قصد بوسیدن دست جلو بیاید. شما اول سعی کنید که او را منصرف کنید اما خیلی هم اصرار نکنید تا بتواند بر دست‌های شما بوسه بزند. بعداً می‌توانید مطمئن باشید که دیگران هم همین رفتار را خواهند داشت و برای بوسیدن دست شما از

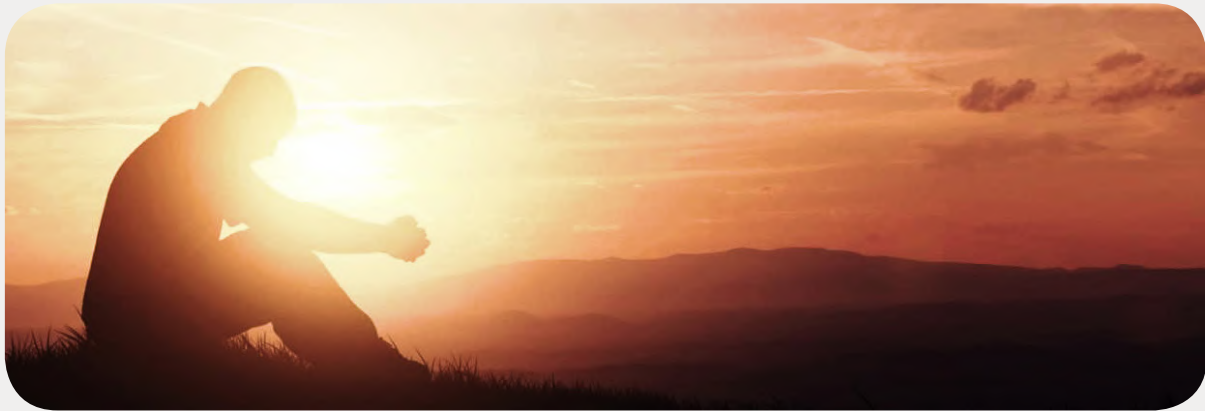


نخور پیدا کنید که نشان بدهد شما کاملاً به دنیا بی‌اعتنا هستید. یادتان باشد که قبل از هر دیدار که ماجرایش به تفصیل گفته خواهد شد، به استحمام بروید و هر چه می‌توانید بر چهره و صورتتان چنگ بیاندازید تا سفید و سرخ شود و در نورانی نشان دادن شما مؤثر افتد. معمولاً وقتی کسی با شما سخن می‌گوید، دفعتاً به نقطه‌ای که کسی نمی‌داند کجاست، خیره بمانید. یا برای لحظاتی به آسمان یا به زمین نگاه کنید و سرتان به نشانه حیرت، تکان بدهید. مهم نیست این کارها

پیامبران، امامان و حتی خدایان گذشته بنامید و یا اعلام کنید که هر چه تا به حال بوده بر باطل است و فقط شما حقیقی و واقعی هستید. طبیعتاً این انتخاب، راه شما را برای مسیر پول ساز آینده، روشن می‌کند. شما کافی است که برای چند روز اول، کمی هزینه بکنید و سفره‌ای بیاندازید ولی ناراحت نباشید، چون به محض پیدا شدن مریدان، دیگر آنان هستند که باید هزینه‌های زندگی شما را پرداخت کنند. عذاب وجدان هم نگیرید چون شما کسی را مجبور نمی‌کنید، آنان با میل و رضای خودشان این کار را می‌کنند. در دسترس نباشید. با استخدام

یک منشی جمیله، به دیگران وقت بدهید. البته آن منشی، هرگاه که بخواهد می‌تواند به حضور شما شرفیاب شود. یادتان باشد که اگر مریدان بخواهند از شما سؤالی بپرسند و یا به دیدار شما نائل آیند، باید چند مرحله را پشت سر بگذرانند. در اولین مرحله، مریدی که می‌خواهد به زیارت قطب و مرشد خود برسد، باید هزار و یک روز بیرون از خانه شما یا همان قطب و مرشد بماند و بیرون از خانه را تمیز کند. در دومین مرحله، بعد از گذراندن آن هزار و یک روز، می‌تواند داخل خانه شود ولی باید هزار و یک روز هم داخل خانه و آشپزخانه و

سرویس‌های بهداشتی و خریدهای روزانه و... را انجام بدهد. در سومین مرحله، می‌تواند وارد اتاق شما بشود ولی اجازه سخن گفتن ندارد و باید هزار و یک روز دیگر هم به کسانی که به اتاق شما می‌آیند، خدمت کند. حالا اگر آن مرید هنوز زنده مانده بود، در چهارمین مرحله، تازه اجازه سخن گفتن با شما را خواهد داشت. خیالتان هم راحت باشد، با گذشت بیش از چند هزار روز، مطمئناً هر سؤال و مشکلی که داشته است را فراموش کرده و کاملاً مطیع و رام شما خواهد بود. می‌گویید این طور نیست؟ امتحان کنید، متوجه خواهید شد.





در امتداد غدیر

غدیر نه تنها هویت تشیع، که هویت همه اسلام و بلکه هویت همه بشریت است. غدیر، هم تکمیل دین و ولایت و هم تکمیل انسانیت و بشریت است. هدف غایی همه انسان و بشر، رسیدن به همین نقطه تاریخ است. نقطه عطف به اوج رسیدن و کمال یافتن. غدیر این چنین است. در هر دوره‌ای، در هر تاریخی، در هر زمانی، ما با نگاه به غدیر، می‌توانیم دوباره اوج پیدا کنیم و به کمال برسیم. غدیر امسال در پرونده این شماره، این رویکرد را دنبال می‌کند. در این پرونده، به ساخته‌های مهمی درباره غدیر، برای بهتر نشان دادن این واقعه عظیم، خواهیم پرداخت.

یادداشت

• غدیر و وقف فرهنگی و هنری • غدیر، هویت تشیع

گفتگو

مهدویت در آینه غدیر

صوت نوشت

علی علیه السلام رمز یک انقلاب جهانی

غدیر و وقف فرهنگی و هنری

• سینا کرم زاده

تا کنون درباره غدیر در حوزه های حدیثی، روایی، تاریخی و اندیشه، کار شده است و کار خواهد شد، اما تقریباً هنوز کار رسانه ای و هنری در خور این مورد، صورت نگرفته است و یا اگر شده، بسیار اندک بوده است. در این حوزه، آن قدر کار کم است که اصلاً به چشم نمی آید. اگر سری به موتورهای جستجو در فضای مجازی بزنید یا سراغ کتاب فروشی یا سینماهای شهر را بگیرید، تقریباً هیچ اثری درباره غدیر پیدا نخواهید کرد. این یک خلاء بزرگ و مهم درباره بزرگ ترین و مهم ترین اتفاق اسلامی، در طول تاریخ اسلام از آغاز تا به امروز است.

ماجرای غدیر، نه تنها یک دست مایه مهم رسانه ای که بیشترین منبع بزرگ و ناتمام از آثار هنری است که می تواند خودش را به شکل و گونه های متفاوتی نشان دهد. ماجرای غدیر به جز خود غدیر و واقعه غدیر، در بردارنده تاریخ اسلام از صدر تا زمان خود غدیر است که عصاره اش، محتوایش، راهش، برنامه اش و اصولش به صورت مستقیم به غدیر می رسد. بنابراین اگر کسی بخواهد غدیر را به خوبی بشناسد، باید تاریخ اسلام را از زمان ظهورش تا زمان غدیر بشناسد. از سوی دیگر، غدیر بر هر آنچه بعد از آن اتفاق افتاده، سایه افکنده است. ماجرای غدیر، در عاشورا و کربلا خودش را نشان می دهد و همچنین این مهم، ادامه پیدا می کند تا به مهدویت برسد. اساساً پرداختن به مهدویت هم بدون پرداختن به غدیر، بی معناست چرا که

مهدویت، خودش امتداد و استمرار غدیر و ولایت در گستره زمان است.

به کلام دیگر، اگر کسی بخواهد درباره غدیر کار بکند، یک منبع بزرگ و الهام بخش در همه معانی و مفاهیم اسلامی در اختیار دارد که می تواند از هر نقطه آن ورود پیدا کند و به نتیجه شگرفی برسد. با این حال، این رویکرد تا به حال در تولید

توسط یک رویکرد امروزی و در قالب آثار هنری، قابلیت نفوذ بیشتری خواهد داشت. با استفاده از فضای مجازی و اینترنت، مخاطب بین‌المللی بدون سانسور و بدون جلوگیری دولت‌ها و گروه‌های معاند به راحتی می‌تواند با غدیر در قالب این آثار هنری، آشنا شود.

برای آنکه درباره غدیر کار شود، به یک جهاد هنری در این عرصه نیاز است. هنرمندان با گرایش‌های مختلف باید قسمتی از کارشان را وقف غدیر سازند و فقط به خاطر ترویج و معرفی هر چه بیشتر غدیر و نه چیزی به جز آن، اقدام به تولید محتوای رسانه‌ای و هنری کنند.

در جامعه امروز ما، بیشتر از آنکه نیاز به کمک مادی وجود داشته باشد، نیاز به کمک معنوی وجود دارد. سنت وقف فرهنگی و هنری، می‌تواند سرآغاز تلنگر توجه بیشتر به غدیر باشد. اگر این سنت حسنه وقف، در قشر هنرمندان گسترش پیدا کند، دیری نخواهد گذشت که بازار تولید محصولات، شاهد آثار متفاوت و متنوع‌تری در حوزه غدیر خواهد شد.

تا کمیت آثار وجود نداشته باشد، کیفیت آثار بالا نخواهد رفت. زیرا کیفیت آثار در یک بازار رقابتی که کمیت بازار آن را رقم می‌زند به وجود می‌آید. بنابراین مسیر حرکت از کمیت به سمت کیفیت خواهد بود تا آثاری با قابلیت جهانی شدن در حوزه غدیر به وجود بیاید.

بیایید هر کدام از ما هر مقدار که می‌توانیم، قسمتی از وقت و زندگی مان را وقف غدیر کنیم. بیایید هر کدام از ما نسبت به اینکه چرا در کتاب فروشی‌ها کتابی درباره غدیر وجود ندارد، حساس باشیم و نسبت به آن کاری انجام دهیم. هر کاری که می‌توانیم...



محتوای رسانه‌ای و هنری مورد استفاده قرار نگرفته است.

نکته مهم این ماجرا اینجاست که تولید محتوای غدیر، نه تنها متناسب با نیازهای ملی که بیشتر متناسب با نیازهای بین‌المللی است. امروزه خصوصا با توجه به قابلیت فضای مجازی و اینترنت، گستره بسیاری از مخاطبان، تشنه مفاهیم منبعث شده از غدیر هستند. این مفاهیم،

غدیر، هویت تشیع است

• به کوشش سینا کرم زاده



محمد رضا عابدی شاهرودی، داستان نویس، فیلمنامه نویس محقق و پژوهشگر است. وی بیش از ده کتاب همچون مجموعه «مناظرات رضوی» به زبان داستان، مجموعه «غیب‌نما» که زندگی امام زمان علیه السلام به زبان داستان است و همچنین فیلمنامه نویسی مجموعه «انیمیشن پیامبران» و انیمیشن «روزگار غدیر» را در کارنامه خود دارد. در ادامه با توجه به تجربیات ارزشمند وی، گفتگوی کوتاهی درباره غدیر با ایشان خواهیم داشت.

• آقای عابدی شاهرودی، در ماجرای غدیر، اهمیت مسئله

را در کجا می‌دانید؟

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين. و اما بعد... غدیر، هویت تشیع و بلکه هویت اسلام است. غدیر صرفاً یک حادثه تاریخی نیست بلکه یک نقطه عطف در تاریخ اسلامی و حتی در تاریخ بشری و فرابشری است. مسئله آن قدر مهم است که همه جریان‌های بعد و قبل از خودش

را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به همین خاطر هر کاری درباره غدیر انجام بشود، هر قدر هم که باشد باز باید تکرار شود. هر نسلی، هر نژاد و فرهنگی، و خصوصاً هر زبانی، می‌تواند با تجربه خودش به غدیر نزدیک شود. همین ماجرا درباره فرم‌های مختلف و متفاوت هنری هم وجود دارد؛ یعنی هر کدام می‌توانند از زاویه دید فرمی خودشان به غدیر نگاه کنند و به اندازه درک و توانشان، از آن بهره ببرند.

• آیا برای تحقیق درباره غدیر، فقط می‌توانیم به منابع خودمان مراجعه کنیم؟

غدیر یک حادثه که فقط امامیه آن را نقل بکند، نیست بلکه غدیر و روایات مربوط به تاریخ آن، در سراسر تاریخ و به طرق عقلی و نقلی متفاوتی نقل شده است. هیچ تردیدی در هیچ فرقه و مذهبی در اسلام در مورد آن وجود ندارد. حالا ممکن است در تفسیر آن اختلافی میان فرق و مذاهب دیده شود اما در اصل واقعه، تردیدی نیست. بنابراین از همه منابع قابل اعتنا می‌توان یک رویکرد و یک قرائت، نسبت به غدیر به دست آورد.

• به نظر شما چرا حادثه غدیر، هیچگاه قدیمی و کهنه نمی‌شود؟

ماجرای غدیر را تقریباً همه می‌دانند اما هر بار که تکرار شود انگار برای اولین بار، مخاطب با آن روبرو می‌شود مثل ماجرای محرم و عاشورا است که هر سال تکرار می‌شود و هر سال همان ماجرا گفته می‌شود و تغییری در انتهای ماجرا به وجود نمی‌آید، اما هر بار بهتر از گذشته تکرار می‌شود. ماجرای غدیر هم همین است؛ هیچ‌وقت کهنه و قدیمی و تکراری نمی‌شود، هر کسی می‌تواند تجربه روبرو شدن

امیرالمومنین علیه السلام عنایت کنند، من هم این مورد را جزو ذخیره آخرت خود قرار خواهم داد و تا هر جایی که بتوانم، زندگی ام را وقف غدیر خواهم کرد.

• به عنوان سوال آخر، در حال حاضر نگارش چه اثری را در

دستور کار دارید؟

الان بیشتر درگیر تمام کردن یک مجموعه داستان درباره زندگی امام یازدهم و همچنین تحقیق و پژوهش و نگارش فصل دوم مجموعه سریال «پیامبران» هستم که تا پایان یافتن پخش فصل اول آن، احتمالاً روی میز کاری من قرار خواهد داشت.

• ممنون به خاطر وقتی که به ما دادید.



خودش را با غدیر بیان کند و به همین دلیل این تجربه، هیچ وقت تمام نخواهد شد.

• تولید محتوای دینی بر اساس روایات و آیات قرآن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در نگاه اول شاید این طور به نظر برسد که بازار داخلی، در تصرف محصولات دینی و اسلامی است، اما من خیلی با این دیدگاه موافق نیستم؛ مهم ترین دلیلش، تولید بسیار اندک و پائین داخلی در حوزه هنری است. به همین دلیل شاید آن تصور اولیه به وجود بیاید. حالا اگر فرم های متفاوتی همچون انیمیشن را بخواهید وارد ماجرا کنید وضع بسیار بدتر از گذشته می شود مهم ترین مسئله در اینجا به نظر من، تکیه بر تولید داخلی در حوزه روایات و آیات قرآن است. هر چقدر بازار تولید داخلی در جامعه بیشتر شود، امکان تغذیه محتوایی در منطقه فارسی زبان که گستره بزرگتری نسبت به جغرافیای ایران را دارد در بر خواهد گرفت. درواقع، نبض بازار رقابتی فرهنگی و هنری، در گرو مسئله زبان است. تولیدات دینی، روایی و قرآنی جامعه فعلی، کفاف خودش را نمی دهد، چه برسد که بخواهد منطقه فارسی زبانان را پوشش بدهد. همان طور که گفته شد، این به دست نمی آید مگر با تکیه بر تولیدات داخلی و بهره مندی از آثار و فعالیت های علاقه مندان، پژوهشگران، نویسندگان و متخصصان در این حوزه.

• ما الان یک بحثی را داریم دنبال می‌کنیم به عنوان وقف

هنری و فرهنگی در حوزه غدیر و سعی کرده ایم که آن را

ترویج دهیم، نظر شما چیست؟

این کار بسیار خوب و بلکه واجبی است که هر کسی می تواند آن را انتخاب کند. اگر خدای سبحان و خود

مهدویت در آینه غدیر

• گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا فوادیان



محمدرضا فوادیان، متولد ۱۳۵۱، اهل تهران و کارشناس ارشد مهدویت در بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) است؛ از ایشان تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی در حوزه امامت و مهدویت منتشر شده است. به مناسبت فرارسیدن عید سعید غدیر بر آن شدیم تا برای تبیین پیام غدیر و ارتباط آن با مهدویت، گفتگویی را با این کارشناس مباحث مهدویت انجام دهیم، که در ادامه از نظر شما می‌گذرد. ایشان در این گفتگو علاوه بر اشاره به پیام و محتوای خطبه غدیر درباره درس‌های واقعه غدیر توضیح می‌دهد و از ماجرای پاسخ دختر جوان به جمله معروف جرج جرداق مسیحی درباره امام علی علیه السلام سخن می‌گوید. کارنامه فعالیت‌های این کارشناس را در نشانی زیر ببینید.



<http://quran.mahdaviat.ir/people/603>

• جناب آقای فوادیان؛ به عنوان اولین پرسش بفرمایید با توجه به این سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر که فرمود: غایبان پیام غدیر را به حاضران برسانند، به نظر شما کدام پیام غدیر آن قدر مهم بوده که پیامبر چنین سفارشی فرمودند؟

مهم‌ترین پیام واقعه غدیر، شناخت و حرکت همگام با ولایت است. اینکه پیامبر اسلام به کسانی که جلو رفته‌اند، فرمان بازگشت می‌دهند و به کسانی که عقب مانده‌اند، دستور می‌دهند تا زودتر خود را برسانند، به این معناست که در مسیر زندگی نیز، برای رسیدن به سعادت، نباید از راه امام علی علیه السلام پیشی گرفت و یا عقب ماند. لذا پیام غدیر برای سبک زندگی امروز ما این است که شئون مختلف زندگی خود را آن‌گونه که امیرمؤمنان و جانشینان او می‌پسندند، تنظیم نمائیم.

• آیا در خطبه غدیر، به حضرت مهدی علیه السلام هم اشاره شده است؟

خطبه غدیر در معرفی امام علی علیه السلام است. اما در احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۶۶ خطبه غدیر نقلی دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله تنها امیرمؤمنان علیه السلام را به عنوان ولی و جانشین پس از خود معرفی نفرمودند بلکه در سه فراز، شش موضوع و نزدیک به ۲۵ مطلب در رابطه با اوصاف امام عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - است را بیان نموده‌اند که عبارت است از:

فراز اول: «مَعَاشِرَ النَّاسِ آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَطْمِئِنَّ وُجُوهُ قُنُودِهَا عَلَى أُذْيَارِهَا... مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّوَرُّ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ ثُمَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا». در این قسمت، پیامبر صلی الله علیه و آله به صراحت، جریان نور را علاوه بر خود، در امیرالمؤمنین و امامان از نسل ایشان تا مهدی موعود جاری و ساری می‌دانند.



فراز دوم: حضرت در این فراز هجده بار مردم را با تکرار لفظ هشداردهنده «الا» (= هان، آگاه باشید!) به دقت در کلام خود فرا می خوانند. «مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَ عَلَيَّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي ... أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْفَائِزُ الْمَهْدِيُّ...» پس از آن، بیست و یک ویژگی اساسی امام مهدی را بیان می نمایند.

فراز سوم: اواخر خطابه و هنگام بیعت گرفتن از مردم است که می فرمایند: «فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتَمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَيُقْضَى»، «مأمورم که از شما پیمان بگیرم تا دست در دست من نهید، در پذیرش آن چه از سوی خداوند درباره علی، امیرالمؤمنین آورده ام و درباره اوصیای پس از او که از من و اویند. این امامت در میان آنان پایدار است و خاتم آنان مهدی است و پیشوایی استوار است تا روزی که با خداوند قدر و قضا دیدار کند». اما شش موضوع مهم این سه فراز عبارت است از:

- بشارت به آمدن امام مهدی علیه السلام
- خاتمیت او
- مقام و منزلت او
- علم و دانش او
- قیام و حکومت او
- منتقم بودن او.

• به نظر شما واقعه غدیر چه درس هایی را می تواند برای منتظران امام زمان داشته باشد؟

غدیر، چشمه جوشانی است که هر روز درس های آن



شدم یکی از دخترخانم‌ها گفت من سوالی دارم و من از او خواستم سوالش را مطرح کند. دخترخانم گفت: جمله‌ای که جرج جرداق درباره حضرت علی گفته است جوابش چیست؟ گفتم: کدام جمله؟ جواب داد: همین جمله‌ای که روی کارت‌ها نوشته‌اید. من فکر کردم منظور این خانم از این جواب این است که توضیحی در این مورد داده شود و به همین دلیل هم شروع کردم به بحث جرج جرداق و مقایسه افکار حضرت امیر با منشور سازمان ملل و مطالبی که جرج جرداق می‌گوید و آخر الامر هم رسیدیم به این جمله که جرج جرداق خطاب به دنیا می‌گوید: «به جای این همه متفکر، فیلسوف، سیاست‌مدار، نظامی و نیز فیزیک‌دان و حقوق‌دان اگر همه نیروهای خود را که پراکنده کردید به صورت انیشتین و گالیله و بوعلی سینا و فلان و فلان و فلان، این نیروها را جمع می‌کردی و به صورت یک علی به ما تحویل می‌دادی وضع ما روبه‌راه می‌شد». دختر

به‌روزرسانی می‌شود. یکی از درس‌های مهم آن معرفت و بیعت با امام زمان است. وقتی امیرمومنان معرفی شد همه با او بیعت کردند، بنابراین ما هم می‌توانیم غدیر را ظرف بیعت با امام عصر قرار دهیم. همان‌طور که می‌دانید وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ولایت امام علی علیه‌السلام را معرفی می‌کند آیه سوم سوره مائده نازل می‌شود که «امروز دین تو را کامل کردیم و نعمت را بر شما تمام کردیم»؛ پس قطعاً در این زمان، ولایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، اکمال دین و اتمام نعمت است و ما باید این مساله را مدنظر داشته باشیم که اکنون نیز ولی داریم و قطعاً اگر امروز از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواستیم تا جانشین خود را برای ما معرفی کند، دست امام عصر -عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف- را می‌گرفتند و به جهانیان معرفی می‌کردند. در صفحه ۳۵ کتاب «قاصدک‌های ظهور»، داستان قشنگی در این باره نقل شده است که برای شما نقل می‌کنم: ما به مناسبت تولد حضرت علی علیه‌السلام در تهران جشنی داشتیم و در پشت کارت دعوتی که برای این جشن، چاپ کرده بودیم این جمله زیبا را که جرج جرداق مسیحی درباره حضرت علی علیه‌السلام گفته است نوشته بودیم: «فماذا علیک یا دنیا لو حشدت قواک فاعطیت فی کل زمن علیا به فکره و قلبه و لسانه و ذی فقاره» یعنی «ای دنیا تو را چه می‌شد که در هر زمان نیروهای خودت را جمع می‌کردی و به ما یک علی علیه‌السلام تحویل می‌دادی؛ با همان فکر علی و قلب علی و زبان علی و ذوالفقار علی و کمالات علی علیه‌السلام». شرکت‌کنندگان در این جلسه بیشتر از دختران دانش‌آموز بودند. وقتی به عنوان سخنران وارد

در جنگ صفین تنهائیش گذاشتی؟ ای جرج جرداق! تو خواهان علی نیستی، مگر خدای علی بعد از علی اول، به تو علی دومی نداد که با زهر جفا مسمومش ساختی و تسلیم معاویه‌اش کردی؟ ای جرج جرداق! مگر خدای علی بعد از علی دوم، به تو علی سومی نداد که در وسط میدان کربلا فریاد می‌زد: «هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟ هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُوا اللَّهَ فِي إِغَائِثِنَا؟» و تو سرش را بالای نیزه کردی و به دنبال یزید رفتی. ای جرج جرداق! مگر به تو علی چهارمی نداد که تو در گوشه مسجد الحرام تنهائیش گذاشتی و دنبال دیگران رفتی؟ او در مقاله‌اش اینها را نقل کرده و به اینجا رسیده بود که ای جرج جرداق! اینک علی در بین ما و روی زمین است با همان کمالات علی، با همان حلم حسن و با همان شجاعت حسین ولی تو دنبال علی نرفتی و به دنبال دیگران رفته‌ای و او هزارویکصد و اندی سال است که فریاد می‌زند «هل من ناصر ينصرني» و تو دنبالش نرفتی. امروز امیر عالم هستی، خار در چشم و استخوان در گلو دارد. هنوز حجاج‌ها، خون شیعیان علی را به جرم علی دوستی، مباح می‌شمارند. هنوز در جای جای جهان اسلام، به جلد و خط و نقش و نگار قرآن، دل خوش کرده‌اند و قرآن ناطق را به تحریک عمرو عاص‌ها در مظلومیت و غیبت به فراموشی سپرده‌اند. صف‌آرایی مارقین و قاسطین و ناکثین در برابر علی، هنوز که هنوز است ادامه دارد. آقای جرج جرداق! تو اگر علی را می‌خواهی باید از ابتدا تکلیف خویش را با جبهه مخالف علی، روشن کنی که تنها خواستن علی، کفایت نمی‌کند. اول باید دیگران را نخواهی، علی‌ستیزان را نفی کنی، محبت هرکس و هر چیز جز علی را از دل بیرون کنی، آن‌گاه علی را خواهی.



خانم گفت: اینکه جواب نشد من جوابی بر این جمله جرج جرداق نوشته‌ام اگر اجازه بدهید حاضرم آن را در اینجا بخوانم. با بی‌اعتنایی گفتم بخوان. دختر شروع کرد به خواندن ابتدا با بی‌توجهی گوش می‌دادم ولی دو سه خط که خواند دیدم مثل اینکه می‌خواهد حرف حسابی بزند. در خط چهارم و پنجم متوجه شدم که این خانم، دچار تحول روحی شده است و ضمن خواندن مقاله‌اش گریه می‌کند. در خط هفتم و هشتم نظرم را جلب کرد و دیدم مثل اینکه بقیه را هم به گریه انداخته است و از شما چه پنهان که در خط دهم و دوازدهم مرا هم به گریه واداشت. در مجموع، مقاله‌ای بود پر محتوا در حدود بیست خط که مضمون آن چنین است: «جرج جرداق جمله‌ای درباره علی بن ابیطالب می‌گوید. اما من به او می‌گویم ای جرج جرداق! تو خواهان علی نیستی. مگر خدای علی به تو علی را نداد که بیست و پنج سال خانه‌نشین‌اش کردی و دنبال دیگران رفتی و



علی علیه السلام رمز یک انقلاب جهانی

• برگزیده‌ای از سخنرانی استاد حسن رحیم پورازغدی
به مناسبت روز عید غدیر ۱۳۹۱/۰۸/۰۸

تعاگیری در خصوص امام علی بن ابیطالب علیه السلام از جانب پیامبر صلی الله علیه وآله و از خود حضرت امیر هم نقل شده که: «أنا صراط الله» و «أنا قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ». این جملات دقیقاً به چه معناست که یک شخص تقسیم‌کننده جنت و نار، تعیین‌کننده سعادت و شقاوت بشر، ساقی کوثر و تعاگیری از این قبیل باشد؟ چه خصوصیتی در علی بن ابیطالب علیه السلام است که ایشان معیار بهشت و جهنم دانسته می‌شود. تفاسیر مختلف درباره تعاگیری نظیر «علی قسیم الجنة والنار» ممکن است کسانی صرفاً اینها را تفسیر نمادین کرده و گمان کنند که اینها یک تعبیر شاعرانه است و در شعر، مبالغه اشکالی ندارد و می‌شود در شعر مبالغه کرد؛ شعر هر چه مبالغه آمیزتر، شعرتر. اما یک وقتی ما به این موارد به عنوان شعر و خطابه و تمجید، نگاه نمی‌کنیم بلکه به عنوان مبانی معرفتی نگاه می‌کنیم. وقتی مبانی معرفتی شد باز هم دست کم دو نوع تفسیر از چنین عباراتی ممکن است؛ یک وقت کسی این‌طور تصور می‌کند که حضرت علی سلام الله علیه قسیم جنت و نار است؛ یعنی ایشان در قیامت در صحرای محشر ایستاده‌اند و همین‌طور در رابطه با افراد می‌گویند شما برو بهشت و شما برو جهنم و از این قبیل. یا اینکه انتخاب‌های امیرالمومنین انتخاب‌های شخصی است و یا در همان لحظه، قرار است

صورت بگیرد. برداشت غلط دیگر این است که کسانی فکر کنند این نوعی نسبت دادن الوهیت به امیرالمومنین است که از صراط الله بودن تا الله بودن فاصله‌ای دیده نشود. چنان که دیدیم بعضی‌ها از زیارت جامعه کبیره که فقرات بسیار مهم و دقیقی دارد، برداشت‌های غلطی کرده‌اند؛ چه دشمنانه و چه دوستانه. نکات بسیار ظریف و دقیقی وجود دارد که کسانی باشند و هستند که خلیفه الله‌اند و تجلی تام خداوند. صفات جمالی و جلالی خدا، اسما و صفات الهی در آنها تجلی بکند و به تعبیر روایتی که نقل شده صفات

صورت می‌گیرد. این‌طور نیست که در قیامت حضرت امیر بایستند و بگویند چه کسانی به بهشت بروند و چه کسانی به جهنم و خدا و رسول و همه میزان‌های الهی همه تعطیل باشد و حضرت امیر از طرف شخص خود کسانی را انتخاب کند برای بهشت یا جهنم. واقعیت این است که وقتی ایشان می‌فرماید: «انا صراط الله ... راه خدا منم ...»، راه خدا در همین دنیا است که دارد طی می‌شود، یعنی همین الان ما و شما یا در صراط الله هستیم و یا نیستیم، یا علوی زندگی می‌کنیم یا نمی‌کنیم، یا علوی به عالم آدم نگاه می‌کنیم و تفسیر می‌کنیم یا نگاهمان این‌گونه نیست. یعنی علی سلام الله علیه شاخصی است برای زندگی سعادت‌مند و شقاوتمند در همین دنیا و همین الان. همین الان امیرالمومنین قسیم الجنة والنار است منتهی آثارش در قیامت آشکار می‌شود. در شناخت ولایت معصومین باید دقت کرد این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را صراط الله معرفی فرمودند به این دلیل است که حضرت امیر سلام الله علیه جز خدا چیزی نمی‌بیند و نمی‌خواهد و نمی‌گوید. نتیجه‌اش این می‌شود که: علی قسیم الجنة والنار است. علی، صراط الله است. توضیح آنکه خداوند تابع کسی نیست. کسانی که تسلیم مطلق و عبد مطلق اند، فانی در خداوند هستند. احساس، افکار، اعمال، سکوت، خواب و بیداری، جنگ و صلح، گریه و خنده، خوردن و خوابیدن‌شان همه در این مسیر است. به او می‌گویند قسیم الجنة والنار. این همان است که خداوند متعال هم وعده داده در حدیث قدسی، که هر کس مرا اطاعت کند من اطاعتش می‌کنم. اگر کسی فانی شد و خودش را کلاً حذف کرد و همه چیزش شد خدا،



خدا همه در آنها هست با این تفاوت که خدا خالق است و آنها مخلوق و مرز خالق و مخلوق را دیدن، مشرک نشدن و در عین حال پیامبر و امیرالمومنین و اولیای خدا را با بشر عادی قیاس نکردن مرز بسیار مهمی است که جزو معارف بسیار دقیق اهل بیت و شیعه است و همه ریشه‌های قرآنی دارد. تقسیم بهشت و جهنم در همین دنیا انجام می‌شود اینکه در مورد امیرالمومنین سلام الله علیه می‌گویند که علی قسیم جنت و نار است و بهشتیان و جهنمیان را تقسیم می‌کند یعنی چه؟ این تقسیم در دنیا همین الان دارد

چون او هم تجلی و آینه خداست، بدون اینکه اینجا تفسیر مشرکانه بشود، ولایت تکوینی پیدا می‌کند و این عالم از او هم اطاعت می‌کند. در واقع اگر ما از پیامبر و علی اطاعت کنیم از پیامبر و علی اطاعت نکرده ایم بلکه از خدا اطاعت کرده ایم چون آنها جز خدا چیزی نمی‌گویند و چیزی نمی‌خواهند، برای همین ولایت تامه الهی دارند، برای همین است که قسیم الجنة و النار است. بنابراین در مورد تعبیری که در مورد معصومین به کار رفته است. هم کسانی که با تشیع دشمن‌اند، هم بعضی شیعیانی که مبانی دستشان نیست. باید خیلی دقت کنیم. جاهل، کارش این است یا افراط می‌کند و یا تفریط، ما هم با جاهلان شیعه روبه رو هستیم و هم با دشمنان شیعه و جریان‌ات ناصبی. فهمیدن مفهوم ولایت الهی برای ماها آسان نیست؛ ممکن است برداشت‌های مشرکانه و غیر توحیدی از آن بشود و کسانی به این عنوان سوء استفاده کنند و مغازه باز کنند. ما کسانی را داشتیم که جز یاران اهل بیت بودند، شیعه بودند، دفاع می‌کردند و بعد جز رهبران افراطیون و منحرفون شدند. همین زمانی که ما داریم با شما صحبت می‌کنیم در اندونزی، مالزی، مصر، عراق و به خصوص ایران خودمان سی چهل تا «مهدی» ظهور کرده که ادعای مهدویت می‌کنند. از انتظار جهانی تا انقلاب جهانی نکته بعدی اینکه اگر ما اینجا در عرصه‌های مختلف حکومت و زندگی بتوانیم نشان دهیم که صراط الله، علی است، یعنی چه. این به سرعت جهانی خواهد شد. یک اتفاقی در دنیای امروز افتاده و من این را با چشم و گوش خودم دیدم و تجربه کردم از شرق آسیای اسلامی و غیراسلامی تا شمال آفریقا تا قلب اروپا، مسلمان و غیرمسلمان، من احساس

می‌کنم توده مردم، گوششان برای حرف منطقی باز است. الان برای من خیلی روشن است که یک انقلاب جهانی الهی به راحتی ممکن است، چون در شرق و غرب عالم هر جا که می‌روی سواالتشان، حرف‌ها و دغدغه‌هایشان، همه خیلی شبیه هم هست. از امریکای لاتین تا ژاپن تا مالزی وقتی حرف می‌زنی می‌بینی سوالات، مشترک است، نگرانی‌ها مشترک است. من فکر می‌کنم این انتظار جهانی است برای یک کلمه و این رسانه‌ها و این ارتباطات خیلی کمک می‌کند به آن انقلاب عظیم آخرالزمان. روح عدالت خواهی همه جای دنیا هست. من در تاریخ نخواندم که وقت دیگری این‌گونه باشد، مگر اینکه بگوییم تاریخ واقعیت را همیشه نگفته است. اکثراً منکر معنویت نیستند، اصل خدا و حتی قیامت را قبول دارند ولو انحرافی، چون بهشان بد گفته شده و همه دنبال عدالت خواهی‌اند. علی علیه السلام اگر درست معرفی شود به سرعت معشوق کل بشری شود من روایات امیرالمومنین علیه السلام را در جمع مسیحی، بودایی، هندو، مارکسیسم، خواندم؛ مناسب اقتضاها می‌زدند، آنجا. بلند می‌شدند و برای حضرت امیر کف می‌زدند، بعد از من می‌پرسند که این حرف‌ها خیلی قشنگ است اما اینها چه ربطی به دین دارد؟ گفتم: به دین شما ربط ندارد اما به دین ما ربط دارد، به اسلام، به اسلام علی ربط دارد. علی بن ابیطالب به سرعت معشوق کل بشری شود، اگر درست معرفی شود. علی آن قدر زیباست، آن قدر زیبا و باشکوه است، آن قدر منطقی و اخلاقی و فطری است. والله این عقیده من است، نه اینکه جوگیر شده باشم، علی اگر درست معرفی بشود در تمام ۵ قاره عالم یک دشمن نخواهد داشت. همه به احترامش بلند می‌شوند، چون همه‌اش



صراط الله است پس علی کجای دانشگاه‌های ماست؟ علی بن ابیطالب کجای بازار مسلمین است الان در بازار ما خیلی راحت می‌روند قرض بگیرند از هم دیگر می‌گویند: چند درصد به من پس می‌دهی؟ رسماً ربا می‌خورند، شب بیست و یکم هم عزاداری می‌کنند، نیمه شعبان هم چراغانی می‌کنند. این بازار علوی است؟ آیا الان دادگستری‌های ما، شهرداری‌های ما، استانداری‌های ما، اداره گمرک ما، اداره مالیات ما علوی است؟ اگر ما کار نکنیم قافیه را باخته‌ایم چون دشمن دست به کار شده است و برای من و شما از طریق رسانه‌ها الگوی زندگی ایجاد می‌کند.

جمال و زیبایی و اخلاق و عدالت و منطق و فداکاری و علم و رحمت و عدالت و اینهاست، فطرت بشر دوست دارد اینها را، منتها جهل نمی‌گذارد. هشدار! ما اگر می‌خواهیم قسیم الجنة و النار باشد باید مدام خودمان را، جامعه‌مان را با امیرالمومنین محک بزنیم، دانشگاه را، حوزه را و مدیریت‌ها را محک بزنیم. حوزه ما در صورتی حوزه علوی است که فقه و اخلاق و کلام و عرفانش را علوی تعریف کند. دانشگاه ما وقتی علوی است که علوم اجتماعی‌اش، علوم انسانی و روان‌شناسی و تعلیم و تربیتش، معرفت‌شناسی‌اش، فلسفه تاریخ‌اش با این قسیم الجنة و النار مرتبط شود. اگر علی،



قیام اشک‌ها

و محرم دوباره از راه رسید. گویی هر سال ما در انتظار محرم هستیم، انگار سال ما سال نمی‌شود، مگر آنکه محرم از راه برسد. محرم، فصل آغاز و پایان ماست. با محرم، همه چیز ما معنا دارد که بدون آن، همه معنایش را از دست خواهد داد. مثل همیشه، در آغاز فصل محرم، خودمان را آماده می‌کنیم برای همراهی با آن، برای آنکه نه قدمی از آن عقب بمانیم و نه جلو برویم. در پرونده محرم این شماره، از معانی و مفاهیم بلند عاشورایی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر، شعر عاشورایی و ... خواهیم گفت.

یادداشت

ما مسئول اشک‌های امام زمانیم!

قطعه ادبی

از دل ما

پرسش و پاسخ

محرم و مهدویت

معرفی کتاب

آداب حضور در مجلس عزاداری

شعر

حَنّ علی غم • صاحب عزا



ما مسئول اشک های امام زمانیم

نقش امریه معروف در اجابت دعای فرج و نصرت امام زمان علیه السلام

• حسن ملایی

مدیر گروه اخلاق و تربیت مرکز تخصصی مهدویت قم

سخن آغازین

اگر قرار باشد فقط یک نفر در روی زمین مستجاب الدعوه بوده و پروردگار عالم دعایش را بپذیرد، تنها ولی خدا و محبوب ترین انسان ها نزد او، یعنی حضرت ولی عصر- عجل الله تعالی فرجه الشریف- است. در شرح احوالات امام زمان علیه السلام بارها خوانده ایم که علاوه بر اینکه ایشان ما را به دعا برای فرج، تشویق نموده اند، خود نیز بارها فرج و ظهور خویش را از پروردگار متعال درخواست نموده و فرموده اند: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَبِّثْ وَطَأْتِي وَامْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَذْلًا وَقِسْطًا».

حال پرسش اینجاست که چرا خداوند حکیم، دعای خلیفه و جانشین خویش در زمین را برای تعجیل در فرجش مستجاب نمی کند؟ پاسخ به این پرسش را باید در چند نکته جستجو نمود:

اول: آنچه مراد از استجاب دعا است.

اولین نکته قابل توجه در این باره آن است که مراد از استجاب دعا، فهم عموم مردم از آن یعنی تحقق خارجی خواسته نیایش گراست وگرنه اگر استجاب را به توجه ویژه خدای رحمان به شخص دعا کننده معنا کرده و واقع شدن حاجت را تمام بخش استجاب بدانیم- کما اینکه علامه

طباطبایی در تفسیر المیزان این طور معنی کرده اند- شکی در عنایت، مخصوص خدای متعال به دعای امام زمان علیه السلام و منتظران وی نیست.

دوم: مردم، باید خود نیز ظهور امام زمان را بخواهند.

درست است که امام زمان علیه السلام با اشک روان، تعجیل در فرجش را از خدا می خواهد اما حقیقت این فرج، گشایشی برای همه انسان هاست و او طبق وعده الهی خواهد آمد تا ظلم و بی عدالتی را از جامعه انسانی از بین برده و زمینه را برای رشد و سعادت بشری فراهم نماید، پس سود این ظهور برای انسان هاست.

حال اگر دعای امام زمان علیه السلام برای مردم است، پس این مردم هستند که خود نیز باید طالب ظهور و حکومت عدل مهدوی باشند در غیر این صورت، دعای شخص،

شناخت آنچه که به طور حقیقی آنها را به خواسته‌هایشان می‌رساند، کوتاهی می‌کنند. در نتیجه ممکن است به سبب نشناختن عامل واقعی سعادت خود به دنبال کسب آن نباشند.

۲. گاهی ممکن است این شناخت باشد، اما به دلیل سطحی بودن شناخت، یا عدم باور به آن و یا روحیه تنبلی، در پایبندی عملی به لوازم آن، کوتاهی کند که در هر صورت نتیجه یکی است و حاصل آن عدم دستیابی به عامل سعادت و در نتیجه عدم کامیابی است.

چهارم: حرکت و تلاش، نشانه خواست حقیقی است.

درست است که خواستن یک فعالیت درونی و قلبی است اما حاصل آن حرکت و تلاش بیرونی است و عدم تلاش بیرونی، حاکی از جدی نبودن خواست درونی است و معلوم است که چنین خواستی هیچگاه موجب رسیدن به هدف نخواهد بود. از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «دعا کننده بدون عمل و تلاش همانند تیرانداز بدون زه است».

پنجم: اصلاح‌گری جامعه، علامت درخواست حقیقی فرج و نشانه شوق به حکومت عدل مهدوی است.

آنچه در مسأله ظهور و تشکیل حکومت جهانی امام عصر علیه‌السلام و استجاب دعا برای فرج آن حضرت مهم است، تلاش عمومی برای اصلاح جامعه و رفع موانع نزول رحمت ویژه خدای رحیم به انسان‌ها است. بنابراین همان‌گونه که نشانه تشنگی حقیقی، حرکت برای به دست آوردن آب است، علامت طلب فرج نیز تلاش برای دستیابی به امر فرج است، چرا که گرچه ظهور حضرت به امر و اراده



مستجاب نمی‌شود همانند پدر و مادری که برای موفقیت خوشبختی فرزندانشان دعا می‌کنند اما خود آنها چنین خواسته‌ای را ندارند. نمونه قرآنی آن فرزند حضرت نوح است که با وجود دعای پدری پیامبر، برای نجات پسری غیر صالح، دعایش مستجاب نشد و فرزندش در دنیا و آخرت نگون بخت شد؛ همه این‌ها به خاطر عدم خواست خود پسر بوده است.

شوم: درخواست مردم باید حقیقی و از صمیم دل باشد.

ممکن است کسی بگوید که چطور امکان دارد فرد یا جامعه به دنبال خوشبختی خود نباشد درحالی‌که همه افراد برای چنین آرزویی زندگی و تلاش می‌کنند؟ در این مورد دو نکته اساسی وجود دارد:

۱. واقعیت آن است که همه به دنبال سعادتند اما در

خداست اما اراده خدا موقعی به این امر، تعلق می‌گیرد که مردم نیز حکومت امام زمان علیه السلام را واقعاً بخواهند و تلاش برای اصلاح وضع موجود و کسب حداقل‌های لیاقت حکومت مهدی، علامت طلب حقیقی است.

ششم: تجلی اصلاح‌گری جامعه در امر به معروف و نهی از منکر، عمومی است.

راهبردی‌ترین کار در جهت اصلاح جامعه همانا امر به معروف و نهی از منکر است؛ حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «خداوند، امر به معروف و نهی از منکر را به خاطر اصلاح عموم، واجب نموده است». بنابراین نمود اصلاح‌گری اجتماعی، که همانا نشانه شوق حقیقی به استقرار حکومت حق امام زمان علیه السلام است را باید در انجام این فریضه جستجو نمود.

هفتم: برای استجابت دعای فرج، امر به معروف کنید.

حقیقتی که توجه به آن باعث شرمندگی همه شیعیان و محبان امام زمان علیه السلام است، این است که همه ما برای تعجیل در فرج حضرت، در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، دعا می‌کنیم اما در موارد زیادی، از امر به معروف و نهی از منکر که نشانه صدق دعا و زمینه‌ساز مردمی برای ظهور است شانه، خالی می‌کنیم درحالی‌که شنیده‌ایم امیرالمؤمنین فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که (در نتیجه ترک آن) خداوند امور شما را به اشرارتان واگذارد، آن‌گاه (که در تنگنای ظلم و فساد واقع شدید) لب به دعا (برای رهایی و نجات) می‌کشاید ولی دعایتان مستجاب نمی‌شود». نکته بسیار مهم اینجاست که از امام رضا علیه السلام، عبارتی دیگر و شبیه این حدیث

چنین آمده است: «یا امر به معروف و نهی از منکر کنید و یا اینکه اشرار بر شما دست می‌یابند پس منتخبان و خوبان شما دعا می‌کنند اما دعایشان مستجاب نمی‌شود»، در این سخن امام، این مطلب مهم وجود دارد که در صورت ترک امر به معروف و نهی از منکر، نه تنها دعای عموم مردم، که حتی دعای خواص و خوبان جامعه (خِیَارُکُمْ) نیز برای برطرف شدن ظلم و بلا، مستجاب نخواهد شد. حال سؤال اینجاست که چه کسانی از خواص جامعه هستند؟ آیا کسی جز امام زمان علیه السلام را که تنها بازمانده اهل بیت است، می‌توان به عنوان شاخص‌ترین و کامل‌ترین خواص جامعه اسلامی برشمرد کما اینکه امیرالمؤمنین در ضمن سخنی ارزشمند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ نَظَر... فَأَخْتَارَ أَهْلَ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي وَهُمْ خِيارُ أُمَّتِي».

بنابراین اگر دعای حضرت برای فرج، به ظاهر مستجاب نمی‌شود؛ بی‌دلیل نیست و علت آن کوتاهی ما در امر به معروف و نهی از منکر است و ما مسئول اشک‌های امام زمان علیه السلام و تأخیر در اجابت دعا و ظهور اویم. پس بیاییم با اراده‌ای جمعی، همگی این دستور مهم الهی را که با انجام آن، سایر دستورهای الهی در جامعه اجرا می‌شود، انجام دهیم تا هم مصداق «بهترین امتی» شویم که قرآن در وصف ایشان فرمود: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» و هم شرایط استجابت دعای امام زمان علیه السلام را فراهم کنیم.

هشتم. یاران سیدالشهدا و امام زمان علیه السلام، آمران به معروف و ناهیان از منکرند.



اسلامی در آن مستقر است در بیان حکیمانه رهبرانقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای این‌گونه آمده است: «مسأله امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله نماز است. یاد گرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسئله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟ البته من عرض می‌کنم قبلاً هم گفته‌ام در جامعه اسلامی، تکلیف عامه مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسئولین است. آن‌ها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهم‌تر است. عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی است. به آن آدم بدکار، به آن آدمی خلاف‌کار، به آن آدمی که اشاعه فحشا می‌کند، به آن آدمی که می‌خواهد قبح گناه را از جامعه ببرد، مردم باید بگویند. ده نفر، صد نفر، هزار نفر! افکار عمومی روی وجود و ذهن او باید سنگینی کند. این، شکننده‌ترین چیزهاست.»

نگاهی به واقعه عاشورا و رخداد بی‌نظیر ظهور، نشان می‌دهد که رهبران و یاران ایشان در هر دو قیام، آمران به معروف و ناهیان از منکر بوده و هستند. امام حسین علیه‌السلام فلسفه قیام عاشورایی خود را این‌گونه می‌فرماید که: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ...». مهدی موعود نیز در هنگام ظهور و گرفتن پیمان از یاران خویش یکی از مفاد تعهد را اجرای امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌دهد و می‌فرماید: «با شما بیعت می‌کنم به اینکه... تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

تذکر: محدوده امر و نهی در زمانه ما.

غیر از احکام، شرایط و آدابی که در امر به معروف و نهی از منکر باید آموخت، دانستن و التزام به محدوده امر و نهی برای اجرای درست و بهره‌مندی از آثار و برکات آن مهم است؛ این محدوده در زمان ما و در جامعه ما که نظام

و بعد از این، مکان نیز نور است و نوا،
شور است و صفا، عشق است و شیدا
و دریاست و حیا.

ای سرزمین مدفون در سکون محض
تابش آفتاب و تابش پراز ستاره‌های
مهتاب!

طوفان دیگری در راه است....
ای سرزمین رویایی و ناشناخته و عدم
تا دیروز و دیروزها!

امروز و فرداست که عارف‌ترین
معروف دنیای لامکان و زمان شوی
صبر کن و صبور باش.

دقایق را شقایق‌های عازم، مطهرتر و
مطرح‌تر خواهند کرد

تو ای سرزمین فرداها، تنها صبور
باش و صابر

ای سرتین زمین بعد از.....
بعد از چه؟ چه خبر در راه است؟ تو
را چه شده؟

گوییا خبری در راه است!
این را به گوش‌های خودت، به جان

دلت و به عمق اعماق وجودت،
عاریت ده که غیرتورا هیچ کس،

تحمل و یارایی نیست.
محکم باش و نلرز که محکم

می لرزاندت.



از دل ما

• مجتبی خاکسار کلاتی

خبری در راه است. عصاره اعصار،
حلول خواهد کرد.
فوران سوال‌ها، از دل کاف‌ها
کی؟ کجا؟ و...
جوابش نیز کاف است
کربلا

مکان تاریک است اما زمان نه
والعصر!

اصلاً واژه‌ای ندارم در دستانم برای آن
که بگویم :

زمین و زمان و مکان و جهان و
آسمان خواهند لرزید.
تو اما محکم باش.

«و این یکاد...» را خوب به حافظه‌ات -
حافظه‌ای به بلندای شبِ یلدایی‌ات
- بسپار که باید مقابلِ دنیای چشم‌ها
بایستی.

بالاتر از طوفان نمی‌دانم واژه‌ای باشد
یا...

همان بالاتر از طوفان، در راه است...

تنها بعد از هشت آسمان و هشت
زمین است که آرامش‌ات برای همیشه
دست خوش یک صبح تا غروب شد.
آمدند!

...

و چون آمدند؛ آن قدر آرام شدی؛
آن قدر که تو گویی چونان حیات
برگشته‌ای که رنگِ رو به اضمحلالِ
پاییزِ رخوت‌آورِ زمین خورده، برگِ زرد
را به خود می‌گیرد.

آماده باش برای رستاخیزی عظیم
اگر مَرَدی، آن زمان مَرده‌ای باش آرام

و خواب‌آلود.

همه بیدارت می‌کنند، چه بخواهی
چه نخواستی!

آن چنان که از هزار توی تاریخ‌ات و از
هزار بندِ وجودت، خون بالا خواهی
آورد.

بیدار باش و بیدار شو.

دیگر نمی‌نویسم از عشقی که گلوگیر
شد و سپس نقش زمین و جهان‌گیر
شد و سپس در آسمان، نقش بست
و بسط.

دیگر نمی‌نویسم از شیری که خشکید
و جوانه‌اش سوخت،
اما بارانِ بعد از رعد و برق و سیلِ فرو
خورده تاریخ و آرامشِ پس از طوفان،
دوباره شیر جوشاند.

هی هی هیهات که بعد از جوشش
شهد مادر دیگر!

و دیگر نمی‌نویسم که چرا نازدانه‌ای
شیرین‌عسل‌تر از عسل و نورافزار از
مهتاب، ماه و خورشید را در ارتفاعی
پایین‌تر از ماه و خورشید شهود
می‌کرد.

و چرا فخرش به ماه، آهی بود از

جنس ماهِ نزدیک انگشتِ اشاره‌اش و
مباهاتش به خورشید، شمسِ منیب
و منیر درون طشت!

«ما رأیت الا جمیلا» همین است
دیگر!

وقتی اُقمار و شمس و شکوهِ دنیایِ
آسمانی‌ها را از نزدیک‌ترین قاب، به
قابِ منظرِ چشمانت بر روی همین
پست‌ترین شاه‌راه (وا امّاه)، راه
شاهِ عقبا و البته دنیا، بارها و بارها
دیدهای.

باید هم «ما رأیت الا جمیلا» باشد
تمام قدم‌هایت!

و او که قدم نداشت!

آسمان نزدیک به زمین است!
مگر می‌شود این تداخلِ تصویر
آسمان در زمین؟

با این حساب؛ چشمانت جز پلک
پلک زدن بر زیبایی‌ها سهمی ندارند
با تمام وجود باز هم

ای وای از...

و امان از...

نه دلِ «آفتاب در حجاب»

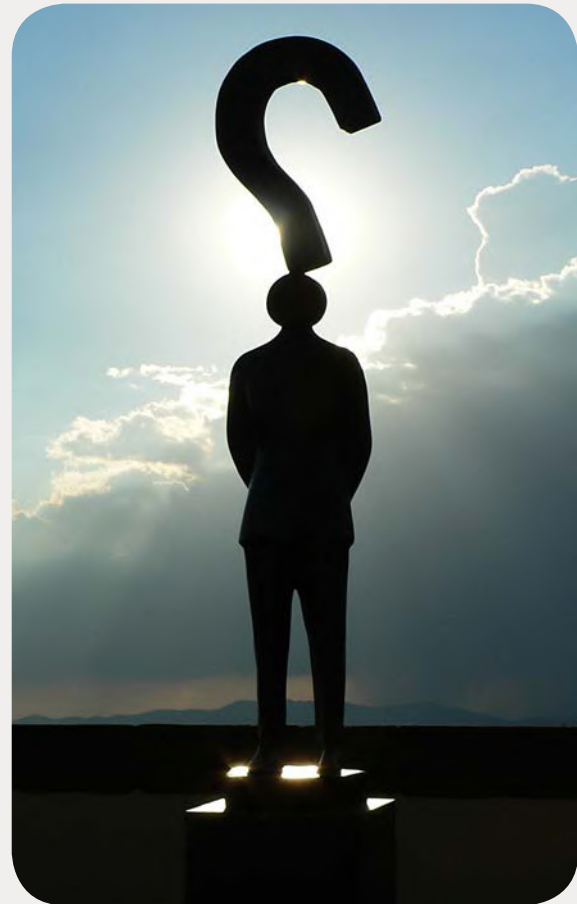
بلکه

از دلِ «ما»...

پرسش و پاسخ مهدویت و محرم

تهیه کننده: بخش پرسش و پاسخ پورتال جامع مهدویت

• پاسخ دهنده: مهدیه سعیدی نشاط . سطح سه کلام اسلامی



• چه رابطه‌ای بین هدف نهضت امام حسین و هدف نهضت جهانی امام مهدی علیهما السلام وجود دارد؟

امام حسین و امام مهدی علیهما السلام هر دو پیشوای معصوم و از اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله هستند بنابراین خط مشی واحدی دارند. مهم‌ترین هدف مشترک این دو قیام عبارت است از؛ ظلم‌ستیزی و اصلاح مفاسد اجتماعی.

امام حسین علیه السلام در تبیین اهداف قیام خود می‌فرماید:

«أَتَمَّا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ (بحار الانوار، ج ۴۴، ۳۲۹)

«همانا من به منظور ایجاد اصلاح در امت جدم، رسول خدا صلی الله علیه وآله قیام کرده‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جد و پدرم عمل نمایم». حضرت امام حسین علیه السلام، شخصا از تحقق اهداف خود توسط فرزندش حضرت مهدی علیه السلام، این‌گونه خبر می‌دهد: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا» (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۱۷) «اگر از عمر دنیا یک روز باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می‌گرداند که مردی از فرزندان من قیام کند و دنیا را پس از آن که از ظلم و ستم پر شده بود، پر از عدل و داد نماید».

بنابراین در حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام، ثمره اصلی قیام کربلا، دیده می‌شود و با تحقق اهداف انبیا و اوصیای الهی، بشریت، طعم واقعی عدالت، امنیت و سعادت را خواهد چشید.

نسبت به مولای خود، مطیع تر از کنیز هستند».

• آیا ممکن است که منتظران امام مهدی علیه السلام هنگام ظهور مانند کوفیان عمل کنند؟

این امکان وجود دارد افرادی که قبل از ظهور ادعای جان فشانی برای امام زمان علیه السلام را دارند، در عمل، فاقد سرمایه معنوی و معرفتی لازم برای یاری امام، هنگام ظهور باشند؛ بنابراین لازم است که منتظرین واقعی در حالت ترس و امید خود را برای ظهور حضرت، آماده کنند. حسن بن ابی ساره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «مؤمن ایمانش کامل نمی شود تا اینکه دارای حالت خوف و رجا [هر دو] باشد و این حالت ترس و امید در صورتی تحقق می یابد و از ادعا خارج می شود که انسان در کارهای خود آثار خوف و رجا را مشاهده نماید؛ «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا وَلَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا حَتَّى يَكُونَ غَامِلًا لِمَا يَخَافُ وَيَرْجُو» (بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۹۲) یعنی برای آنچه که از آن می ترسد و یا به آن امید دارد عمل کند». بنابراین نگرانی از اینکه مبادا لیاقت یاری ایشان را پیدا نکنیم، ما را از یاری حضرت ناامید نکند؛ بلکه موجب شود، معرفت و بصیرت مان را بالا برده و خود را برای یاری حضرت در سخت ترین شرایط آماده کنیم؛ این نگاه به طور قطع برای ما سازنده خواهد بود و ما را در صف یاران واقعی ایشان قرار خواهد داد.

اما باید دانست، بسیاری از کسانی که حاضر به همکاری با امام حسین علیه السلام نشدند، انسان هایی به ظاهر متدین بودند که نماز می خواندند، قرآن تلاوت می کردند، روزه می گرفتند و به حج می رفتند؛ اما وقتی امام زمان شان

• چه تشابهی بین یاران امام حسین و امام مهدی علیهما السلام وجود دارد؟

در به ثمر نشاندن اهداف امامان معصوم، یاران ایشان جایگاه و نقشی اساسی دارند و بدون آنان، حرکت و تلاش امامان نیز بی نتیجه خواهد ماند. یاران امام حسین و امام مهدی علیهما السلام وجوه مشترک بسیاری دارند از جمله؛ معرفت بالا نسبت به خداوند متعال، عبادت و معنویت، زهد نسبت به دنیا، وظیفه شناسی، بصیرت و دشمن شناسی، تلاش خستگی ناپذیر، روحیه شهادت طلبی و... اما از مهم ترین وجوه اشتراک یاران این دو امام بزرگوار، کسب بالاترین درجات معرفت به جایگاه و شخصیت امام شان است که این معرفت، دو ثمره به همراه دارد: محبت و اطاعت.

عشق و محبت یاران به صاحب الزمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قدری است که روایات در وصف ایشان گفته اند: «يَحْفَوْنَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸)؛ «در میدان رزم، گرد وجود او - حضرت مهدی عجل - می چرخند و با جان، حفاظتش می کنند». ثمره دیگر معرفت امام، اطاعت است. همان طور که اباعبدالله علیه السلام در توصیف یاران خود می فرمایند: «فَأَنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲) «همانا من یارانی والاتر و بهتر از یاران خود، سراغ ندارم».

در نهضت حضرت حجت علیه السلام نیز از سید و سیزده نفر به عنوان یاران خاص، یاد می شود که کاملاً مطیع و شیفته امام خود هستند و در مدح ایشان گفته شده «هُمْ أَطَوُّعٌ لَهُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸) «آنان

در هشتم ذی الحجه، مکه را به سمت کوفه ترك کرد، آن‌ها به سوی منا و عرفات رفتند...

این مسئله، تهدیدی بسیار جدی برای ما است که مبادا غافل از فرمان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و سرگرم دنیا و یا حتی غرق در عبادت، بدون اطاعت از ولایت باشیم. (از فرات تا فرات، ج ۱، ص ۱۰۸)

• حضرت مهدی علیه السلام، چگونه انتقام امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت؟

از روایات فراوانی استفاده می‌شود حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیام جهانی خود، از ستمگرانی که به خاندان او و بشریت ستم کردند، انتقام خواهد گرفت؛ بدین سبب است که یکی از لقب‌های آن حضرت، منتقم است. (الغیبة للنعمانی، ص ۹۳)

البته انتقام حضرت از ناحیه خداوند و به معنای مجازات کافرین و ظالمین در برابر اعمال خلافی است که انجام داده‌اند یعنی خداوند، به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کافران، دشمنان اهل بیت و انسان‌نماهای خون آشام، انتقام می‌گیرد.

یکی از معانی انتقام خون امام حسین و دیگر مظلومان، این است که با نابودی کامل اهل فساد و ظلم، در نهایت انتقام مظلومان تاریخ از ظالمان گرفته می‌شود و ستمگران، شکست خواهند خورد و زمین از لوث وجودشان پاک می‌گردد. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳)

معنای دیگر انتقام از قاتلان ائمه، با «رجعت» تحقق می‌یابد؛ رجعت از عقاید مسلم شیعه و به معنای زنده شدن بعضی از مردگان و بازگشتن به دنیا در دوران حکومت عدل

الهی است. بنابراین عقیده، دو گروه از انسان‌ها، تا قبل از قیامت، به دنیا برمی‌گردند تا در همین دنیا نیز مقداری از نتیجه عمل خود را ببینند؛ دسته اول، انسان‌های بسیار نیک و دسته دیگر، انسان‌های بسیار بد! طبق این عقیده، ستم‌کنندگان به خاندان پیامبر، زنده می‌گردند و از آنان انتقام گرفته می‌شود. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶)

البته باید توجه داشت که کافران ستمگر به اجبار، رجعت کرده و بدون اینکه اختیار عملی داشته باشند از ایشان انتقام گرفته می‌شود و به سزای دنیایی خود می‌رسند. گرچه جزئیات در چگونگی انتقام گرفتن از دشمنان امام حسین علیه السلام بر ما پوشیده است اما انتقام از ایشان قطعی است. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام: از اولین رجعت‌کنندگان، امام حسین علیه السلام و یاران ایشان و یزیدیان کربلا هستند تا از آنها انتقام بگیرند؛ همان‌طور که حضرت و یارانش را به شهادت رسانده بودند. (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷)

• آیا می‌توان از طریق محبت و عزاداری بر مصائب امام حسین علیه السلام به امام زمان علیه السلام نزدیک شد؟ چگونه؟

روابط عاشقانه و خالصانه میان تمامی معصومین، به حدی است که می‌توان گفت بسیار بالاتر از حد روابط انسان‌های عادی است؛ چرا که عشق و عطفی که معصومین نسبت به يك ديگر داشته‌اند، رنگ الهی داشت. برای مثال، رابطه خاصی که میان حضرت علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله یا حضرت زهرا سلام الله علیها برقرار بود را هرگز نمی‌توان در محدوده روابط خویشاوندی محصور کرد. (از فرات تا فرات، ج ۲، ص ۱۱۰)

دشمنان آنها را بیاموزند و مکرر با جان و دل بگویند:
«إِنِّي بِسَلَامٍ لِّمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٍ لِّمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٍّ لِّمَنْ وَالَاكُمْ
وَعَدُوٍّ لِّمَنْ عَادَاكُمْ».



امام عصر علیه السلام، تعجیل در فرج خود را با عزاداری بر
امام حسین علیه السلام پیوند زده است: «إِنِّي لِأَدْعُوا الْمُؤْمِنِينَ
يَذْكُرُ مُصِيبَةَ جَدِّي الشَّهِيدِ ثُمَّ يَدْعُوا إِلَى بَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ وَ
التَّأْيِيدِ» (مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶)؛ «همانا، من برای فرد
مؤمنی که مصیبت جد شهیدم را به یاد آورد و سپس تعجیل
در فرج و تأیید من را از خدا بخواهد، دعا خواهم کرد».

عبارات نقل شده از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه در
رثای امام حسین علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه،
چنان سوزناک است که درک آن، از توان انسان خارج است
و نشان دهنده عمق حزن و اندوه ایشان بر مصائب عظیم
وارد بر جد بزرگوار و خاندان عصمت است. (بحار الانوار، ج
۱۰۱، ص ۳۱۷-۳۲۸)

همچنان که حضرت در تشریفی که سید احمد رشتی موسوی
به خدمت ایشان رسیده بود، به او فرمودند: «شما چرا
عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا! عاشورا! عاشورا!» سه مرتبه.
(نجم الثاقب در احوال امام غایب (علیه السلام)، ج ۲، ص ۷۱۴)
و چه زیباست که در زیارت امام حسین علیه السلام در روز
عاشورا، نیز فرج حضرت را می خواهیم و می گوییم:

«أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ «از خداوند می خواهیم که خون خواهی
تو را همراه با امامی که از اهل بیت پیامبر علیهم السلام
است، نصیب من فرماید». شاید سفارش حضرت به
خواندن عاشورا از آن جهت است که منتظران واقعی مهدی
موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، پیروان و معتقدان به قیام
و فرهنگ عاشورا هستند و باید پای مدرسه عاشورائیان،
دوستی و ولایت پذیری موالیان ائمه علیه السلام و تبری از

بیشتر فکر کنیم و بدانیم که آیا مناسبات آن را رعایت می‌کنیم یا نه. حاضر شدن در خانه خدا یا مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام، آدابی دارد. اساسا مسلمانان آدابی دارد که متأسفانه در فرهنگ آموزشی جامعه وارد نشده است. یعنی اکثرا نمی‌دانند که برای رفتن به خانه خدا، نماز خواندن، صله رحم کردن و حتی رفتن به مراکز مذهبی یا مجالس عزاداری، چه کاری باید انجام بدهند. قانون همیشگی درباره ما می‌گوید که ما تنبل هستیم؛ یعنی با همان وضعی که از سر کار آمده‌ایم، بدون هیچ تغییری مستقیما خودمان را به اولین مسجد یا هیئت می‌رسانیم. ما یاد نگرفتیم که برای رفتن به مسجد یا هیئت، چه کارهایی را باید انجام داد و اگر هم بدانیم، چه کسی حالش را دارد که این کارها را انجام بدهد. بی‌خیال، بهتر است که وقتمان را اینقدر تلف نکنیم. حالا نیست ما از ثانیه به ثانیه وقتمان استفاده می‌کنیم، به همین دلیل خیلی روی آن حساسیت داریم!

متأسفانه این فرهنگ عوامانه بعضی از اوقات واقعا تأسف برانگیز است. کافی است نگاه کنید به حضور زائران در مکان‌های مقدس از جمله حرم معصومین. اوضاع، طوری است که گاهی اوقات انگار به یک پیک نیک تفریحی می‌روند. از در آغوش گرفتن سبد غذا و چای تا بندی که رخت‌های نشسته و شسته را روی آن می‌اندازند و تا خیمه گاه و قلیان و... همه چیز را با خودشان همراه می‌کنند. حالا هم سلفی گرفتن با ستون و در و... به این لیست اضافه شده است. اگر می‌خواهید به خانه خدا یا مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام بروید، ابتدا باید درک کنید که قرار است به کجا بروید. سپس رفتاری متناسب با آن مجلس به خود بگیرید.



آداب حضور در مجلس عزاداری

• هاشم ایزدپناه

هر چند همه ما به مجالس عزاداری بسیاری رفته‌ایم، اما گاهی اوقات لازم است تا کمی درباره این مجلس رفتنمان

هیچ الزامی وجود ندارد که سایر مسلمین، از بوی آزادنده شما رنج ببرند. شما می‌توانید در خانه شخصی خود تا دلتان بخواهد از این آلودگی لذت ببرید. ولی اگر می‌خواهید وارد جمعی از مسلمانان شوید، باید آداب مسلمانی را به جا آورید. نظافت و پاکیزی از ایمان است و هیچ جایی برای آلودگی نیست.

خواهش می‌کنم که صفت چتر بازی را فراموش کنید. یک لیست از هیئت‌هایی که شام می‌دهند با ساعت دقیق سرو شام درست نکنید. برکت خدا همه جا هست، به اندازه نیازتان از آن استفاده کنید و کمی هم به فکر فقیران و یتیمان و در راه ماندگان باشید که شاید به آن غذای بیستمی که شما نوش جان می‌کنید، احتیاج داشته باشند.

هنگامی که وارد مجلس می‌شوید، یاد به جا آوردن صله رحم و برگزاری يك دعوا با دشمن قدیمی نباشید. سکوت را در مجلس رعایت کنید و به منبر گوش فرا دهید. شما برای آگاهی یافتن از این معارف است که به خانه خدا یا مجلس امام حسین علیه‌السلام آمده‌اید.

بلوتوث بازی و تلگرام بازی در ایستگاه‌های مترو است و جایی در مجلس امام حسین علیه‌السلام ندارد. چنانچه خواب بر شما مستولی شده، بدانید که خوابیدن در مسجد مکروه است. می‌توانید به خانه خود مراجعه کنید و در بستر گرم و نرم‌تان تا صبح بخوابید. به مجلس احترام بگذارید، این احترام گذاشتن، احترام به خودتان است.

هنگامی که وارد مجلس می‌شوید، یا تلفن همراهتان را خاموش کنید یا در حالت بی صدا قرار دهید. خواهشا اگر یادتان رفت از گذاشتن آهنگ‌های شیش و هشتی

روی گوشی، خودداری کنید. فکرش را بکنید که وسط منبر، صدای يك خواننده رپ همه را متوجه خود کند. اگر نامزدتان در قسمت زنانه حاضراست، چند ساعتی طاقت دوری او را داشته باشید و مدام پیامک، رد و بدل نکنید. خداوند شما را برهم حلال کرده و مطمئناً بعداً هم فرصت خواهید کرد که پیامک‌های عاشقانه برای هم بفرستید. این مدتی که در مجلس هستید را کمی به خودتان فکر کنید که از این فرصت‌ها، کم به دست می‌آید.

مسلمان وقتی وارد مجلسی می‌شود، در اولین جای خالی می‌نشیند. برای خودتان اثری در مسجد یا مجلس در نظر نگیرید. جوانان، مراقب سالخوردگان باشند و به خاطر احترام، جای مناسبی به آنان بدهند. سالخوردگان هم به فکر باشند که بی ادبی و بی احترامی به کسی نکنند.

هنگامی که قرار است شام را بیاورند، همچون گروهی از گرسنگان حمله‌ور نشوید. برکت خدا به همه می‌رسد. به یاد داشته باشید که بسیاری از کسانی که مسلمان نیستند، به این غذا به عنوان تبرک و شفا نگاه می‌کنند و حتی دانه‌ای از برنج آن را هم محترم می‌دانند. به مراتب اولی، شما موظف به حفظ حرمت این غذا هستید. رفتار شما باید در شأن مجلس عزاداری امام حسین علیه‌السلام باشد. شما باید آبروی امام حسین علیه‌السلام باشید. مبدا آبروی عزاداران حسین علیه‌السلام را ببرید.

خب، ظاهراً مجلس دارد شروع می‌شود به همین دلیل، من هم دیگر تمام می‌کنم تا با هم به سخنان واعظ محترم، گوش بدهیم. اما پیش از آن يك سؤال بسیار مهم، می‌دانید هیئت خیابان روبه‌رویی چه ساعتی شام می‌دهد؟



خوشبو شده پیرُهَن سیاهم از عشق

ذکر دل من «حَیّ علی غم» شده است

زهرامرتضایی
دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات
مقاومت و پایداری
برگزیده دوازدهمین همایش ادبی
سوختگان وصل ۱۳۹۳



حَیّ علی غم

باران به حسین وام دار است هنوز
از دیدن یاس شرمسار است هنوز

بی یار و غریب شد امامت اما
«مَنْ یَنْصُرُنِی» ادامه دار است هنوز

دل پیرهن مشکی خود را پوشید
اشک از در و دیوار زمین می جوشید

فریاد «قَدْ انْكَسَرَتْ ظَهْرُی» برخاست
وقتی که عمو جام شهادت نوشید

خورشیدِ دو دیده باز نم نم شده است
ارباب رسیده و محرم شده است

غلامرضا سازگار (میثم) در سال ۱۳۲۰ در شهر قم متولد شد. ایشان از ستایشگران و ذاکران اهل بیت علیهم السلام است و در کنار آن اشعار فراوانی برای انقلاب و شهدا سروده است. از جمله آثار ایشان می‌توان به مجموعه اشعار با نام «نخل میثم»، «مرآة الولاية» و «آتش مهر» اشاره کرد.



گشته صاحب‌عزا حضرت فاطمه
گه رَوْد قتلگاه، گه دَوْد علقمه

همه جا کربلاست، همه جانینواست
سِرِ پاک حسین، بر سر نیزه‌هاست

دیده تشنگان، گشته دریا همه
بهری دستی ساقی علقمه

حاجیان آمدند در وطن سربه‌سر
حاجی فاطمه شد کجا در به‌در؟

حاجیان عشق‌شان عرفات و مناست
حاجی فاطمه‌عازم کربلاست

حاجیان در حرم، ذکرشان، «یا الله»
حاجی فاطمه، گودی قتلگاه



صاحب‌عزا

حجت‌بن‌الحسن! ماه ماتم رسید
رخت ماتم پیوش که محرم رسید



بصیرت آخر الزمانی

شناخت راه‌های نفوذ دشمن، راه‌های تخریبی‌اش و راه‌هایی که ما را فریب می‌دهد یکی از مهمترین بخش‌های دشمن‌شناسی و حتی خودشناسی به شمار می‌آید. مبارزه با دشمن، یک نوع آماده شدن برای کمک به دوستان است. شناخت دوست و دشمن، شناخت راه حق و باطل و راه خیر و شر است. اگر نتوانیم دشمن را از دوست بشناسیم و اجازه ورود به آن بدهیم، دیری نخواهد گذشت که ما هم تبدیل به باطل و شر خواهیم شد. در این پرونده، سری به محصولات تولید شده غربی درباره آخر الزمان خواهیم زد، به دنیای تازه مسلمانانی که در دنیای غرب به اسلام پناه برده‌اند، می‌رویم، نمایی از فرقه‌های کاذب و منحرف غربی را آشکار خواهیم کرد و ...

درس گفتار

در محضر استاد اخلاق

یادداشت

دیپلماسی منتظرانه

یادداشت

عروج در آخر الزمانی زمینی

یادداشت

• اسلام در هالیوود • تاروت و فرقه‌های جادوگری

در محضر استاد اخلاق

دوراهکار برای غلبه بر نفس از زبان حضرت آیت الله مظاهری

در درون ما جنگی است که از نظر اسلام، جهاد اکبر نامیده می‌شود، بدین معنا که جنبه معنوی روح ما با جنبه حیوانی آن دائماً در مبارزه است و به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دشمن سرسخت درون ما «نفس اماره» است: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» یعنی: بالاتراز نفس اماره، دشمنی نداریم.

مراد از نفس اماره همان بعد حیوانی انسان است که به آن تمایلات و غرائز هم گفته می‌شود. فلاسفه به آن جسم می‌گویند و عرفا آن را بعد حیوانی و ناسوتی می‌نامند. این مبارزه همیشه هست. اگر کسی بتواند در این مبارزه پیروز شود و دشمن را اسیر، مهار و تعدیل کرده، می‌تواند به هر کجا که بخواهد برسد و سعادت دنیا و آخرت هم مرهون همین است که بتواند غرائز خود را تعدیل نماید.

البته غرائز را باید ارضا کرد، نفس را نمی‌شود کشت؛ نفس‌کشی، رهبانیت عزلت و امثال آن در اسلام ممنوع است، بلکه باید از آن کار کشید (مانند اسب چموش است، باید آن را دهنه کرد و از آن سواری گرفت. معنی پیروز شدن هم همین است؛ یعنی اسیر کردن نفس اماره، تمایلات و غرایز) و اگر به عکس شد یعنی در این جنگ مغلوب شدیم و یکی از تمایلات توانست بر ما، یعنی بر آن بعد معنوی ما غلبه کند، شقاوت دنیا و آخرت، معلول این غلبه است. اگر یکی از غرایز بر ما پیروز شد و عقل ما را اسیر نموده و آن را کنترل کرد، خواه ناخواه عقل ما تابع جنبه حیوانی



ما می‌شود و اگر چنین شد به قول قرآن شریف، انسان از هرسگ درنده‌ای هم برای خود و هم برای جامعه‌اش درنده‌تر خواهد بود: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ».

بر عقل، مقدم است. اگر این جهاد درون را به حال خود باقی بگذاریم، یقین داشته باشید که همیشه مغلوبیم؛ از یک طرف جنگ عاطفه و عقل است، از طرف دیگر معمولاً وقتی مبارزه شروع می‌شود، عاطفه طوفانی است و عقل طوفانی نیست. اصولاً عقل، هیچ وقت طغیان و طوفان ندارد؛ غریزه جنسی طوفان دارد و اگر طوفان کرد، طغیان کرد، قرآن شریف می‌فرماید که بگو: پناه می‌برم به خدا. حرف در این است که چه کنیم تا در چنین مبارزه‌ای پیروز شویم؟

باید از خارج کمک بگیریم؛ باید از خارج نیرو بیاید و اول چیزی که بایستی به آن توجه داشته باشیم این است که کاری کنیم که همیشه مورد لطف و عنایت خدا باشیم، دست خدا همواره روی سرمان باشد و اگر پروردگار عالم، آنی ما را به خود ما واگذارد، بیچاره‌ایم.

• چه باید کرد که پروردگار عالم ما را به خودمان واگذارد تا مخصوصاً در آن جهاد اکبر مغلوب نشویم؟ و چه باید کرد که در آن مبارزه پیروز شویم؟

گفتم که قرآن می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» به دو چیز اهمیت بدهید. وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ یعنی اگر می‌خواهی که در آن میدان پیروز شوی، باید نیرواز خارج بیاید. قرآن شریف در این آیه می‌فرماید: «دو چیز است، اول صبر، دوم نماز».



• چه باید بکنیم که همیشه پیروز باشیم؟

انسان خود به خود نمی‌تواند پیروز بشود؛ کار مشکلی است به خصوص این که غرایز، رنگ عاطفی دارد، رنگ احساسی دارد و معمولاً این‌طور است که احساس و عاطفه

دیپلماسی منتظرانه

بازخوانی نقش گفتمان انتظار در سیاست خارجی

• امیر محسن عرفان

دانشجوی دکترای تاریخ و تمدن اسلامی

طلیعه سخن

طی دوران اقتدار و سلطه بی‌منازع مدرنیته و سکولاریزم نقش دین و معنویت در افق مسایل فرهنگی، تمدنی، سیاسی و تاریخی انکار می‌شد. مدرنیته نمی‌خواهد و نمی‌پذیرد که دین در گردش امور و ترتیب کارها دخالت کند؛ یعنی در عقلانیت مدرنیته، سخن و قانون، سخن و قانون بشری است و هرچه ورای این باشد، بی‌اعتبار و اساطیری و مردود است. مدرنیته شهری است که بانیان آن، حتی اگر مانند «تامس مور» دین‌دار باشند و جان بر سر اعتقاد خود گذاشته باشند، برای دین، شأنی قائل نیستند و بعضی از آنان به طور صریح با دین مخالفت کرده‌اند. سیاست خارجی یکی از موضوعات اساسی در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است و نشان از نگرش، رویکرد، اهداف و اولویت‌های کشورها در عرصه بین‌المللی و روابط با سایر کشورها دارد. این در حالی است که الگو و فرایند شناختی و رفتار کشورها در تعیین اهداف و منافع، تنظیم روابط، تشکیل اتحاد و ائتلاف‌ها بسیار پیچیده است. مدرنیته نیز در عرصه سیاست خارجی، منکر نقش دین است. سخن از گفتمان انتظار و پیوند آن با سیاست خارجی در روزگار نهادینه شدن رویکرد سکولار در این عرصه، اهمیت چندانی می‌یابد.



ضرورت‌های سخن از دیپلماسی منتظرانه

• توجه به الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی

معنای اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی، صورت‌بندی یک «انگاره» و «رهیافت» متفاوت است؛ چرا که لازمه متصف شدن فرهنگ و تمدن اسلامی، برآمدن و برگرفتن مبانی و مبادی و روش‌ها و غایات و پاسخ‌های فرهنگی و تمدنی از متن معارف نظری و تفکر اسلامی است. این روند، فرهنگ و تمدن اسلامی را واجد هویت مستقل و متفاوتی از فرهنگ و تمدن سکولار می‌کند. یکی از گام‌های اولیه و اساسی در زمینه اندیشه‌ورزی در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی، رجوع به دین اسلام و تبیین فرهنگ معیار از نظرگاه اسلام است. خوانش مبسوط و ساختارمند نقش گفتمان انتظار در سیاست خارجی در این چارچوب و تلقی، معنا و ضرورت می‌یابد.

• هماهنگی سیاست خارجی با مبانی معرفتی

هماهنگی سیاست خارجی با مبانی معرفتی تشیع از جمله ضرورت‌های این بحث است. آنچه در این راستا مهم می‌نماید ایجاد هماهنگی میان مبانی هر جامعه با نوع دیپلماسی بین‌المللی است. در این میان، نظریه‌پردازان ارتباط میان مبانی معرفتی و اعتقادی موجود در فرهنگ جامعه را عامل پیدایش نظریه‌های لازم در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی می‌دانند.

• نظام معنایی و ارزشی انقلاب اسلامی

جمهوری اسلامی از شرایط ویژه‌ای برخوردار است که این شرایط، ضرورت بحث از دیپلماسی منتظرانه را دو چندان

می‌سازد. به دلیل رخداد بی‌نظیر انقلاب اسلامی ایران در جهان دین‌گریز و بلکه دین‌ستیز قرن بیستم، نشانه بحرانی جدی در جریان سکولاریزه نمودن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌رود. هر چند فوری‌ترین اثر پیروزی انقلاب اسلامی تغییر نظام سیاسی بود، اما روشن است که بدون پایه‌ها و مبانی فکری متقن و استوار، وقوع چنین تحول عظیمی ناممکن بود. به دیگر سخن، انقلاب فکری مقدمه و زیربنای قیام ملت ایران علیه نظام استبدادی شاهنشاهی است؛ بدیهی است که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز این تحول فکری رو به گسترش، بستری برای رشد و شکوفایی هر چه بیشتر را طلب کند. چالش‌های فکری و فرهنگی برای نظام جمهوری اسلامی از مهم‌ترین آوردگاه‌های تقابل اندیشه پویا و مولد انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها محسوب می‌شود که واکاوی و برنامه‌ریزی خاصی نیاز دارد.

در حال حاضر نظام جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای اسلامی و حتی دیگر کشورهای مظلوم، مانند راهنمای قافله‌ای است که می‌خواهد کاروانی را از مسیری سخت برای رسیدن به مقصدی متعالی عبور دهد. بدیهی است این راهنمای قافله مسئولیت حفظ سلامتی خود را بر دوش دارد.

• تقابل با گفتمان سکولار در عرصه سیاست خارجی

حفظ هویت فرهنگی جامعه اسلامی و مقابله با فرایندهای جهانی‌سازی از دیگر ضرورت‌های توجه به پیوندهای دو سویه گفتمان انتظار و سیاست خارجی ایران است. گفتمان تجدد و مدرنیته به یک هژمونی بلامنازع در دنیای

و تن دادن به ذلت، بردگی و بندگی غیر خدا ضد ارزش است. در دیپلماسی منتظرانه، «قدرت» برای «حق» است نه اینکه «حق» برای «قدرت» باشد و طبیعی است که مسئولان سیاست خارجی چون مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌اندیشند، هیچ‌گاه حقی برای قدرتمندان، زورگویان و مستکبران قائل نیستند.

• مهندسی فرهنگ مقاومت در سیاست خارجی

ایستادگی در برابر هر امر ناملامی برای پیش برد هر هدفی لازم است. در حالی که حیات سیاسی اجتماعی اسلام توأم با درگیری با نیروهای شر، الحاد و نبرد میان خیر و شر و ایمان و کفر، مستمر است.

آموزه‌های دینی ما، راهبردهای کلانی را برای غلبه دائمی حق بر باطل به جامعه ارائه می‌دهند، این راهبردها مجموعه‌ای از باورها، اندیشه‌ها و الگوهای رفتاری است که به «فرهنگ مقاومت» تعبیر می‌شوند.

فرهنگ مقاومت در حوزه سیاست خارجی به معنای استقلال، عدم وابستگی به بیگانگان، پایداری در مقابل زیاده‌خواهی‌ها، عدم هراس از تهدیدها و نگاه کلان به ستیز تاریخی جبهه حق و باطل است.

• نهادینه‌سازی مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی

نظام‌های مختلف سیاسی بر اساس منابع مشروعیت خود و معتقدات سیاسی مربوطه، مسئولیت‌های مشخص و تعریف شده‌ای در خارج از مرزها دارند. نظام‌های غیر ایدئولوژیک و عمدتاً دموکراتیک در تراحم میان «منافع ملی» و «اقدامات فراملی» اولویت را به منافع ملی می‌دهند. در قاموس آنان اصل و هدف در سیاست خارجی در راستای

امروز بدل گشته است و مبتنی بر مبانی، اصول و اهداف خود به دنبال هماهنگی همه عرصه‌های حیات بشری است. تمدن لیبرال دموکراسی، صورت تمدنی جدیدی است که تفاوت جوهری با صورت‌بندی‌های تمدنی در تاریخ گذشته بشریت دارد.

این تمدن با شتاب سرسام‌آور به تولید علوم، ساختارها و محصولات تمدنی خود در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مبتنی بر مبانی اساسی همچون اومانیزم و سکولاریسم پرداخت و تا آنجا پیش رفت که به تمدنی بلامنازع در دنیای امروز بدل گردید؛ نه تنها در مغرب زمین، بلکه با داعیه آخرین تمدن تاریخی بشری در پی ساخت جهانی مبتنی بر ارزش‌ها و دستاوردهای تمدنی خود برآمد و جهانی‌سازی را در دستور کار خود قرار داد.

کارکردهای پیوندهای دو سویه «گفتمان انتظار» و «سیاست خارجی»

• حفظ عزت، کرامت و استقلال جامعه اسلامی

حفظ عزت، کرامت و استقلال جامعه اسلامی، اصلی ثابت و تغییرناپذیر و غیرقابل چشم‌پوشی در عرصه سیاست خارجی است. به این معنا که اگر دولت اسلامی مبنای روابطش را با دیگر کشورها بر مدار مصلحت تنظیم کند، مصلحتی است با رعایت و حفظ عزت اسلامی. دولت اسلامی در جامعه منتظر نمی‌تواند مصلحت را در برقراری صلح با دولت دیگری ببیند که عزت و استقلال جامعه اسلامی در پرتوی آن زیر پا گذاشته می‌شود. در گفتمان انتظار، عزت و آزادگی فرد و جامعه یک ارزش



به هر روی گفتمان انتظار، سکولاریزم و اصول بنیادین آن را در عرصه سیاست خارجی با چالش جدی مواجه می‌سازد؛ زیرا که:

۱. از نظرگاه اسلام، دولت اسلامی بر مبنای تلفیق و درهم تنیدگی اقتدار سیاسی و مذهبی شکل می‌گیرد و عمل می‌کند به گونه‌ای که حاکمیت ملی در طول حاکمیت الهی اعمال می‌شود.

۲. براساس گفتمان انتظار، دولت اسلامی علاوه بر پیگیری منافع ملی درصدد تحقق منافع فرا ملی نیز می‌باشد.

۳. در چارچوب نظام سیاسی، اجتماعی اسلامی، تنها واحد سیاسی، اخلاقی و مرجع وفاداری سیاسی، ملت، دولت سکولار نیست که امنیت و رفاه آن بر کلیه بازیگران و واحدهای سیاسی مرجع و مقدم باشد، از این رو، اولاً، مهم‌ترین معیار و عامل هویت و وفاداری سیاسی، اسلام است که مسلمانان به آن توسل می‌جویند. ثانیاً، حفظ موجودیت اسلام و تأمین...

منافع ملی است اما در دولت اسلامی که افزون بر تعهدات ملی، خود را در برابر اهداف بلند مکتب اسلامی متعهد می‌داند، در راستای تعقیب منافع ملی همواره به رسالت ایدئولوژیک خویش که مسئولیت و وظایفی را در سیاست خارجی بر دوش آن نهاده است، می‌اندیشد.

در دیپلماسی منتظرانه از آنجا که سیاست خارجی در چارچوب گفتمان انتظار تفسیر می‌شود، به تقسیمات جغرافیایی موجود، توزیع قدرت و هنجارهای حاکم بر سیاست بین‌الملل، اعتراض می‌شود؛ زیرا ایدئولوژی بر اساس ارزش تعریف می‌شود و ارزش‌ها و بایدها و نبایدها را مطرح می‌کند و به مرزها محدود نمی‌شود.

بنابراین دفاع و حمایت از مسلمانان و تلاش برای تحقق امت واحده اسلامی از جمله اهداف بلندمدت دیپلماسی منتظرانه است، در حالی که برخی از دولت‌ها برای دستیابی به منافع ملی خویش به هر ابزار و استراتژی متوسل می‌شوند.



عروج ناگهانی در آخرالزمان زمینی

• محمد رضا عابدی شاهرودی

سریال بازماندگان، محصول ۲۰۱۴ شبکه اچ بی او، با اقتباس از روی رمانی به همین نام نوشته تامی پروتا، توسط خود نویسنده با همکاری دیمن لیندلوف ساخته شد که تا به

مهم نیست چه کسی به آخرالزمان و وقوع آن باور دارد یا ندارد، مهم این است که در هنگام روبرو شدن با این واقعه، چه واکنشی به آن نشان می‌دهد. آماده بودن یا آماده نبودن برای این واقعه بزرگ، مهم‌ترین نقش را در این ماجرا بر عهده دارد. شوک اصلی، جایی است که آخرالزمان آمده است ولی ما بدون آمادگی با آن روبرو شده‌ایم. آن وقت است که همچون شخصیت‌های سریال بازماندگان، توانایی روبرو شدن با آن را نداریم و مجبور به فرار از آن خواهیم شد.



حال، فصل اول آن با عنوان پربیننده‌ترین فصل، چیزی نزدیک به دو میلیون نفر (در اپیزود نهم این سریال ده اپیزودی) پخش شده است. ستارگانی همچون جاستین تروکس، لیو تایلر و ایمی برنمن در یکی از مهم‌ترین سریال‌های ساخته شده در بازار تلویزیونی آمریکای شمالی، حضور داشته‌اند.

بازماندگان در همان دقایق اولیه اپیزود اول خود، همه چیز را درباره ادامه داستان می‌گویند. ۱۴ اکتبر، یک روز مثل هر روز دیگری در حال آغاز شدن است. مادری که فرزند تازه به دنیا آمده‌اش مدام گریه می‌کند و او خسته از انجام کارهای روزانه، نمی‌داند که باید چگونه او را ساکت کند. در همین حال، ناگهان همه چیز اتفاق می‌افتد؛ صدای نوزاد، قطع می‌شود و وقتی مادرش به سمت او نگاه می‌کند، دیگر او را نمی‌بیند. صدای جیغ و فریاد و کمک از همه شهر بلند شده است. اتفاقی که افتاده این است که ناگهان دو درصد جمعیت کره زمین، دفعتاً ناپدید شده‌اند و کسی نمی‌داند که کجا هستند. دو درصد به نسبت جمعیت هر کشور در کره زمین که آمارش در سریال با آمار گمشدگان در ایران، آغاز می‌شود و سپس آمار کشورهای دیگر گفته می‌شود. اکنون اینجا بازماندگانی هستند که سومین سالگرد ۱۴ اکتبر را پیش رو دارند، درحالی‌که زندگی همه‌شان دستخوش تغییر شده است. در سومین سالگرد عروج ناگهانی دو درصد از جمعیت کره زمین، شخصیت‌های متفاوتی در کنار هم زندگی می‌کنند. کوین گاروی (جاستین تروکس)، پلیسی که یک پسر و یک دختر نوجوان دارد و پدرش که قبل از او رئیس پلیس شهر بوده، دیوانه شده است، همسرش لوری (ایمی برنمن) به یک فرقه جدید به نام بازماندگان گنهکار

پیوسته که لباس‌های سفیدی می‌پوشند، همیشه سیگار می‌کشند و از همه مهم‌تر اینکه دیگر حرف نمی‌زنند. پسرش به دنبال یک مدعی پیامبری به نام وین یا وین مقدس رفته که ادعای شفای دردهای بشر را دارد و دخترش که دیگر نمی‌خواهد زندگی با او را ادامه دهد.

لحن سرد و خسته سریال همراه با موسیقی زیبای مکس ریتچر، تصاویر بسیار عمیق و میخکوب‌کننده‌ای از یک جامعه، ارائه می‌کند که در حال نزدیک شدن به یک آخرالزمان زمینی است. در این سریال علی‌رغم اینکه همه شخصیت‌ها می‌خواهند در ظاهر، نشان بدهند که همه امور، مرتب است اما در واقع همه چیز، هر لحظه به نابود شدن نزدیک می‌شود.

بازماندگان، زندگی‌های متعددی را که هر کدامشان در ارتباط با هم هستند، دنبال می‌کنند. زندگی‌های فرو ریخته‌ای که بعد از عروج ناگهانی ۱۴ اکتبر، هر کدام به یکدیگر وصل شده‌اند. زندگی‌هایی که عذاب و درد و رنج پایان‌ناپذیری بر آن سایه انداخته، طوری که حس زندگی و زنده بودن در آن هر لحظه در حال کم‌رنگ شدن است. شخصیت‌هایی که در آستانه فروپاشی هستند. مرز میان واقعیت و خیال در حال از هم پاشیدن است و دیگر تفاوتی میان دیوانگان و عاقلان وجود ندارد.

بازماندگان به سه نکته مهم در ساختار جامعه ایالات متحده اشاره دارند؛

۱. خانواده

۲. مذهب و دین و فرقه‌های جدید

۳. آخرالزمان

به یاد همه بیاورند که چه اتفاقی افتاده است. در بخش پایانی فصل اول، اعضای فرقه بازماندگان گنهکار، به خانه همه افرادی که کسی را از دست داده‌اند، می‌روند و یک نسخه‌بدل از فرد ناپدید شده را در خانه آنها به یادگار می‌گذارند. اقدامی که باعث یک شورش عمومی در شهر می‌شود. بازماندگان داغدار که از دیدن نسخه‌بدل کسانی که از دست داده‌اند، ناراحت و عصبانی شده‌اند، به سمت اعضای فرقه حمله می‌کنند. اما به جز فرقه بازماندگان گنهکار، پای یک مدعی پیامبری هم به این ماجراها کشیده شده است؛ وین یا وین مقدس، که ادعا دارد می‌تواند دردهای بازماندگان را شفا بدهد. به همین دلیل، افراد بسیاری از جمله نمایندگان کنگره هم به او مراجعه می‌کنند. وین، دختران بسیاری را در خدمت دارد و با این وعده که هر کدامشان می‌توانند نجات دهنده را به دنیا آورند، با همه آنها رابطه نامشروع برقرار می‌کند. دختران بارداری که هر کدام فکر می‌کنند فقط خودشان از وین مقدس، صاحب فرزند خواهند شد.

۳. تفکر آخرالزمانی که انگار دنیا رو به پایان است و دیگر هرگز هیچ چیزی مثل سابق نخواهد شد. کشیشی که سعی می‌کند هم اعضای فرقه بازماندگان گنهکار را نجات بدهد و آنان را وادار به حرف زدن بکند، هم کلیسایش را حفظ کند و هم ایمان خود و دوستانش را دوباره به دست آورد. گناه و بخشش، عناصر اصلی این آخرالزمان مسیحی می‌باشند. شخصیت‌ها و زندگی‌هایی که همواره میان این دو عنصر، گناه و بخشش، در حال حرکت هستند. فیلم بازماندگان هر چند که در انتهای فصل اول، سوالات



سه عنصری که در بازماندگان نقش اصلی را برعهده دارند:

۱. کوین گاروی که پیش از اتفاقات ۱۴ اکتبر، قصد ترک کردن خانواده خود را داشته، حالا باید با همه وجود سعی کند که خانواده‌اش را در کنار هم نگه دارد. نورا، زن میان‌سالی که با شوهر و دختر و پسرش زندگی می‌کند و ناگهان در یک لحظه همه آنها را از دست می‌دهد و حالا باید با فقدان از دست دادن همه زندگی و خانواده‌اش کنار بیاید. مگ (لیو تایلر) دختر جوانی که در آستانه ازدواج کردن قرار دارد اما همه چیز را خراب می‌کند تا بتواند به فرقه بازماندگان گنهکار بپیوندد.

۲. بعد از اتفاقات ۱۴ اکتبر، انواع و اقسام فرقه‌های جدید شکل گرفته‌اند که هر کدام مدعی نجات بشر هستند. مهم‌ترینشان، فرقه بازماندگان گنهکار است که سعی دارند

آماده نبودن برای این واقعه بزرگ، مهم‌ترین نقش را در این ماجرا برعهده دارد. شوک اصلی، جایی است که آخرالزمان آمده است ولی ما بدون آمادگی با آن روبرو شده‌ایم. آن وقت است که همچون شخصیت‌های سریال بازماندگان، توانایی روبرو شدن با آن را نداریم و مجبور به فرار از آن خواهیم شد.



بسیاری را بدون پاسخ می‌گذارد اما حداقل این امید را به بینندگان خود می‌دهد که زندگی هنوز ادامه دارد. نورا که دیگر نمی‌تواند خود را به فراموشی بسازد، زمانی که با اقدام فرقه بازماندگان گنهکار که نسخه بدل بچه‌ها و شوهرش را در خانه او گذاشته‌اند، روبرو می‌شود تصمیم می‌گیرد که همه چیز را بگذارد و از این شهر برود. اما قبل از آنکه بخواهد برای همیشه برود به منزل کوین گاروی می‌آید تا با او خداحافظی کند. در همین جا و در سکانس پایانی، با یک نوزاد تازه به دنیا آمده روبرو می‌شود. نوزاد را آغوش می‌گیرد و با دیدنش شروع به لبخند زدن می‌کند و زندگی این‌گونه دوباره برای او آغاز می‌شود.

آخرالزمان، چه دور باشد به ما و چه نزدیک، چه ما آن را ببینیم و چه نبینیم، اما در همه حال به ما احاطه دارد. نزدیک بودن به آخرالزمان، نزدیک بودن از نظر زمانی و مکانی نیست بلکه به معنای احاطه داشتن آن به ما و به زندگی‌مان است. برای انسان‌هایی که آخرالزمان را از خودشان بعید و دور می‌دانند، زندگی در فراموشی، سپری می‌شود. این افراد بیشتر به یک نهیب نیاز دارند که دوباره به یاد آورند، به یاد آورند که آخرالزمان نزدیک است و به آنان احاطه دارد. می‌گویند پیش از رستاخیز مسیح و طبق پیشگویی‌های انجیل، دو درصد از جمعیت دنیا به ناگهان در زمین محو خواهند شد و یک عروج ناگهانی را تجربه می‌کنند. در تفکر مسیحی، یهودی، این آخرالزمان نزدیک است حتی نزدیک‌تر از آن چیزی که ما به آن فکر می‌کنیم. مهم نیست چه کسی به آخرالزمان و وقوع آن باور دارد یا ندارد، مهم این است که در هنگام روبرو شدن با این واقعه، چه واکنشی به آن نشان می‌دهد. آماده بودن یا



اسلام در هالیوود

معرفی تازه مسلمانان

• شیمای پراکنده

شمار می‌روند. رشد گرایش به اسلام نسبت به دهه‌های گذشته در اروپا و آمریکای شمالی، با یک رشد بسیار تند در حال شتاب گرفتن است. در این قسمت به یکی از موفق‌ترین چهره‌های برجسته تازه مسلمان، خواهیم پرداخت.

سال ۱۹۹۵ یکی از بهترین اقبال‌های اسکار آن سال، به روی پرده سینماهای آمریکای شمالی رفت. عقل و احساس، ساخته انگ لی و همراه با ستارگانی همچون اما تامپسون، کیت وینسلت، هیو گرانت، جین آستین. اما در کنار این ستارگان بزرگ، یک بازیگر کودک هم بازی می‌کرد به نام مریم فرانسوا. بازیگر کودکی که به نظر بسیاری از

بر خلاف آنچه که در رسانه‌های غربی در حال تبلیغ است، چهره اسلام هر روز بیشتر از گذشته در جوامع غربی خودش را نشان می‌دهد و افراد بیشتری به سمت اسلام متمایل می‌شوند. این افراد که با تصمیم و اراده شخصی خودشان، اسلام را بر می‌گزینند، از میان بازیگران، خوانندگان، هنرمندان، دانشگاهیان و افراد متخصص جوامع غربی به

کسی که تو را ترک کرده، نیکی طلب کردن برای کسی که برای تو بدی خواسته و گفتن حقیقت حتی اگر به ضرر تو باشد از جمله نکات برجسته اسلام است. مریم فرانسوا که در سال ۲۰۱۳ دکترای خود را از دانشگاه آکسفورد گرفته است با سفر به مناطق مختلف و کمک به مسلمانان، هر روز بیشتر از گذشته نقش خودش را به عنوان یک فعال مسلمان، ایفا می‌کند.



کارشناسان، یکی از بخت‌های بزرگ بازیگری در آینده بود. ماجرای مریم فرانسوا به همین جا ختم نشد. مریم فرانسوا که در سال ۱۹۸۳ به دنیا آمده بود، در سال ۲۰۰۳ هالیوود را بیشتر تحت تأثیر قرار دارد. بازیگری که بسیاری او را آینده بازیگری هالیوود می‌دانستند. نزدیک به دو دهه بعد، تبدیل به یکی از زنان مسلمان با حجاب اسلامی شده بود و در اکثر برنامه‌های تلویزیونی اروپایی و آمریکایی، به دفاع از حجاب زنان و اسلام می‌پرداخت.

مریم فرانسوا در حال حاضر، یک نویسنده و یک روزنامه‌نگار در حوزه زنان و اسلام است. یکی از برنامه‌های همیشگی او، شرکت در مناظرات برنامه‌های تلویزیونی است. او دین اسلام را درخشش عدالت اجتماعی می‌داند و این مورد را علت گرویدن خود به اسلام معرفی می‌کند. او در این باره در یک گفتگوی تلویزیونی می‌گوید: فهمیدم که در راهی که به سوی اسلام برگزیدم عدالت اجتماعی در شخصیت مسلمانان پایه‌گذاری شده و نیروی عظیم این عدالت نیز جزوی از وجود من شد. عوامل بسیاری باعث شد تا این تغییر را در خود ایجاد کنم و یکی از آنها کشش من به مطالعه زندگی پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، بود و باور دارم او یکی از مظاهر درک نشدنی تاریخ است.

وی ادامه می‌دهد: از طریق مطالعه تفکرات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دریافتم که ایشان مظهر عدالت و برابری در میان جامعه مسلمانان بوده‌اند. خداوند، عدالت را دوست دارد و همه مسلمانان اعمالشان را بایستی به سمت احترام به عدالت، محوریت بخشند.

وی در اشاره به برخی از احکام و دستورات اسلام اشاره می‌کند: بخشش کسی که به تو بدی کرده، وصل شدن به

تاروت و فرقه‌های جادوگری

معرفی فرقه‌های جدید غربی که در ایران نفوذ کرده‌اند.

• زهره عباسی

کف‌بینی و فال قهوه، دیگر فال‌های مد روز نیستند؛ حداقل نه در میهمانی‌ها و پارتی‌های بالای شهر. در آنجا، نوع دیگری از کف‌بینی و فال قهوه، رواج دارد که هم هیجان بیشتری دارد و هم خطرناک‌تر است. تفریحی که به اندازه هیجانش، هزینه و پول هم نیاز دارد تا بتوانید به چرخه‌اش قدم بگذارید و یکی از عوامل این به بازی گرفتن قسمت و سرنوشت باشید. در خیابان‌های بالای شهر، مراسم فال تاروت در یک اتاق تاریک برگزار می‌شود. جایی که جادوگر یا ارباب، مخاطبان را به یک چرخه سیاه دعوت می‌کند و بعد برای هر کدام با توجه به نیاز و خواسته‌ای که دارند، فال می‌گیرد.

اما این تنها یک بخش از ماجرای فال‌گیری در خیابان‌های بالای شهر است. ماجرا بسیار پیچیده‌تر از یک فال‌گیری ساده است. پشت پرده این اتاق‌های تاریک که در حال تبدیل شدن به یک تفریح برای ثروتمندان است، ترویج یک فکر انحرافی و کاذب وجود دارد. ترویج فرقه‌های انحرافی و کاذبی که به جای دین الهی به عنوان پاسخگوی نیازهای فردی و جمعی انسان‌ها در زندگی‌شان به کار گرفته می‌شوند. در اینجا دیگر نیازی به خدا نیست، ارتباط با تاروت کافی است که انسان بتواند زندگی‌اش را، گذشته و آینده‌اش را در کنترل خودش درآورد. بله، تاروت این قدرت را



به شما هدیه می‌دهد، یا حداقل برای شما این توهّم را به وجود می‌آورد که می‌توانید زندگی، گذشته و آینده خودتان، نزدیکانتان و حتی کسانی را که تا به حال ندیده‌اید، کنترل کنید.

تاروت یا فال تاروت، تاروت کبیر، تاروت صغیر، تاروت تحوت، تاروت کائنات، تنها بخشی از نام‌های این تفریح جدید است که ریشه در فرقه‌های جادوگری اروپا، بعد از رنسانس و در ابتدای قرن بیستم در انگلستان دارد. دقیقاً معلوم نیست که برای اولین بار چه زمانی تاروت وارد ایران شده است، اما این احتمال وجود دارد که مستشرقان غربی در دوران قاجار، آن را برای اولین بار به ایران وارد کرده باشند و بعدها در زمان مشروطه و تشکیل لژ فراماسونری بیداری در ایران و سپس در دوران پهلوی اول، تاروت دیگر در میان قشری از جامعه ایرانی، رواج یافته باشد. این احتمال وجود دارد که تاروت، یک تفریح خاص برای درباریان و اشراف‌زادگان بوده باشد و احتمال قوی‌تری وجود دارد که بر اساس فال‌های آن، تصمیماتی نیز اتخاذ شده باشد. برای اینکه بیشتر درباره این فرقه‌های جادوگری بدانیم، ابتدا به خود تاروت خواهیم پرداخت.

تاروت بعد از دوران قرون وسطی و رنسانس در اروپا و خصوصاً در ایتالیا و فرانسه، به وجود آمد. از تاروت در آن زمان برای پیشگویی آینده استفاده می‌شد و گمان بر این بود که تاروت، با نیروهای جادویی در ارتباط است. تاروت هم توسط جادوگران و هم توسط نهان‌جویان یا رازورزان یعنی کسانی که به دنبال علوم خفیه و سری هستند، همواره مورد تعقیب قرار داشته است. با این حال، گمان می‌رود که ریشه تاروت، به مصر باستان بازمگردد و طبیعی است که



سر و کله‌اش در کابالا و تصوف پنهانی یهود هم پیدا شود. تصوف پنهانی یهودی یا کابالا، یکی از شاخه‌های علوم خفیه و سری یهود است که به تاریخ جادوگری یهود و قوم بنی اسرائیل و رازهای آن اشاره دارد.

تاروت از ۴ دسته خال که هرکدام شامل ۱۰ کارت شماره‌دار (از آس تا ۱۰) و ۴ کارت تصویردار است، تشکیل می‌شود. به علاوه تاروت دارای ۲۱ خال حکم متمایز و یک کارت به نام دلک نیز می‌باشد (بسته به نوع بازی، دلک می‌تواند نقش بالاترین حکم را داشته و یا اصلاً نقشی نداشته باشد). نهان جویان خال‌های حکم و دلک را «بزرگ‌آرکانا» و نیز باقی کارت‌های یادشده را «کوچک‌آرکانا» نامیده‌اند. هر چند در طول تاریخ، کارت‌های متعدد با خال‌های متفاوتی و نوع بازی‌های بیشتری به وجود آمده است.

در مورد واژه تاروت، اختلاف بسیاری وجود دارد. برخی آن را برگرفته از نام رودخانه «تارو» در شمال ایتالیا می‌دانند. برخی آن را برگرفته از واژه عربی «طُرُق» به معنی راه‌ها می‌دانند و برخی ریشه‌اش را فرانسوی و به معنای طرح و نقشه اعلام می‌کنند. هر چند تاروت در هر فرهنگ و سرزمینی، معنای نامی متناسبی با همان فرهنگ و سرزمین پیدا کرده است.

عده‌ای هم بر این اعتقاد هستند که تاروت، به دو فرشته‌ای که نامشان در قرآن ذکر شده، یعنی هاروت و ماروت، اشاره دارد، یعنی همان فرشتگانی که در عهد سلیمان حضور داشتند. در همان دورانی که نسل بشر به جادوگری و علوم جادویی و خصوصاً فراگیری آن از طرف ابلیس و شیاطین، علاقه نشان داده بود. بر طبق این دیدگاه، تاروت، همان جادویی بود که در عهد سلیمان، رواج یافته بود.

با این حال، تاروت بیشتر از گذشته در اوایل قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت و به شهرت امروزی خود رسید. در جایی که جادوگر و رازورز انگلیسی یعنی «آلیستر کرولی» به آن علاقه نشان داد و کتاب تحوت و تاروت تحوت را برایش به نگارش درآورد.

درباره شخصیت آلیستر کرولی نظرات متفاوتی وجود دارد. او خود مدعی پیامبری در عصر جدید بود. آلیستر کرولی ادعا داشت زمانی که با همسرش در قاهره به سر می‌برد، فرشته‌ای به نام آیواس بر او ظاهر شد و کتاب شریعت را بر او قرائت کرد. از آن به بعد، آلیستر کرولی در حالی که دین جدید خودش را تلمذ می‌نامید، به گسترش این دین و مریدانش پرداخت و دیری نپایید که در سراسر اروپا و خصوصاً در انگلستان، طرفداران بسیاری پیدا کرد که به علوم جادوگری او علاقه بسیاری نشان می‌دادند. سازمان معبد شرق، سازمان ستاره نقره‌ای و سازمان هرمسی طلوع طلایی، تنها گوشه‌ای از فرقه‌های ساخته شده توسط آلیستر کرولی و مریدانش در ترویج جادوگری است.

آلیستر کرولی در یکی از مهم‌ترین اقدامات خودش، به همراه یکی از مریدان طراحش به نام فریدا هریس، کارت‌های تاروت تحوت را به وجود آورد و یک کتاب نیز راجع به آن نوشت. تحوت، نام خدای خردمندی در مصر است که کتابی به نام لوح زمردین به او ارتباط داده می‌شود. کتابی که در شهر مردگان دفن شده و رمز حیات بشر و حیات جاودانه در آن آمده است. آلیستر کرولی، تاروت تحوت را یک پل یا یک در به سمت آن دانش گمشده می‌دانست و سعی در ترویج آن داشت.

امروزه اکثر فرقه‌هایی که بر پایه جادوگری و یا نهان ورزی به

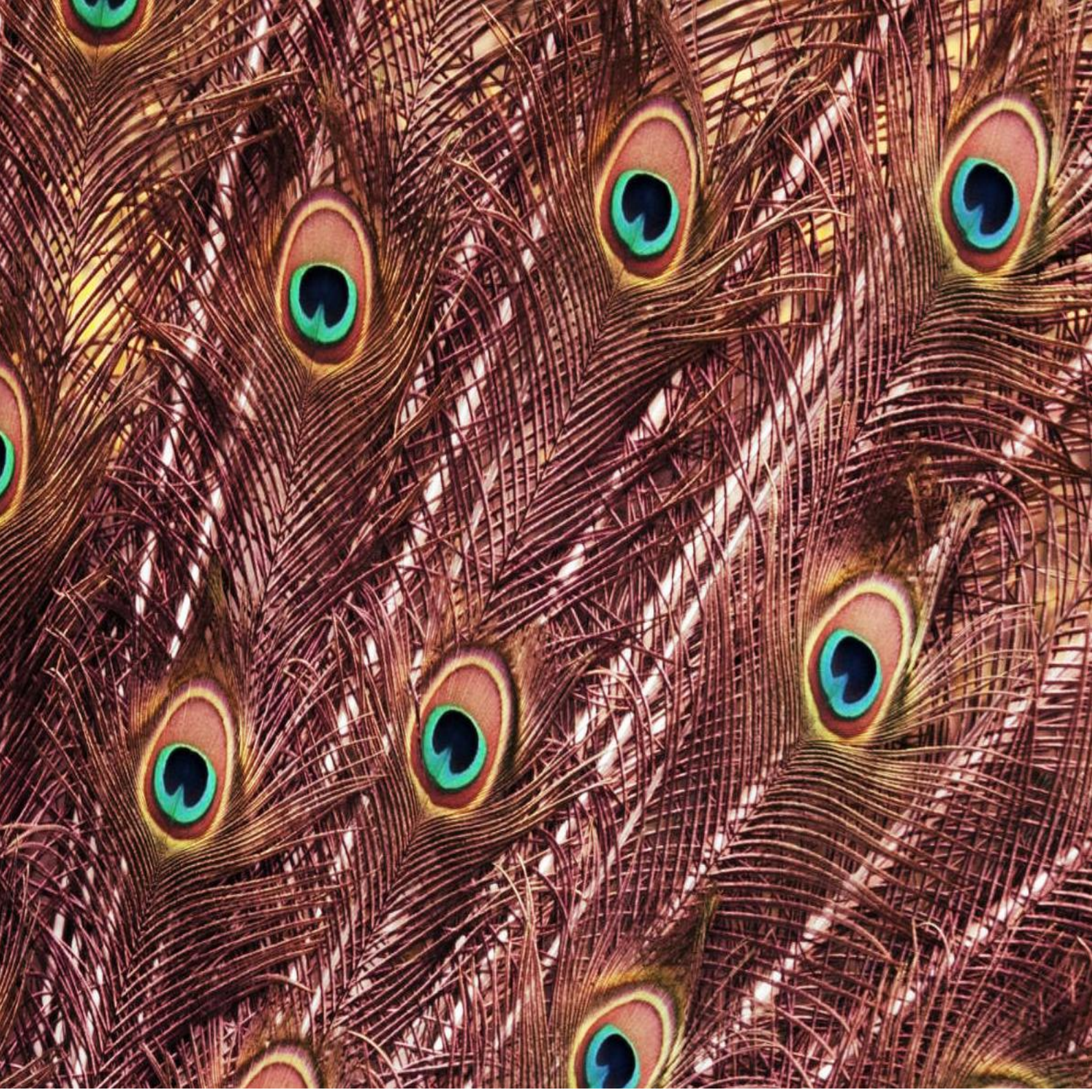


ازای گرفتن مبلغی بسیار زیاد، حاضر است گذشته و آینده آنها را تغییر بدهد و برایشان از رازهایی بگوید که هیچ‌کسی از آن آگاه نیست.

تاروت، فقط چند ورق، فال نیست. تاروت، یک راه است، یک فرقه است. یک حربه برای کشاندن انسان‌های جاهلی است که به دامش می‌افتند و همه آنها این قانون تاروت را به خوبی می‌دانند. اینکه اگر کسی یک بار گرفتار تاروت شد و به آن قدم گذاشت، دیگر هرگز نمی‌تواند از آن خلاصی یابد و نجات پیدا کند. این مهم‌ترین قانون تاروت است...

وجود آمده‌اند، در ارتباط با تاروت، شکل گرفته‌اند. تصوف پنهانی یهود یا کابالا، تطبیق‌های بسیار دقیق و گسترده‌ای با سیستم تاروت دارد. همان‌طور که گفته شد، فرقه‌هایی نظیر طلوع طلایی، ستاره نقره‌ای و معبد شرق نیز بر اساس تاروت شکل گرفته‌اند.

تاروت در جامعه امروز ایران، یکی از راه‌های جدید فریب انسان‌های ساده‌ای است که با خرج هزینه‌ای بسیار زیاد، در صدد رسیدن به آرامش هستند. انسان‌هایی که دچار بی‌هویتی شده‌اند و حالا با یک چهره بزرگ شده به نام فال‌گیر تاروت که خودش را نماینده فرقه‌های جادوگری باستانی معرفی می‌کند، روبرو می‌شوند. جادوگری که به



مهدویت در شهر مقاومت

همزمان با بسیاری از زحمت کشانی که در حوزه مهدویت فعالیت می‌کنند، شعب مختلف بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در استان‌های گوناگون کشور، سهم عمده‌ای در تبلیغ و ترویج مفاهیم و معارف مهدوی دارند. عزیزان و دوستانی که بدون چشم داشت مالی، با وقت و هزینه شخصی خودشان، سعی می‌کنند که قدمی هر چند کوچک در راه اعتلای فرهنگ مهدوی بردارند. سربازان بی ادعای امام زمان که بدون توقع، در این راه قدم برداشته‌اند و حالا وظیفه ماست که در حد توانمان، بتوانیم گوشه‌ای از زحمات آنان را به علاقه‌مندان، نشان بدهیم. در پرونده این شماره، به سراغ شعبه دزفول رفته‌ایم و با آنان همراه شده‌ایم.

گفتگو

انتظار جاری

گزارش

سال ۱۳۹۳ در یک نگاه، یک سال تجربه



استان خوزستان

شعبه دزفول بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

مساجد شهرستان دزفول، فعالیتی در این زمینه انجام گردید. در ایام تابستان با هماهنگی‌هایی که با فرمانده وقت ناحیه بسیج مقاومت شهرستان دزفول، جناب سرهنگ حاج حسن فضیلت پناه، شد، دوره‌های مهدویت با شدت بیشتری در شهرهای تابعه نیز شروع شد. با توجه به استقبال خوبی که از مباحث مهدویت شد مسئولین محترم مرکز تخصصی مهدویت به خصوص حضرت حجت الاسلام والمسلمین شیخ محسن قرائتی به بنده امر فرمودند که در شهرستان دزفول یکی از شعبه‌های بنیاد فرهنگی

با سلام و خداقوت به خاطر تلاش‌هایی که در عرصه مهدویت انجام داده‌اید.

• بفرمایید از چه زمانی مسئولیت اداره بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود در شهر مقاوم دزفول را پذیرفته و در آغاز کار چه کارهایی انجام داده‌اید؟

سلام بر شما، از سال ۱۳۸۵ که آغاز ورودم به مرکز تخصصی مهدویت است هم با مباحث مهدویت آشنا شدم و هم با بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود و با برگزاری دوره‌های مقدماتی معارف مهدویت در



انتظار جاری

مصاحبه با مدیر بنیاد فرهنگی
حضرت مهدی موعود علیه السلام
شعبه دزفول

حجت الاسلام والمسلمین
محمدرضا زارع دزفولی



همراه بنده بوده‌اند. البته در ادامه کار نیز به خاطر استقبال خوب مردم متدین و ولایت‌مدار شهرستان دزفول از مباحث معارف مهدویت و همچنین به دلیل افزایش نیاز به اساتید، در راستای تربیت مربی مهدوی، کارگاه آموزشی معارف مهدویت را برای طلاب و فضای حوزه علمیه راه‌اندازی نمودیم. در آموزش و پرورش نیز معلمان خواهر از این طرح، استقبال کرده و حاصل این شد که هم اکنون حدود ۲۰ مربی آماده برگزاری کلاس‌های مهدویت هستند و در مواقع نیاز، علم آن‌ها به کار گرفته می‌شود. هم‌اکنون نیز با



باشد در این راستا با برادران عزیز خودم آقایان رضا مرساقیان (کارشناس برنامه‌ریزی آموزش) و عبدالامیر مطیع‌الرسول (که سابقه بالای ۳۶ سال خبرنگاری و نیز سابقه مدیریت چندین ساله در صدا و سیما را دارند) و همچنین آقای ماشاءالله مقامیان (که سابقه چندین ساله تولید برنامه در رادیو شهری را دارد) دعوت به عمل آمد و البته دوستان جوان دیگری نیز مخلصانه در این بنیاد مشغول به کار شدند. به حمدالله مجموعه اداری بسیار خوبی گردآوری شده است که از شروع فعالیت‌های مهدوی،



حضرت مهدی موعود علیه‌السلام به طور رسمی، تأسیس گردد، لذا با مشورتی که با امام جمعه محترم حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدعلی قاضی دزفولی، صورت پذیرفت محل و نیازمندی‌های اولیه تهیه و طی جلسه‌ای رسمی با حضور تعدادی از مسئولین فرهنگی، افتتاح گردید.

• نحوه جذب نیروی انسانی موردنیاز برای پیش برد اهدافتان چگونه بود؟

از آنجایی که کار اداری بایستی از نیروهای متعهد و مومن و کارآموده



بر آن با هماهنگی که با گروه‌های سایبری دزفول شده است تولیدات صوتی و تصویری بنیاد دزفول پخش خواهد شد. همچنین توانسته‌ایم به مدت یک سال و نیم برنامه خوب سپیده انتظار که روزهای پنجشنبه صبح پخش می‌شود، عامل خوبی در بحث کارشناسی آن داشته باشیم. سپس دومین برنامه را با نام: جمعه در انتظار در سال ۱۳۹۴ آغاز کنیم که در حال پخش می‌باشد. البته در مناسبت‌های مربوط به امام زمان نیز در برنامه‌های متنوع از کارشناسان مجرب استفاده نموده و در نشر معارف مهدویت به سمع شنوندگان رسیده است.



مختلف دینی و پاسخ به شبهات، و نیز مداحان ارزنده و قاریان برجسته شهرستان بر آن شدیم تا از این عزیزان استفاده نموده و در راستای نشر معارف اهل بیت بالاخص امام زمان (عج) برنامه‌های نوضبط گردد و در مناسبت‌های مذهبی عرضه شود. بخاطر وجود رادیو بومی شهری دزفول، این اتاق ضبط می‌تواند پشتوانه بسیار خوبی در راستای خدمت به رادیوی دزفول باشد در همین راستا به برخی کارهای انجام شده مثل تولید کلیپ‌های صوتی مذهبی و مهدوی و نیز درباره شهدا و غیره می‌توان اشاره کرد که در آینده به نشر محصولات رسانه‌ای به صورت تصویری نیز اقدام خواهد شد. علاوه



تعامل خوبی که با آموزش و پرورش شهرستان شد دوره‌های مقدماتی معارف مهدویت در مدارس، انجام گرفته که در سال تحصیلی آینده با گستردگی بیشتری نسبت به قبل روبه‌رو هستیم و مریبان بومی، مدیریت این کلاس‌ها را به عهده خواهند داشت. البته بیشترین دوره‌های ما در قالب طرح شجره طیبه صالحین بسیج اجرا می‌شود.

• درباره فعالیتهای اتاق استودیوی ضبط که جدیداً در بنیاد دزفول تأسیس نمودید برایمان توضیح دهید؟

با توجه به استعداد خوب طلاب و فقهای محترم در زمینه مباحث



• شیوه و روش شما برای پیشبرد فعالیت‌های بنیاد چیست؟

روش ما در این زمینه چنین بوده که هر کار و فعالیتی را از پیش برنامه‌ریزی دقیق نموده‌ایم، سپس با برخی خیرین یا ادارات فرهنگی مذاکره و تعامل نموده و با سهمیم نمودن آنها در بخشی از کار اقدام به آن فعالیت نموده‌ایم، که این روش باعث انگیزه و مساعدت و همکاری آن اداره گردید و بخشی هزینه‌های جاری را نیز به عهده گرفته‌اند.

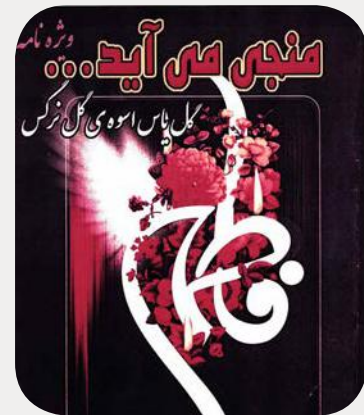
• ممنونم از اینکه وقت خود را در اختیار نشریه امان گذاشتید.



توزیع مجلات امان و سه یک سه و آفتاب و برگزاری برخی مسابقات مهدوی در مدارس و مساجد و ...

• امکاناتی که در این بنیاد ایجاد شده است از چه طریقی تهیه و پشتیبانی می‌شود؟

مکان فعلی و برخی از امکانات توسط امام جمعه محترم شهرستان دزفول آقای حجت الاسلام والمسلمین قاضی دزفولی تهیه شده و نیز به خصوص جذب خیرین محترم که به حسب اعتماد و اعتقاد به امام زمان (عج) به نیت اموات به صورت باقیات الصالحات به این امر خداپسندانه اقدام می‌نمایند. قطعاً توجهات و عنایات امام زمان (عج) به این خیرین محترم است.



• درباره تولیدات فرهنگی و توزیع آنها توضیحاتی فرمایید؟

این نهاد تا حال توانسته تولیدات زیادی را منتشر کند که برخی از آنها عبارتند از: ده‌ها مقاله و بروشور در مباحث مهدویت. سی دی های مولودی خوانی امام زمان (عج) که در شب نیمه شعبان عرضه شده (در تیراژ بالای پنج هزار حلقه) در طی این چند سال. سی دی نوای انتظار که بسیار خوب جلوه کرد و استقبال شد که به صورت برش‌هایی از سخنان بزرگان در کرامات امام زمان (عج) تهیه شده و به روی ضبط ماشین‌ها قابل استفاده است. تهیه و تکثیر پوستر مهدوی با رویکرد پیام‌هایی درباره امام زمان (عج).



- برگزاری ۲ دوره همایش خانوادگی مهدویت در شهرستان گتوند و شهیون
- برگزاری بیش از ۴۰۰ دوره سلسله مباحث مهدویت در مساجد، حوزه‌های علمیه، بخش‌ها، مدارس و...
- برگزاری ۵ دوره آموزش مقدماتی معارف مهدویت، با سرفصل‌های کتاب نگین آفرینش
- برگزاری درس گفتارهای مهدوی در مراسم دعای ندبه
- برگزاری بیش از ۵۰ دوره جلسات هفتگی شرح دعا‌های مهدوی (ندبه، آل یاسین، عهد، زیارت روز جمعه و...)
- برگزاری ۱۰ دوره جلسه پرسش و پاسخ مباحث مهدویت

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)
شهرستان دزفول از ابتدای تأسیس خود
در سال ۱۳۸۷ در راستای ترویج و شکوفایی
فرهنگ مهدویت کوشا بوده است. در
ادامه گزارش اجمالی از عملکرد این بنیاد در سال
۱۳۹۳ ارائه می‌شود، همچنین لازم به ذکر است که
فعالیت‌های مهدوی این بنیاد در سال جاری نیز با
قوت و کیفیت مطلوب‌تر در حال اجرا می‌باشد.



<http://dezful.mahdaviat.ir>

اهم فعالیت‌های صورت پذیرفته در سال ۱۳۹۳

- برگزاری ۸ دوره کارگاه آموزشی مباحث مهدویت ویژه طلاب، معلمان و بسیجیان



- ارائه بیش از ۲۰۰ دوره طرح مباحث مهدویت در مدارس شهر
- تولید برنامه کارشناسی «جمعه انتظار» در رادیو دزفول هر هفته شامل ۳۰ دقیقه در راستای ترویج فرهنگ مهدویت
- تولید ۵ نماهنگ با محوریت شهدای دوران دفاع مقدس
- تولید و ضبط برنامه پیرامون مهدویت، شامل بخش‌های تواشیح، شعرخوانی، مصاحبه و نظرات کارشناسان و ارائه آن در فضای سایبری
- تولید و پخش مناجات مهدوی ویژه ماه مبارک رمضان با استفاده از مداحان بومی شهرستان دزفول و ارائه به صداوسیما و رادیو دزفول
- تولید ۵ حلقه CD مهدوی در ایام و مناسبت‌های مختلف



- برگزاری بیش از ۳۰۰ دوره همایش تربیتی تحت عنوان «نسل جوان و فرهنگ مهدوی» با عناوین مختلف
- ارائه ۴۰ دوره بررسی مباحث انحرافات مهدویت (وهابیت، تصوّف و ایران باستان)
- برگزاری مراسم اعتکاف مهدوی و معنوی
- برگزاری ویژه برنامه‌های میلاد امام زمان (عج)
- برگزاری مراسم احیای نیمه شعبان در مساجد شهر
- برگزاری ۳۰ دوره همایش پیوند عاشورا و مهدویت در حوزه‌های علمیه و هیئات
- برگزاری بیش از ۲۰۰ دوره همایش ارتباط فاطمیه و مهدویت در مساجد، حسینیه‌ها و برنامه رادیویی

در مجموع در سال ۱۳۹۳ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) دزفول نزدیک به ۱۵۰۰ دوره مربوط به مباحث مهدوی برگزار کرده است که بیش از ۳۵۰۰۰ مخاطب را پوشش داده است.

بنیاد دزفول، با تجربه چندین ساله در حوزه فعالیت های مهدوی، عناوینی را که در اجرای برنامه ها و همایش های مهدوی مورد استقبال و استفاده مخاطبان قرار گرفته به تمام علاقه مندان و دغدغه مندان حوزه مهدویت پیشنهاد می کند:

- معرفت شناسی امام زمان(عج)
- امام زمان(عج) و فلسفه خلقت
- شاهد بودن امام زمان(عج)



سال؛ شامل: گزیده ای از کلام بزرگان و علما، مناجات، تواشیح، مولودی خوانی و ...

• ضبط برنامه های کارشناسی اساتید اعزامی از مرکز تخصصی مهدویت و حوزه علمیه قم و مرکز تخصصی نماز و ارائه آن به صداوسیما

• تولید نشریه «تکلیف شما چیست؟» در خصوص بیانات و فرمایشات کمتر منتشر شده مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله) در سطح منطقه

• چاپ پوسترهای مهدوی ویژه نیمه شعبان

• تهیه و انتشار نشریه «منجی می آید» پیرامون مباحث مهدویت



- موعود باوری مبانی الهی انقلاب اسلامی ایران
- جایگاه امامت و مهدویت از منظر قرآن و روایات
- مهدویت و زنان آخرالزمان
- نشانه‌های حضور معنوی حضرت مهدی (عج)
- انتظار در آینه غدیر
- حکومت اسلامی و ولایت فقیه در عصر غیبت
- آسیب شناسی و مهدویت
- بررسی معنویت‌های نوظهور و موارد دیگر



- سبک زندگی مهدوی
- دین‌داری در عصر غیبت
- اخلاق و تربیت مهدوی
- ظهور پدیده‌ای متعالی و انقلابی تکاملی
- انتظار و سبک زندگی عاشورایی
- رابطه و پیوند امام حسین با امام زمان علیهما السلام
- انتظار، جوان و سبک زندگی
- آمادگی جهانی برای ظهور و عوامل آن
- زندگی آرمانی در آخرالزمان



همراهان امان



«همراهان امان»، پل ارتباطی ما با شما دوستان صمیمی مجله است؛ پلی که یک طرف آن پیامک‌ها همراه با پیشنهادهای، انتقادهای راهگشا و مطالب خوب و زیبای شما و طرفی دیگر، پاسخ‌ها و قدردانی‌های در حدّ توان و بضاعت ماست. حضور دوباره شما را در مجله، ارج می‌نهیم و بی‌صبرانه منتظر پیامک‌های شما هستیم.

..... صبیحه عفریان- ۸۴***۰۹۱۶۰۵.....

سلام.
نشریه جدید امان را خواندم؛
کیفیت عالی است لطفاً درباره علایم ظهور و یاران امام
بنویسید.

..... حامد فولاد - ۲۸***۰۹۳۹۵۸.....

با سلام.
خواهشمند است از آیات قرآنی و روایات در مورد امام زمان
علیه السلام و سایر امامان، بیشتر در مجله امان بنویسید.
ومن الله توفیق.

..... آسیه کرباسی - ۳۵***۰۹۰۱۴۸.....

باسلام.
مجله امان بسیار جذاب و قشنگه ممنون.

..... محمدرضا عباس نیا - ۶۰***۰۹۱۵۷۶.....

باسلام و قبولی طاعات و عبادات.
در نشریه «امان» شماره ۵۱ در قسمت «روایت بی‌نهایت»،
مکرر ذکر شده که فدک ارث فاطمه زهرا بوده است. در حالی
که فدک، ارث نبوده بلکه بخشش و هدیه پیامبر بود به
فاطمه زهرا(س).

امان: از دقت نظر و نقد خوب شما سپاسگزاریم. ان شاء الله
دوستان شما در نشریه توجه بیشتری خواهند کرد.

..... مهدی ذوالفقاریان - ۵۹***۰۹۱۲۸۶.....

سلام امان!
خدا قوت. مردم تو خوندن تنبلن.

از عکس کاریکاتور و اینفوگرافی زیاد استفاده کنید.
ان شاء الله تأثیرگذاره.

.....محمد بازیار - ۰۶***۹۱۷۲۳.....

از دوستان گرامی در مجله امان بسیار سپاسگزارم. محمد
بازیار

.....یوسف رحیمی - ۲۷***۰۹۱۹۳۵.....

سلام. امان ۵۱ را می‌دیدم. تغییرات ظاهری خوب بود.
فقط جای شعر، خیلی خالی بود. با تشکر. یوسف رحیمی،
شاعر آئینی

امان: به روی چشم. به درخواست شما و بسیاری از خوانندگان
ارجمند مجله، از همین شماره (۵۲) همانند شمارگان ابتدایی،
صفحات شعر را مجدداً در نشریه قرار دادیم.

قول می‌دهم...

.....رقیه بهرامی؛ قزوین.....

سعی می‌کنم آقا!
اعمالم همچون افکارم راستین و خدایی شود.

.....اشکان صادق بیان؛ همدان.....

قول می‌دهم آقا!
از گناهی که کوچک است توبه کنم تا گناه کبیره نشود.

.....سیمین دولتی؛ کرمانشاه.....

قول دادن به شما سخت است. نکند به قولم عمل نکنم،

می‌ترسم، نه نمی‌ترسم خجالت می‌کشم مولا.

.....سمیرا علی پور؛ اسلام‌آباد غرب.....

قول می‌دهم، در تمام شادی‌ها، غم‌ها، روزها و شب‌ها
فراموشش نکنم.

.....حسن اسفندیار؛ ساری.....

قول می‌دهم آقا!
تا آمدنت آدم شوم، از این لحظه به بعد با تو باشم.

.....جعفر لک زائی؛ زاهدان.....

قول می‌دهم، تمامی تلاشم را در راستای حفظ ارزش‌های
انقلاب و دفاع از حریم ولایت و آماده‌سازی هر چه بیشتر
ملت ایران در راستای ظهور مهدی موعود انجام دهم.

.....اکرم امینی؛ کرمانشاه.....

قول می‌دهم قبل از اینکه در مورد راه رفتن کسی قضاوت
کنم کمی با کفش‌های او راه بروم.

.....آرزو رحمتی؛ آستانه اشرفیه.....

قول می‌دهم، اشتباهات و گناهان گذشته را پلی برای
رسیدن به خدا کنم.

با امان همراه شوید!

گروه مجلات امان، نشریات امان (برای عموم مخاطبان)، ویژه نامه نوجوان و ویژه نامه کودک را منتشر می کند. اولین گام برای همراهی با گروه مجلات امان، عضویت در **پورتال جامع مهدویت** است؛ اعضای پورتال، می توانند از امکانات اطلاع رسانی برنامه های آموزشی و فرهنگی، پاسخگویی به پرسش های علمی، ارایه آثار و طرح های پیشنهادی، ثبت کارنامه فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری در صفحه شخصی، دریافت خبرنامه الکترونیک هفتگی و خدمات ویژه نشریات شامل **اشتراک دوره ای و همکاری با تحریریه نشریات مکتوب و پایگاه های موضوعی** برخط استفاده کنند. ثبت نام در پورتال، به دوروش امکان پذیر است: ۱. از طریق اینترنت: با مراجعه به نشانی **MAHDAVIAT.IR** و فشردن دکمه «عضویت و ورود» و سپس تکمیل برگه موجود در بخش «هنوز ثبت نام نکرده اید؟» ۲. از طریق پیامک: با ارسال یک پیامک فارسی شامل نام، ستاره (*)، نام خانوادگی خود به شماره ۳۰۰۰۱۳. به طور مثال: علی * دانا

راهنمای اشتراک

اعضای پورتال جامع مهدویت، پس از ورود به صفحه شخصی خود، در بخش **مشارکت کنید!** به برگه **اشتراک نشریات** دسترسی دارند. در برگه اشتراک نشریات، می توانید ابتدا دوره اشتراک خود را انتخاب کنید و سپس اطلاعات مورد نیاز برای دریافت نشریه را در توضیحات و یا بخش درباره من تکمیل کنید. هزینه اشتراک، از اعتبار مالی شما در پورتال کسر خواهد شد. توضیحات کامل مربوط به شیوه درخواست اشتراک، شارژ اعتبار مالی، تکمیل مشخصات، تمدید دوره اشتراک و مراحل رسیدگی به کاربرگ اشتراک، در برگه اشتراک نشریات ذکر شده است.

راهنمای همکاری

اعضای پورتال جامع مهدویت، پس از ورود به صفحه شخصی خود، در بخش **مشارکت کنید!** و یا در صفحه اختصاصی نشریه امان از طریق لینک **همکاری با تحریریه** به برگه **تأمین و انتشار محتوا** دسترسی دارند. در برگه تأمین و انتشار محتوا، می توانید نوع مطلب خود را مشخص کنید و سپس عنوان، متن و مستندات مربوط به آن را وارد نمایید. همچنین، می توانید مشخصات مربوط به انتشار پیشین مطلب و نیز پایگاه موضوعی مرتبط برای انتشار آن را انتخاب کنید. توضیحات کامل مربوط به انواع مطالب پیشنهادی و مراحل رسیدگی به کاربرگ، در برگه تأمین و انتشار محتوا ذکر شده است.

چنانچه برای ثبت اشتراک و یا پیگیری انتشار مطلب با مشکل مواجه شدید، از برگه **تماس** در پورتال جامع مهدویت استفاده کنید و یا با شماره تلفن ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۱ تماس بگیرید.